واردات به بیت العدل (حقوق الله ووو)

طبقه روحانی در سازمان بهائیت و ۲۲ عنوان منابع مالی و واردات به بیت العدل در نصوص بهایی

بسم الله الرحمن الرحیم

و صلی الله علیک یا ولی العصر ادرکنی

نقدی بر مقاله " کسب و کار روحانیان به نیابت از امام زمان از دکتر آریا حق گو "

اگر پرداخت حقوق الله ناپسند است چرا بهائیان در آیین خود آن را تایید و مصادیقش را فراتر از اسلام تعیین کرده اند ؟

با توجه به نقد عزیز بهائی دکتر آریا حق گو بر مسئله ای تحت عنوان خمس و زکات شایسته است توجه محققین بزرگوار به این نکته جلب گردد که اگر پرداخت مبالغی به عنوان وجوه شرعی که اعظم مصداق آن خمس است منفور است و مقتضیات زمان اینچنین ایجاب می کند که این حکم ضرورتا باید ملغی شود سوال از این عزیز این است که به چه دلیل در آیین جدید که به روز و مقتضیات زمان است این حکم ملغی نشد و مجددا این مسئله تایید گردید ؟

و جالب توجه اینکه با شدت بیشتر و مصادیقی فراتر از اسلام به آن پرداخته شده است ؟

و از سوئی اگر وجود طبقه ای تحت عنوان علماء پدیده ای منفور می باشد چرا علی رغم انکار بهائیان در رسانه ها ما در منابع امری شواهد و دلائل کافی داریم که هم طبقه ای تحت عنوان علماء در بهائیت وجود دارد و هم آن دسته از افرادی که بشکل تمام وقت فرصت خویش را صرف تبلیغ بهائیت می کنند مجاز هستند پول از بهائیان دریافت کنند لذا در تحقیق زیر به سه نکته خواهم پرداخت :

اول : در بهائیت طبقه علماء وجود دارد .

دوم : مبلغین تمام وقت که یکی از مصادیق علماء محسوب می شوند مجاز به دریافت پول هستند و اخذ ثمن منع شرعی از دید احکام بهائی ندارد .

سوم : در آیین بهائیت علاوه بر وجود احکام مربوط به اصل پرداخت حقوق الله مانند آیین اهل فرقان مصادیق آن نیز گسترش یافته.

اول : در بهائیت طبقه علماء وجود دارد

در یکی از رساله های عملیه بهائیان موسوم به گنجینه حدود و احکام نگاشته عبد الحمید اشراق خاوری در اثبات وجود طبقه ای تحت عنوان علماء به استناد جملات مظهر امر بهائیان در کتاب اقدس پرداخته و می گوید :

""" فصل دوّم – علماء فی البهآء در یکمقام مبلّغین و اصفیا هستند در کتاب مستطاب اقدس از سماء مشیّت جمالقدم جلّ جلاله نازل قوله تعالی: "طوبی لکم یا معشر العلمآء فی البهآء تاللهِ انتم امواج البحرِ الأعظمِ و انجُمُ سمآءِ الفضل و الویه النّصر بین السّموات و الأرضین. انتم مطالعُ الأستقامه بین البَریّهِ و مشارقُ البیان لمن فی الأمکان طوبی لمن اقبلَ الیکم ویل للمعرضین." "

گنجینه حدود و احکام ص ۲۵۱ h ttp://reference.bahai.org/fa/t/c/GHA/gha-260.html#pg251
چنانچه محققین گرامی مشاهده می کنند به شکل واضح جناب بهاء الله اعتراف می کند که در آیین وی طبقه روحانی وجود دارد و این گروه از ویژگی خاصی برخوردار هستند که در آیین اهل فرقان چنین ویژگی اختصاص به حجج الهی دارد نه علماء .

چنانچه ملاحظه می شود جناب بهاء الله از علماء تحت عنوان یا معشر العلماء نام می برد که چه نیکو این مفهوم را جناب اشراق خاوری درک کرده و اینگونه به مفهوم جمله بهاء الله اشاره می کند که " در یکمقام مبلّغین و اصفیا هستند " یعنی اعتراف صریح بر اینکه اولا در بهائیت مبلغین یکی از مصادیق علما محسوب می شوند و در ثانی این گروه از اصفیا و بر گزیدگان می باشند .

لذا انسان از انکار مسندی تحت عنوان علماء در بهائیت تعجب می کند زیرا در این آیین چنانچه مشاهده گردید به صراحت اعتراف به چنین مقامی مشهود است .

توضیحات جناب بهاء الله در وصف این علماء تعجب انسان را دو چندان می کند زیرا انسان اوصافی را در این بیانات در علماء بهائیت مشاهده می کند که با انکار وجود چنین طبقه ای در بهائیت سازگاری ندارد و در تناقض کامل می باشد .

جناب بهاء الله به علماء بهائی خطاب می کند که ایشان " امواج البحر الاعظم " هستند . یعنی علمای بهائی که از افراد برگزیده بهائیان محسوب می شوند امواج دریای بی کران و بزرگ می باشند .

جناب بهاء الله به علماء بهائی خطاب می کند که ایشان " انجُمُ سمآءِ الفضل " هستند . یعنی علمای بهائی که از افراد برگزیده بهائیان محسوب می شوند ستارگان آسمان فضیلت می باشند .

جناب بهاء الله به علماء بهائی خطاب می کند که ایشان " الویه النّصر بین السّموات و الأرضین " هستند . یعنی علمای بهائی که از افراد برگزیده بهائیان محسوب می شوند پرچمهای نصر میان آسمان و زمین می باشند .

جناب بهاء الله به علماء بهائی خطاب می کند که ایشان " مطالعُ الأستقامه بین البَریّهِ " هستند . یعنی علمای بهائی که از افراد برگزیده بهائیان محسوب می شوند مظهر ایستادگی میان مردم می باشند .

جناب بهاء الله به علماء بهائی خطاب می کند که ایشان " مشارقُ البیان لمن فی الأمکان " هستند . یعنی علمای بهائی که از افراد برگزیده بهائیان محسوب می شوند محل طلوع بیان و روشنگری برای تمامی ممکنات می باشند .

بهائیان و محققین علاقمند به آموزه های امری این قسمت از فرمایشات جناب بهاء الله انسان را یاد چه مطلبی در آیین اسلام می اندازد ؟ واقعا منصفین دقت فرمایند :

""" طوبی لمن اقبلَ الیکم ویل للمعرضین """

جناب بهاء الله به صراحت در کتاب اقدس که ناسخ کتب پیشین است خطاب به مخاطبین اقدس که بهائیان می باشند اعلام می دارد که خوش بحال کسانی که پیرو این علماء هستند و به ایشان اقبال می کنند و ویل (وَیل – هلاک – رسیدن شرّ و بلا – کلمه نفرین در وعید عذاب و به معنی وای – ویل اگر مبتدا باشد مرفوع است والاّ منصوب – از نوزده هزار لغت مورد وثوق بهائیان) بر کسانی که از ایشان پیروی نمی کنند و نسبت به ایشان اعراض می نمایند .

البته دهها سند دیگر دال بر وجود طبقه ای تحت عنوان علماء در بهائیت نزد این حقیر موجود است که چنانچه احباء درخواست نمایند مقاله ای مفصل تحت عنوان " بزرگترین بی صداقتی بهائیان در کتمان وجود طبقه ای تحت عنوان علماء در بهائیت " به آن خواهم پرداخت .

دوم : مبلغین تمام وقت که یکی از مصادیق علماء محسوب می شوند مجاز به دریافت پول هستند و اخذ ثمن منع شرعی از دید احکام بهائی ندارد

سند زیر برای بهائیان بسیار گران تمام خواهد شد زیرا در متنی که خدمت محققین ارائه خواهم داد صراحتا در احکام بهائی اعلام می دارد که به این مبلغین و علماء بهائیان مجازند پول بدهند و یا به عبارتی دیگر مبلغین و علماء مذکور مجازند بابت فعالیتهای تمام وقت خویش در این راه پول نیز دریافت نمایند لذا نظر خوانندگان محترم را به مطالبی که در رساله عملیه بهائیان ذکر شده جلب می کنم :

اشراق خاوری در کتاب گنجینه حدود و احکام ص ۲۵۰ :

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح معاون التّجار نراقی میفرمایند قوله جلّ ذکره: "شخص مبلّغ باید در نهایت تنزیه و تقدیس قیام نماید تا نَفَس پاکش در قلوب تأثیر کند و جوهر خلوصش در انظار جلوه نماید. ولی مبلّغین که حِرَف و صنایعی ندارند و کسب و تجارتی نمینمایند شب و روز به تبلیغ مشغولند یاران الهی باید از آنان ملاحظه نمایند و طوعاً در نهایت روحانیّت اعانتی از آنان بکنند." http://reference.bahai.org/fa/t/c/GHA/gha-258.html

چنانچه محققین گرانقدر مشاهده می کنند جناب عبد البهاء مرکز میثاق وغصن اعظم و مبین بیانات جناب بهاء الله و واجد مقام عصمت موهبی از دیدگاه بهائیان جواز پرداخت و یا دریافت وجوه و پول به مبلغین را صادر می فرماید

بعبارتی علماء مذکور در کلمات جناب بهاء الله که در بند اول شرحش گذشت مجازند در برابر خدمات تبلیغی البته چنانچه تمام وقت باشد پول دریافت کنند .

واقعا علاقمند بودم در این قسمت صحنه عکس پول گرفتن ایشان درج می شد ولی ....

سوم : در آیین بهائیت علاوه بر وجود احکام مربوط به اصل پرداخت حقوق الله در آیین اهل فرقان مصادیق آن نیز گسترش یافته که این عنواین در بیست و دو قسمت به شرح زیر می باشد :

ابتدا به بیان کلی مصادیق حقوق الله از دید رساله عملیه بهائیان می پردازیم :

عبدالحمید اشراق خاوری تقریرات درباره کتاب مستطاب اقدس :

قد ارجعنا ثلث الدّیات کلّها الی مقرّ العدل و نوصی رجاله بالعدل الخالص لیصرفوا ما اجتمع عندهم فیما امروا به من لدن علیم حکیم. یا رجال العدل کونوا رعاه اغنام الله فی مملکته و احفظوهم عن الذّئاب الّذین ظهروا بالاثواب کما تحفظون ابنآئکم کذلک ینصحکم النّاصح الامین.دیات جمع دیه است. دیه عبارت از جریمه شرعی است که بر اعمال مختلفه منهیّه تعلّق می گیرد. مثل نه مثقال طلائی که بر زانی تعلق می گیرد. می فرمایند، از تمام دیه هائی که از نفوس گرفته می شود، ثلث آن راجع است به بیت العدل و وصیّت می کنیم رجال بیت العدل را به عدل خالص. بیت العدل مأمورند آنچه را که پیش آنها جمع می شود، در اموری که از طرف خداوند دانا و حکیم مأمور به آن هستند، صرف کنند بعد می فرمایند، این اعضای بیت العدل به منزله شبان هائی که گوسفندان خدا را در مملکتش رعایت می کنند، می باشند. مؤمنین تشبیه به اغنام الله شده‌اند و رجال بیت العدل به شبان. بعضی اشخاص هستند که بصورت اهل ایمان در می آیند، ظاهرشان گوسفند است ولی در باطن گرگ درّنده هستند و برای استثمار و فریب دادن افراد به شکل مؤمنین ظاهر می شوند ولی در حقیقت ریاکارند. به اعضای بیت العدل می فرمایند، شما اغنام الهی و افراد جامعه بشر را از این نفوس ظالم و ستمکار که به لباس میش هستند حفظ کنید، همانطوری که بچه های خود را حفظ می کنید. یعنی اعضای بیت‌العدل باید خود را به منزله پدر و جمیع افراد بشر را به منزله فرزندان خود حساب کنند. " کذلک نصحکم النّاصح الامین "، اینطور نصیحت می کند شما را نصیحت کننده درستکار. (عبدالحمید اشراق خاوری تقریرات درباره کتاب مستطاب اقدس شرح و توضیح درباره آیات کتاب مستطاب اقدس تنظیم و تدوین: دکتر وحید رأفتی مؤسّسه مطبوعات امری آلمان لجنه ملّی نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی ص ۱۴۲ و ۱۴۳)

چنانچه در مطالب فوق مشهود است عمده در آمدهای بیت العدل صرف فعالیتهای مبلغین می گردد تا مانع فعالیت افرادی مثل ناصر الدین گردند تا بهائیان فریب سخنان این حقیر را نخورند و افرادی مانند ناصر الدین ذئب اغنام و گرگ گوسفندان جناب بهاء الله نگردند (این ترجمه دقیق فرمایشات جناب بهاء الله است و هیچ قصد توهین در مقاله علمی به ساحت عزیزان بهائی ندارم) .

ابتدا به بررسی و جایگاه پرداخت حقوق الله در بهائیت می پردازیم :

الف) **پول به بیت العدل بدهید زیرا حاصل آن برکت یافتن اموالتان می شود**

گنجینه حدود و احکام ۹۹

فصل چهارم – در اینکه ادای حقوق الله سبب برکت و وسعت و ثبوت و استقامت است. در لوح آقا محمّد کریم از قلم جمال قدم جلّ جلاله نازل قوله تعالی:

"امر حقوق بسیار عظیم است. سبب و علّت برکت و نعمت و رفعت و عزّت بوده و هست."

ب) **اگر بهائیان به بیت العدل حقوق الله پرداخت نکنند از بیگانگان محسوب خواهند شد**

گنجینه حدود و احکام ۹۹ – ۱۰۰

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح احبّای همدان میفرمایند قوله العزیز:

"ای یاران ربّانی من، این یقین و مسلّم است که حضرت بیچون در جمیع شئون بغنای مطلق موصوف و برحمت واسعه مشهور و بفیض ابدی مألوف و بعطاء عالم وجود معروف ولی نظر بحکمت بالغه و امتحانات خارقه تا آشنا از بیگانه امتیاز یابد حقوق بر عباد خویش واجب و مفروض فرمود. نفوسیکه اطاعت این امر مبرم نمودند ببرکت آسمانی موفّق و در دو جهان روی روشن و مشام از نسیم عنایت معطّر کردند. از جمله حکمتهای بالغه اینکه اعطای حقوق سبب ثبوت و رسوخ نفوس گردد و نتایج عظیمه بارواح و قلوب بخشد و در موارد خیریّه مصرف گردد."

ج) **اگر بهائیان به بیت العدل حقوق الله پرداخت نکنند سبب تسلط دیگران بر اموالشان می شود**

بیانات مبارکه در اینخصوص بسیار است و خاتمه را بنگارش آیاتی چند که از سماء مشیّت جمال قدم جلّ جلاله نازل شده اختصاص میدهد. از جمله در لوح علی قبل نبیل که آغازش "سبحان من انار افق العالم" است میفرمایند. "از جمله حقوق الله نازل و اگر ناس بادای آن موفّق شوند البتّه حقّ جلّ و عزّ برکت عنایت فرماید و هم آن مال نصیب خود آن شخص و ذرّیّه او شود. چنانچه مشاهده مینمائی اکثری از اموال ناس نصیب ایشان نشده و نمیشود و اغیار را حقّ بر آن مسلّط میفرماید و یا وُرّاثی که اغیار بر ایشان ترجیح دارد. حکمت بالغه الهی فوق ذکر و بیان است انّ النّاس یشهدون ثمَّ یُنکِرون و یعرفون ثمَّ یجهلون." گنجینه حدود و احکام ص ۱۰۲

و نیز در لوح سمندر نازل قوله تعالی: "یا سمندر چه مقدار از نفوس که بکمال سعی و اجتهاد مشتی از زخارف جمع مینمایند و کمال فرح و شادی را از جمع آن دارند ولکن در باطن از قلم اعلی بدیگران محوّل شده یعنی نصیب خود ایشان نیست بسا میشود که باعدای آن نفوس میرسد اعاذنا الله گنجینه حدود و احکام ص ۱۰۳

و در ضمن همین لوح است که میفرمایند (لوح سمندر) نازل قوله تعالی قوله العزیز: "سبحان الله اغنیای احبّاء همّتی ننمایند و خدمتی نکنند از بس تعلّق باین اموال دنیا دارند ولی بالتّصادف بعد از وفات اموالشان در دست دشمنان آنان افتد. میخورند و بقول عوام فاتحه میخوانند." گنجینه حدود و احکام ص ۱۰۴

اولین منبع در آمد بیت العدل : نوزده در صد از در آمد سالیانه کل بهائیان عالم :

در وجوب ادای حقوق الله : در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"و الّذی تَملّک مائه مثقالٍ من الذّهب فَتسعَهَ عشر مثقالاً لله فاطر الأرض و السّمآء ایّاکم یا قوم ان تمنعوا انفسکم عن هذا الفضل العظیم. قد امرناکم بهذا بعد اذ کُنّا غنیّاً عنکم و عن کلّ مَن فی السّموات و الأرضین. انّ فی ذلک لَحِکَمٌ و مصالح لم یُحِط بها علم احد الّا الله العالم الخبیر . قل بذلک اراد تطهیرَ اموالکم و تقرّبَکُم الی مقامات لا ادرکها الّا من شآء الله انّه لهو الفضّال العزیز الکریم. یا قوم لا تخونوا فی حقوق الله و لا تصرّفوا فیها الّا بعد اذنه کذلک قضی الأمر فی الألواح و فی هذا اللّوح المنیع. من خان الله یخان بالعدل و الّذی عمل بما امر ینزل علیه البرکه من سمآء عطآء ربّه الفیّاض المعطی الباذل القدیم. انّه اراد لکم ما لا تعرفونه الیوم سوف یعرفه القوم اذا طارت الأرواح و طویت زرابیّ الأفراح (۱) کذلک یُذَکّرکم من عنده لوح حفیظ." (بند ۹۷) گنجینه حدود و احکام ص ۹۲ و ۹۳

توضیح :

چنانچه مشاهده شد نوزده درصد از در آمد سالیانه باید پرداخت شود و حاصل آن تطهیر اموال بهائیان خواهد بود و اگر پرداخت نشود اموال غیر طاهر محسوب خواهد بود

دومین منبع در آمد بیت العدل : پرداخت حقوق الله پس از مرگ هر چند در زمان زنده بودن حقوق الله را پرداخت کرده باشند در حالی که اهل فرقان چنانچه خمس در زمان زنده بودن پرداخت شده باشد پس از مرگ دیگر لازم به پرداخت نمی دانند و ظاهرا در اخذ پول بهائیان مقتضیات زمان را به افزایش در آمد بیت العدل می دانند :

حضرت ولی امرالله ارواحنا لعواطفه الفداء در توقیع امه الله شهربانو ضلع آقا عبد الصّمد ارض اصفهان مورّخ شوّال سنه ۱۳۴۵ هجری میفرمایند: "امّا در خصوص حقوق الله .... تعلّق آن بمال التّجاره و ملک و عایدات است که بعد از مخارج لازمه آنچه فایده حاصل شود و بر مایه افزوده گردد باید حقوق آن داده شود و چون یکمرتبه حقوق ادا شد دیگر بر آن تعلّق نمیگیرد مگر آنکه آنمال از شخصی بشخص دیگر رسد." گنجینه حدود و احکام ص ۹۶

سومین منبع در آمد بیت العدل : اموال متوفی بلا وارث است که به بیت العدل راجع می شود :

فصل پنجم – در اینکه اگر مُتَوَفّی ذرّیّه نداشته باشد قسمت اولاد به بیت العدل میرسد

در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"من مات و لم يكن له ذرّيّه ترجع حقوقهم الى بيت العدل ليصرفوها امنآء الرّحمن فى الأيتام و الأرامل (۲) و ما ينتفع به جمهور النّاس ليشكروا ربّهم العزيز الغفّار." (بند ۲۱) و در رساله سؤال و جواب مذكور قوله تعالى: "اگر نفسى بميرد و ذرّيّه نداشته باشد حقوق ذرّيّه به بيت العدل راجع است." گنجينه حدود و احكام ص ۱۲۳

چهارمين منبع در آمد بيت العدل: چنانچه ذريه موجود و طبقات غير آن مفقود باشد يک ثلث آن به بيت العدل مى رسد (اين هم نزد اهل فرقان نبود و ظاهرا به مقتضيات زمان خرج بيت العدل بالا رفته و نياز به در آمد بيشتر دارد)

فصل ششم – در وجود ذرّيّه و فقدان ساير طبقات

در كتاب اقدس نازل قوله تعالى:

"و الّذى له ذرّيّه و لم يكن ما دونها عمّا حدّد فى الكتاب يرجع الثّلثان ممّا تركه الى الذّرّيّه و الثّلث الى بيت العدل كذلک حكم الغنىّ المتعال بالعظمه و الأجلال." (بند ۲۲)

و در رساله سؤال و جواب نازل قوله تعالى:

"و اگر ذرّيّه باشد و سايرين از ورّاث نباشند دو ثلث از ميراث بذرّيّه ميرسد و ثلث آخر به بيت العدل راجع. اينحكم در كلّ و بعض هر دو جارى است يعنى هر كدام از ساير ورّاث نباشند دو ثلث بذرّيّه راجع و ثلث به بيت العدل." گنجينه حدود و احكام ۱۲۳ – ۱۲۴

پنجمين منبع در آمد بيت العدل : اگر از طبقات سبعه كسى نباشد دو ثلث تركه بخويشان متوفّى و يک ثلث به بيت العدل راجع ميشود (اين هم نزد اهل فرقان نبود و ظاهرا به مقتضيات زمان خرج بيت العدل بالا رفته و نياز به در آمد بيشتر دارد)

فصل هفتم – در اينكه اگر از طبقات سبعه كسى نباشد دو ثلث تركه بخويشان متوفّى و يک ثلث به بيت العدل راجع ميشود. قوله تعالى در كتاب مستطاب اقدس: "و الّذى لم يكن له من يرثه و كان له ذوى القربى من ابنآء الأخ و الاخت و بناتهما فلهم الثّلثان و الّا للأعمام و الأخوال و العمّات و الخالات و من بعدهم و بعدهنّ لأبنآئهم و ابنآئهنّ و بناتهم و بناتهنّ و الثّلثيرجع الى مقرّ العدل امراً فى الكتاب من لدى الله مالک الرّقاب." (بند ۲۳) گنجينه حدود و احكام ۱۲۴ – ۱۲۵

ششمين منبع در آمد بيت العدل : اموال افراد بلا وارث است كه كلا به بيت العدل مى رسد

فصل هشتم – در فقدان كلّيّه ورّاث جميع اموال به بيت عدل ميرسد

قوله تعالى فى كتابه الاقدس:

"من مات و لم یکن له احد من الذّین نزّلت اسمآئهم من القلم الأعلی ترجع الأموال کلّها الی المقّر المذکور لتصرف فیما امر الله به انّه لهو المقتدر الأمّار." (بند ۲۴)

گنجینه حدود و احکام ۱۲۵

هفتمین منبع در آمد بیت العدل : آنچه به فرزند پسر ارشد می رسد چنانچه نباشد به بیت العدل می رسد

سؤال – دار مسکونه و البسه مخصوص ذرّیّه ذکور است دون الأناث و الورّاث، هر گاه ذرّیّه ذکور نباشند تکلیف چیست؟

جواب – قوله تعالی مَن مات و لم یکن له ذرّیّه ترجع حقوقهم الی بیت العدل. نظر باین آیه مبارکه دار مسکونه و البسه مخصوصه به بیت العدل راجع است."

"سؤال – مجدّد سؤال شده دار مسکونه و البسه مخصوصه در صورت عدم وجود ذکران از ذرّیّه

راجع به بیت العدل است یا مثل سایر اموال تقسیم میشود؟

جواب – دو ثلث خانه و البسه مخصوصه باناث از ذرّیّه راجع و ثلث الی بیت العدل الّذی جعله الله مخزن الأمّه."
گنجینه حدود و احکام ۱۲۹ – ۱۳۰

هشتمین منبع در آمد بیت العدل : مالی است که صاحبش مرده باشد و حقوق الله را پرداخت نکرده باشد اول حقوق الله و چنانچه پولی ماند بدهی وی پرداخته شود

فصل دوازدهم – در اینکه مخارج کفن و دفن متوفّی و ادای حقوق الله که بر ذمّه او باشد و همچنین ادای قروض وی بمردم اوّل باید از ترکه متوفّی موضوع شود و بقیّه بین ورّاث تقسیم شود.

جمالقدم جلّ جلاله در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند قوله تعالی:

"کلّ ذلک بعد ادآء حقّ الله و الدّیون لو تکون علیه و تجهیز الأسباب للکفن و الدّفن و حمل المیّت بالعزّه و الأعتزاز کذلک حکم مالک المبدء و الماب." (بند ۲۸) گنجینه حدود و احکام ص ۱۳۲ – ۱۳۳

نهمین منبع در آمد بیت العدل : اوقاف است

"اوقاف مختصّه بخیرات قبل از تشکیل بیت العدل بمحفل روحانی که منزّه و مقدّس از شائبه نفسانی است راجع و الّا فلا." گنجینه حدود و احکام ص ۲۲۲

دهمین منبع در آمد بیت العدل : دو سوم دفینه است

دفینه

در رساله سؤال و جواب میفرمایند:

"اگر دفینه یافت شود یک ثلث حقّ نفسی است که یافته و دو ثلث دیگر را رجال بیت عدل در مصالح عموم عباد صرف نمایند و این بعد از تحقّق بیت عدل است و قبل از آن بنفوس امینه در هر بلد و دیار راجع انّه لهو الحاکم الآمر العلیم الخبیر." گنجینه حدود و احکام ۲۲۲

یازدهمین منبع در آمد بیت العدل : یک سوم کل دیات است

یک سوم دیات باید به بیت العدل داده شود – موار دیه در چه جاهائی است ؟ (این هم نزد اهل فرقان نبود و ظاهرا به مقتضیات زمان خرج بیت العدل بالا رفته و نیاز به در آمد بیشتر دارد)

ثلث دیات

جمالقدم جلّ جلاله در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند قوله تعالی:

"قد اَرْجَعْنا ثلثَ الدّیات کلّها الی مقرّ العدل." (بند ۵۲) (۱) دیه: جریمه‌ایست نقدی که در مقابل ارتکاب بعضی از جنایات بعامل تعلّق میگیرد مانند دیه زنا و سر شکستن

و غیره که مقدار هر یک در ذیل احکام مربوطه بآن در این رساله مندرج است. گنجینه حدود و احکام ص ۲۲۲

دوازدهمین منبع در آمد بیت العدل : قسمتی از حقوق طبقات مفقوده وراث است

قسمتی از حقوق طبقات مفقوده ورّاث نیز به بیت العدل راجع است و نصوص الهی در ذیل حکم تقسیم ارث ذکر شد. گنجینه حدود و احکام ۲۲۲ – ۲۲۳

سیزدهم و چهاردهم و پانزدهمین منبع در آمد بیت العدل : اموال یافت شده ثلث معادن و واردات عشریّه رسوم حیوانات است

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح اقتصاد که باعزاز امه الله مسس پارسنز نازل

و در جلد اوّل بدائعالآثار زرقانی (۲) مسطور میفرمایند:

"... این مخزن هفت واردات دارد واردات عشریّه رسوم حیوانات مال بیوارث لُقَطَه یعنی چیزیکه یافته شود و صاحب نداشته باشد دفینه اگر پیدا شود ثلثش راجع باین مخزن است. معادن ثلثش راجع باین مخزن است و تبرّعات." (سفرنامه اوّل صفحه ۱۸۹)

تبصره راجع بلقطه در رساله سؤال و جواب میفرمایند:

"سؤال – در باب گمشده که بعد از یافتن چگونه معمول شود؟

جواب – اگر در شهر یافت شود یکبار منادی (۱) ندا کند و اخبار دهد اگر صاحب آن یافت شد

تسلیم نماید و الّا یکسنه صبر کند. اگر صاحب آن یافت شد آنچه مصروف منادی نموده اخذ و

مال را تسلیم کند. و اگر یکسنه گذشت و صاحبش معلوم نشد در آن تصرّف نماید. و اگر گمشده

از مصروف منادی کمتر یا مثل آن باشد پس از یافتن یکروز صبر کند اگر صاحبش یافت نشد

تصرّف نماید. و اگر در صحرا یافته سه روز صبر کند اگر صاحبش معلوم نشد تصرّف نماید."

گنجینه حدود و احکام ۲۲۳ ۲۲۴

شانزدهمین منبع در آمد بیت العدل : چنانچه در ایام اصطبار (شکیبائی و نزدیکی نکردن در ایامی که نباید همبستر شد) نزدیکی شود باید به بیت العدل دیه داده شود

– "سؤال – اگر در ایّام اصطبار اقتران واقع شود و بعد ندامت حاصل گردد آیا ایّام قبل از اقتران از ایّام اصطبار محسوبست و یا آنکه سال را از سر گیرد؟ و آیا بعد از طلاق تربّص لازم است یا نه؟ جواب – اگر در ایّام اصطبار الفت بمیان آید حکم زواج ثابت و باید بحکم کتاب عمل شود و اگر ایّام اصطبار منتهی شود و بما حکم به الله واقع گردد تربّص لازم نه و اقتران مرء یا مرئه در ایّام تربّص حرام است. و اگر کسی مرتکب شود باید استغفار کند و نوزده مثقال ذهب به بیت العدل جزای عمل برساند ."گنجینه حدود و احکام ۲۸۸ و ۲۸۹

هفدهمین منبع در آمد بیت العدل : ثلث دیه قتل است

در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند قوله تعالی:

"مَن قتل نفساً خطأً فله دیةٌ مُسَلّمةٌ الی اهلها و هی مائةُ مثقالٍ من الذّهب اعملوا بما اُمِرْتمُ به فی اللّوح و لا تکونُنَّ من المُتَجاوزین." (بند ۱۸۸) گنجینه حدود و احکام ص ۲۹۷

با توجه به اینکه باید یک سوم دیات به بیت العدل برسد همین مقدار از دیه فوق هم باید به بیت العدل برسد :

ثلث دیات جمالقدم جلّ جلاله در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند قوله تعالی:

"قد اَرْجَعْنا ثلثَ الدّیات کلّها الی مقرّ العدل." (بند ۵۲) (۱) دیه: جریمه‌ایست نقدی که در مقابل ارتکاب بعضی از جنایات بعامل تعلّق میگیرد مانند دیه زنا و سر شکستن و غیره که مقدار هر یک در ذیل احکام مربوطه بآن در این رساله مندرج است. گنجینه حدود و احکام ص ۲۲۲

هجدهم منبع در آمد بیت العدل : دیه زنا غیر محصن است

فصل دوّم – در حدّ زنا

در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"قد حکم اللهُ لکلِّ زانٍ و زانیهٍ دیهً مُسَلَّمَهً الی بیت العدل و هی تسعهُ مثاقیلَ من الذّهب و ان عادا مَرّهً اخری عُودُوا بِضِعْفِ الجزآء هذا ما حَکَمَ به مالکُ الأسمآء فی الأولی و فی الأخری قُدِّرَ لهما عذابٌ مُهینٌ." (بند ۴۹)

و در رساله سؤال و جواب نازل: "سؤال – از جزای زانی و زانیه

جواب – دفعه اولی نه مثقال، ثانی هجده مثقال، ثالث سی و شش مثقال الی آخر دو مقدار

جزای سابق. و مثقال نوزده نخود است چنانچه در بیان نازل شده." گنجینه حدود و احکام ص ۳۰۰ – ۳۰۱

نوزدهمین منبع در آمد بیت العدل : دیه زنای محصنه

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح مرحوم آقا نعمت الله نراقی میفرمایند قوله تعالی:

"امّا مسئله زنا این تعلّق بغیر محصن دارد نه محصن و امّا زانی محصن و محصنه حکمش راجع به بیت العدلست." (۱) گنجینه حدود و احکام ص ۳۱۰

جالب است زنای محصن که سنگین تر است را بیان نکرده و سبکتر را بیان کرده

بیستم منبع در آمد بیت العدل که از آن صرف مزدوران قلم بدست بهائی جهت تفرقه در میان ادیان می شود پول حد سرقت است :

تعیین مقادیر حدّ سرقت با بیت العدلست چنانچه در رساله سؤال و جواب میفرمایند:

"سؤال – از حدّ زنا و لواط و سارق و مقادیر آن

جواب – تعیین مقادیر حدّ به بیت العدل راجع است." گنجینه حدود و احکام ۳۱۸

بیستمین منبع در آمد بیت العدل : دیه جراحت وارد کردن بر افراد است

تبصره در این مقام این مطلب را بمناسبت مینگارد که در کتاب اقدس میفرمایند اگر کسی سر کسی را بشکند یا کسی را بزند باید دیه جرم از او اخذ شود و تعیین مقادیر آن چون در الواح مبارکه الهیّه نازل نشده راجع به بیت العدل اعظم است. حکم مزبور در بند ۵۶

کتاب مستطاب اقدس نازل شده قوله تعالی:

"و امّا الشّجاج (: شکستن سر را گویند) و الضّربُ تختلفُ احکامُهُما باختلاف مقادیرهما و حَکمَ الدّیّانُ لکُلّ مقدارٍ دیهً مُعیّنهً انّه لهو الحاکم العزیز المنیع. لو نشاءُ نُفصّلُها بالحقّ وعداً من عندنا انّه لهو المؤفیِ العلیم."

گنجینه حدود و احکام ص ۳۲۳

بیست و یکمین منبع در آمد بیت العدل : مبلغ دیه لواط است

در نهی و حرمت لواط

در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند قوله تعالی:

"انّا نَسْتَحْیی اَنْ نذکُرَ حکمَ الغِلمانِ اتّقُوا الرّحمنَ یا ملأ الأمکانِ و لا تَرتَکِبوُا ما نُهیتُم عنه فی اللّوح و لا تکونوا فی هَیْمآء <<< هیمآء: بیابان – هائمین: سرگردان و حیران <<< الشّهوات من الهائمین." (بند ۱۰۷) .... و در لوح مبارک مورّخ هفدهم ج ۲ سنه ۱۲۹۱ از قلم اعلی جلّ جلاله نازل قوله تعالی: "قل قد حُرّمَ علیکم الزّنا و اللّواطُ و الخیانهُ ان اجْتَنِبوُا یا معشر المقبلین تاللّه قد خُلِقْتُم لتطهیرِ العالَم عن رِجسِ الهَوی هذا ما یأمُرکم به مولی الوَری ان انتم من العارفین. مَنْ یَنْسِبُ نفسَهُ الی الرّحمن و یَرْتَکِبُ ما عمل به الشّیطانُ انّه لیسَ مِنّی یشهد بذلکَ کلُّ النّواهِ (۱)

<<< نواه: هسته خرما و غیره >>> و الحَصاه <<< حصاه: ریگ >>> و کلّ الأشجار و الأثمار و عن ورائها هذا اللّسان النّاطق الصّادق الأمین.”

تعیین حدّ و جزای عامل این منکر راجع به بیت العدل است چنانچه در سؤال و جواب میفرمایند:

“سؤال – از حدّ زنا و لواط و سارق مقادیر آن

جواب – تعیین مقادیر حدّ به بیت العدل راجع است.” ص ۳۳۸ – ۳۳۹

بیستم و دومین منبع در آمد بیت العدل : بجای مسافرت برای زیارت قبور – پول سفر را به بیت العدل بدهید

جمالقدم جلّ جلاله در لوح بشارات میفرمایند قوله تعالی:

“بشارت چهاردهم شَدِّ رحال (بستن بار سفر) مخصوص زیارت اهل قبور لازم نه مخارج آنرا اگر صاحبان قدرت و وسعت به بیت العدل برسانند عند الله مقبول و محبوب نعیماً للعاملین.”

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح جناب عوض محمّد سنگسری جذبانی (جناب جذبانی در ماه شعبان سال ۱۳۲۳ شمسی هجری در شاهرود با جمعی دیگر از احبّای باوفا) میفرمایند قوله العزیز:

“در بشارات نازل که شدّ رحال برای زیارت قبور جائز نه مقصد این است از کشوری بکشوری محض زیارت قبور جائز نه. ملاحظه مینمائید که شدّ رحال چه قدر سبب اشتغال گشته بشهادت رسید. مشار الیه دارای اولاد نبود.

و این حکم عمومی است مگر مواقع منصوصه ولکن هر مرقد منوّری از شهداء و غیر شهداء از احبّاء در هر مملکتی هست باید نهایت احترام را مجری داشت و زیارتش سبب روحانیّت و نورانیّت قلوب میگردد و علیک البهآء الأبهی.” ۹ رمضان ۱۳۳۹ حیفا عبدالبهاء عباس گنجینه حدود و احکام ص ۳۴۸ و ۳۴۹

موارد فوق مختصری بود از موارد عایدات بیت العدل که یکی از موارد مهم خرج کردن آن برای نشر امر الله می باشد و از مصادیق حقیقی آن نگاشتن مقالات تفرقه انگیز در میان ادیان و تحقیر احکام ایشان و به روز نشان دادن خود .

در پایان من هیچ قضاوتی نمی کنم و مخاطبین را با مقاله محققانه جناب دکتر آریا حق گو تنها می گذارم . شاد باشید .

منبع: https://www.hassanershad.com/4521

واکاوی حکم نجاست بهائیان

بر اساس آموزه های ادیان ابراهیمی البته به روایت اسلام , حجج الهی موظفند که عقل مخاطب را مورد ابلاغ قرار دهند. حال اگر صاحبان عقول با بینه ها و دلائل روشن دریافتند که مدعی حجت الهی در ادعای خود صادق بود آن را می پذیرند ولی اگر بر حجت باطنی که رسول و پیامبر باطنی است این امر اثبات نشد خود حجج الهی مطرح کرده اند که وی در پیشگاه خداوند معاقب نخواهد بود لذا انسانها در دو ساحت و دو منظر با حجج الهی مواجه می شوند :

اول : مواجهه حجج الهی قبل از تصدیق به طبیب حاذق بودن ایشان

دوم : مواجهه بعد از تصدیق وی و دل دادن به آموزه های تربیتی ایشان

یکی از بهترین سخنی که در مورد مطلب نخست در آموزه های حجج الهی آمده حدیث ابن سکیت با امام کاظم علیه السلام است :

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ السَّيَّارِيِّ عَنْ أَبِي يَعْقُوبَ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ: قَالَ ابْنُ السِّكِّيتِ «۲» لِأَبِي الْحَسَنِ ع لِمَا ذَا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ ع بِالْعَصَا وَ يَدِهِ الْبَيْضَاءِ وَ آلَةِ السِّحْرِ وَ بَعَثَ عِيسَى بِآلَةِ الطِّبِّ وَ بَعَثَ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ بِالْكَلَامِ وَ الْخُطَبِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع إِنَّ اللَّهَ لَمَّا بَعَثَ مُوسَى ع كَانَ الْغَالِبُ عَلَى أَهْلِ عَصْرِهِ السِّحْرَ فَأَتَاهُمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بِمَا لَمْ يَكُنْ فِي وُسْعِهِمْ مِثْلُهُ وَ مَا أَبْطَلَ بِهِ سِحْرَهُمْ وَ أَثْبَتَ بِهِ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ وَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ عِيسَى ع فِي وَقْتٍ قَدْ ظَهَرَتْ فِيهِ الزَّمَانَاتُ «۳» وَ احْتَاجَ النَّاسُ إِلَى الطِّبِّ فَأَتَاهُمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بِمَا لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُمْ مِثْلُهُ وَ بِمَا أَحْيَا لَهُمُ الْمَوْتَى وَ أَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَثْبَتَ بِهِ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ وَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّداً ص فِي وَقْتٍ كَانَ الْغَالِبُ عَلَى أَهْلِ عَصْرِهِ الْخُطَبَ وَ الْكَلَامَ وَ أَظُنُّهُ قَالَ الشِّعْرَ فَأَتَاهُمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مِنْ مَوَاعِظِهِ وَ حِكَمِهِ مَا أَبْطَلَ بِهِ قَوْلَهُمْ وَ أَثْبَتَ بِهِ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ قَالَ فَقَالَ ابْنُ السِّكِّيتِ تَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مِثْلَكَ قَطُّ فَمَا الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ الْيَوْمَ قَالَ فَقَالَ ع الْعَقْلُ يُعْرَفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيُصَدِّقُهُ وَ الْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيُكَذِّبُهُ قَالَ فَقَالَ ابْنُ السِّكِّيتِ هَذَا وَ اللَّهِ هُوَ الْجَوَابُ. الكافی (ط – الإسلامیه)، ج۱، ص: ۲۵

ترجمه : ابن سکیت به امام ابو الحسن (امام هفتم) (ع) عرض کرد: چرا خدا موسی بن عمران (ع) را با عصا و ید بیضا که ابزار جادویند مبعوث کرد و عیسی (ع) را با معجزات طبی و محمد (ص) را با معجزه کلام و سخنرانی؟ در پاسخ فرمود: هنگامی که خدا موسی (ع) را مبعوث کرد جادو بر مردم زمانهاش تسلط داشت و خدا مانندی از آن را آورد که بر آن توانا نبودند و بوسیله آن جادوی آنها را باطل کرد و حجت خود را بر آنها ثابت نمود، و خداوند عیسی (ع) را وقتی مبعوث کرد که فلج بر مردم مسلط بود و نیاز به طب داشتند و از خدا معالجه معجز مآبی آورد که مانندش نداشتند و به اجازه خدا مرده ها را زنده کرد و کور مادرزاد و پیس را درمان نمود و حجت را بر آنها تمام کرد و خداوند محمد (ص) را در وقتی مبعوث کرد که هنر غالب هم عصرانش سخنرانی و سخنوری بود (و به گمانم فرمود شعر بود) و از طرف خدا پندها و دستوراتی شیوا آورد که گفتار آنها را بیهوده نمود و حجت را بر آنها ثابت کرد. راوی گوید: ابن سکیت گفت: من هرگز چون شما را ندیدم بفرمائید امروز حجت و امام مردم کیست؟ فرمود: بوسیله خرد میتوان مبلغ صادق از طرف خدا را شناخت و او را تصدیق کرد و

دروغ گوی از طرف خدا را هم شناخت و او را تکذیب کرد، ابن سکیت گفت: به خدا جواب همین است . تمام .

سخن امام گویای این مطلب است که ابتدا حجج الهی با بینه و دلائل آشکار باید بر صاحبان عقل حجیت خویش را ثابت کنند و هر حجتی در دوران خویش باید عقل مخاطب را قانع کند و در این مرحله اگر قرار است که ایمانی رخ دهد باید این ایمان مبتنی بر عقل و تصدیق او باشد .

باید دقت گردد که معصوم در بیان فوق حکایت اولین دیدار و مواجهه با حجت الهی را روایت می کند لذا به ابن سکیت که از استوانه های علم و ادب و از منکرین حجیت امام کاظم ع در زمان خویش بود این مطلب را بیان می کند که عقل توان تشخیص مدعی صادق از کاذب را دارد و آفریننده انسان به حجیت عقل قائل است و مهم اتمام حجت بر عقل است حال اگر بنا بدلائلی حجت بر عقل اتمام نگشت واجد آن در برابر خداوند مسئول نخواهد بود .

سخن در اینجاست که چنانچه عقل با دلائلی که حجج الهی ارائه می دهند طبیب حاذق بودن وی را تصدیق کرد به مقام دوم راه یافته که این مقام رتبه عمل به نسخه طبیب حاذق است در این مرحله است که مصداق ایمان به غیب معنا پیدا می کند یعنی در همان ابتدائی که هنوز عقل حجیت مدعی حجت بودن را تصدیق نکرده است سخن از ایمان به غیب و اجراء اوامر و نواهی مشیت الهی بی معنا خواهد بود .

چنانچه این دو مقام درک شود بسیاری از شبهات فوق خود بخود رفع می گردد زیرا ما در ابتدای امر بدون هیچ پیش فرضی خود هستیم و حجیت ذاتی عقلمان و حجج الهی نیز خود معترف به این مقام هستند لذاست که موسی برای اثبات حجیت خویش دستور به اطاعت خویش را صادر نمی کند و فرمان بی چون و چرا برای اطاعت از منویات خویش را ارائه نمی دهد و در ابتدای امر عیسی ع و پیامبر ص و سایر حجج الهی سخن از تعبدی بودن اصل نبوت خویش را به میان نمی آورند .

تمام حجج الهی در ابتدا با تذکر به این نکته که ای انسان نظر بر عقل خویش بیفکن همان که تمام روشنائی ها به اوست و در اثبات حجیت آن هیچ نیازی به دلیل و برهان نیست بلکه صرف نظر و توجه به آن ,حجیتش را حاکی است دلائل نبوت خویش را عرضه می کنند. در این مقام است که حجج الهی فقط وظیفه ابلاغ را بر عهده دارند (َ ما عَلَى الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاَغُ الْمُبين) این کلام یعنی لا اکراه فی الدین نیز ناظر به همین مقام است .

و اما مقام پس از تصدیق :

مقام پس از تصدیق یعنی قبول دل سپردن به تربیت مبتنی بر مشیت الهی

حجج الهی وقتی در این مقام قرار می گیرند اولین دغدغه آنها صحت انتساب مشیت الهی به الله می باشد یعنی حضرت ابراهیم ع بعد از اطمینان از صحت مشیت الهی مبتنی بر قربانی کردن دلبند خویش دنبال تطبیق این امر با موازین رایج نزد عموم مردم نیست. همین طور است اجرای مشیت الهی که توسط خضر اجراء گردید .

نظر به مقام دوم است که دغدغه خضر اطمینان از درک مشیت الهی است و پس از یقین بر اینکه مشیت الهی بر قتل طفل تعلق گرفته است آن را بدون هیچ چون و چرائی عملی می سازد لذا موسی ع تاب مقام دوم را نمی آورد و علی رغم اینکه تعهد به اجراء مشیت الهی کرده بود ترک اولی کرده و در مشیت الهی تردید می کند .

اینکه آیا مشرکان نجس هستند یا خیر امری است که باید در مقام دوم به آن پرداخته شود یعنی میزان صحت و سقم این ادعا را در صحت انتساب آن به مشیت الهی جستجو کرد و مدارک و ادله آن را مورد کنکاش قرار داد.

اگر ادله کاشف از مشیت الهی بودن آن باشد خضر وار باید پذیرفت و اگر نبود در برابرآن که مصداق بدعت است باید ایستادگی کرد .

منبع: https://www.hassanershad.com/1320

واکاوی نقش فرزام کمال آبادی در کودتای سال ۲۰۱۷ زیمباووه

مقدمه

فرزام کمال آبادی که در چین متخلص به هواا زان (Hua Zan) می باشد، به عنوان تاثیر گذارترین غیر چینی در ارتباط با این کشور مشهور می باشد.(لینک منبع) کمال آبادی در وب سایت رسمی خود با انتشار عکس هایی از دیدار خود بار پسر رئیس جمهور جدید زیمباووه، از نقش خود در انتقال قدرت توسط نیروهای نظامی در زیمباووه در سال ۲۰۱۷ سخن گفته است. به طور دقیق تر، کمال آبادی در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۷، در تویتر خود می نویسد : "پیروزی اخلاقی عظیم، این انتقال صلح آمیز قدرت که حتی قطره خونی در آن ریخته نشد (اشاره به واقعه انتقال قدرت در زیمباووه با دخالت نیروهای نظامی و ارتش در نوامبر ۲۰۱۷)، و چه کسی می داند راهنمای استراتژیک چه کسی،در پشت پرده چنین واقعه ای را رقم زد؟ زیمباووه مدلی جدید برای آفریقا". (Mega Moral Victory This Peaceful Transition With Zero Bloodshed & Who Would Know Whose Strategic Guidance Behind The Scene Brought This About? Zimbabwae The New Model For Africa)



دیدار کمال آبادی با هیئتی از زیمباووه در دوبی به رهبری پسر رئیس جمهور جدید این کشور به منظور قدردانی از نقش موثری که کمال آبادی در انتقال قدرت به رئیس جمهور جدید به واسطه دخالت نیروهای نظامی و ارتشی داشته است.



دیدار کمال آبادی با پسر رئیس جمهور جدید زیمباووه در دوبی

کمال آبادی در وب سایت خود عکس های بالا را منتشر کرده، نقش خود را در انتقال قدرت در زیمباووه در سال ۲۰۱۷ حیاتی جلوه داده، و این مدل انتقال قدرت را برای دیگر کشور های آفریقا پیشنهاد می دهد.



Farzam Kamalabadi @FarzamKamalabad · 20 Nov 2017

Mega Moral Victory This Peaceful Transition With Zero Bloodshed & Who Would Know Whose Strategic Guidance Behind The Scene Brought This About? Zimbabwae The New Model For Africa

Obianuju Ekeocha @obianuju

This is Mugabe's political party dancing after sacking him & expelling his wife. Today is historic in Zimbabwe...

0:22

توییت کمال آبادی در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۷ دقیقا در حین انتقال قدرت توسط نیروهای نظامی و ارتش در زیمباووه

در این مقاله بر آنیم که مروری به وقایع سال ۲۰۱۷ در زیمباووه کرده، نقش آفرینان این واقعه را معرفی نموده، واقعه مذبور را مورد واکاوی قرار دهیم. بعلاوه، تحلیل ها و نگرش های موافقین و منتقدین این انتقال قدرت را مورد توجه قرار داده، تلاش می کنیم به تبیین این پرسش بپردازیم که آیا این انتقال قدرت اساسا یک کودتا بود یا خیر. در این بررسی ها، آنچه از نقش کمال آبادی در این انتقال قدرت مشاهده می کنیم را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

عملیات استقرار میراث (لینک منبع)

شرح مفصل واقعه انتقال قدرت در زیمباووه با دخالت نیروهای نظامی در خبرگزاری های رسمی جهان منتشر شده است، و در این مجال تنها به بیان مختصری از آن کفایت می کنیم. خلاصه آنکه برکناری نظامی رئیس جمهور زیمباووه رابرت موگابه در نوامبر ۲۰۱۷ به انجام رسید. در اوت ۲۰۱۷ سه ماه قبل از آن واقعه، تنش ها میان همسر رئیس جمهور زیمباووه – گریس موگابه – و معاون رئیس جمهور – امرسون نانگاوا – در رقابت برای جانشین رابرت موگابه ۹۳ ساله بالا می گیرد. موگابه به مدت ۳۷ سال رئیس جمهور زیمباووه بود. معاون وی نانگاوا، از جمله یاران بسیار قدیمی او از زمان جنگ استقلال زیمباووه در دهه ۶۰ میلادی تا نوامبر ۲۰۱۷ بود. نانگاوا در اکتبر ۲۰۱۷ دچار مسمومیت شد، و نزدیکان وی این واقعه را به گریس موگابه اتهام زدند. در

پاسخ به این اتهام، گریس موگابه در سخنرانی ای، نانگاوا را متهم نمود که به دنبال کودتا بوده و او را یک ترسو توصیف نمود. این تنش ها ادامه یافت تا این که در ۶ نوامبر ۲۰۱۷ رابرت موگابه، نانگاوا معاون خویش را خلع مسند نمود(لینک منبع) . با این کار، گریس موگابه مبدل به کاندیدای بی رقیب برای انتخابات ریاست جمهوری شد. با این وجود، نانگاوا که از زمان استقلال زیمباووه در کنار موگابه حضور داشته، از حمایت چندین مقام بلند پایه ارتشی برخوردار بود. و به عقیده آنها، نانگاوا می بایست رهبری زیمباووه پس از موگابه را به عهده می گرفت.
نانگاوا اخراج شده از ترس کشته شدن به همراه پسرش به موزامبیک فرار کرده، از آنجا به آفریقای جنوبی رفت. نانگاوا اعلانیه ای صادر می کند و در آن عنوان می کند که قصد آزار و اذیت موگابه را ندارد. وی ادامه داده می گوید که موگابه و نزدیکانش در جناح ZANU–PF به انتخاب و خواست مردم برکنار خواهند شد، و این برکناری در چند هفته آینده رخ خواهد داد. نانگاوا قول داد که برخواهد گشت و از اعضای جناح ZANU–PF خواست که موگابه را رها کنند.
در همان روز، کریستوفر موتسوانگوا (یکی از سیاست مداران ارشد حزب ZANU–PF یا Zimbabwe African National Union – Patriotic Front) نیز به آفریقای جنوبی فرار کرد، و در آنجا به مقامات ارشد اطلاعاتی آفریقای جنوبی از دخالت نظامی برای انتقال قدرت در زیمباووه خبر داد. در همین حین، ژنرال کنستانتینو چیونگا رئیس ارتش زیمباووه در سفری از پیش تعیین شده در چین به سر می برد. چیونگا در این سفر با دو تن از مقامات بلند پایه ارتش چین، چانگ وانکوان و لی زوچنگ دیدار رسمی داشت. در سفرش به چین، چیونگا از کانال های اطلاعاتی مطلع شد که موگابه حکم دستگیری او را صادر کرده است. با این وجود، وی در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۷ به زیمباووه برگشت، اما نزدیکان او و عده ای از ارتشیان با لباس مبدل در فرودگاه زیمباووه وی را فراری دادند. در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۷، چیونگا بر اساس اعلامیه ای رسمی اعلام کرد که ارتش در برابر دستگیری های نا به جای سران نظامی و سیاسی برای پیش برد اهداف خاص موگابه و اطرافیانش خاموش نخواهد نشست. وی ادامه داد که ارتش برای حمایت و حفاظت از انقلاب زیمباووه به میدان خواهد آمد. در طول سخنرانی چیونگا، بیش از ۹۰ نفر از سران ارتش به منظور نشان دادن وحدت ارتش در کنار وی حضور داشتند. اما سخنرانی چیونگا در حین پخش در صدا و سیمای زیمباووه قطع شد.
در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۷، تانک ها و ماشین های نظامی به خیابان های هرارا پایتخت زیمباووه آمدند. در شب هنگام، نظامیان در پاسخ به قطع سخنرانی چیونگا، صدا و سیمای این کشور را تصرف کردند، و عده ای از کارکنان این سازمان ضرب و شتم شدند. همچنین، آلبرت گولوب رئیس سازمان اطلاعات زیمباووه در همان شب دستگیر شده، و دچار ضرب و شتم شد. وی در ۱۷ نوامبر به بیمارستان منتقل شد.
در ۱۵ نوامبر ۲۰۱۷، به خانه های بسیاری از وزیران زیمباووه از جمله وزیر امور مالی و دارایی، وزیر آموزش و پرورش و دیگری از وزرای موگابه حمله شد، و حتی برخی از این حملات با شلیک گلوله همراه بود، و چند نفر از محافظان و نگهبانان وزرای مربوطه در این وقایع کشته شدند. ساعت ۵ صبح، یکی از فرماندهان ارشد ارتش در پخش صدا و سیما ادعا نمود که دخالت ارتش در امر حکومت زیمباووه کودتا نیست، و سلامت موگابه و خانواده اش را تضمین نمود. خبر گزاری های فرانسه و رویترز از شلیک گلوله و منفجر شدن بمب در مناطقی از شهر و نزدیک به خانه موگابه و وزرای او خبر دادند. ارتش همچنین دسترسی به مجلس کشور و دادگاه ها و

ساختمان های دولتی را قطع کرده بود. موگابه نیز در اسارت خانگی قرار گرفت.
تنش ها ادامه داشت تا در ۱۹ نوامبر، اعضای جناح موگابه، وی و همسرش و ۲۰ نفر از همدستان آنها را از جناح اخراج کردند. اما موگابه به این عمل اهمیتی نداد، و اعلان نمود که از مسند خود استعفا نخواهد داد. ارتش نیز در ادامه، به موگابه مهلتی یک روزه داد و اعلان کرد که او تنها تا ۲۰ نوامبر فرصت دارد که خود استعفا دهد، و گرنه برکنار خواهد شد. در ۲۰ نوامبر در نشستی از سران زیمباووه قرار شد که موگابه تا ۲۲ نوامبر استیضاح شده برکنار شود. چیونگا در ۲۰ نوامبر اعلان کرد که نانگاوا به زودی به زیمباووه بر خواهد گشت و خبر از ارتباط خود با نانگاوا را اعلان نمود. وی در اعلانیه خود بیان کرد که کوتای ارتش بر علیه موگابه "عملیات استقرار میراث" (Operation Restore Legacy) به خوبی در حال پیشرفت است. در ساعت ۶ بعد از ظهر ۲۱ نوامبر، موگابه رسما استعفا نمود. در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۷، نانگاوا به زیمباووه برگشت، و در سخنرانی ای شروع دمکراسی ای بی سابقه را وعده داد. نانگاوا در ۲۴ نوامبر، به جای موگابه به صندلی ریاست جمهوری تکیه زد، و عملیات استقرار میراث با موفقیت به پایان رسید.

عملیات استقرار میراث (Operation Restore Legacy) – یک کودتا

در قبال انتقال قدرت در زیمباووه، آنهایی که نگرشی میانه رو داشته اند، از اینکه این انتقال قدرت را کودتا بنامند خودداری کرده و تنها با توصیف واقعه به دخالت نظامی در انتقال قدرت بسنده می کنند. تحلیل ها از نحوه پیاده سازی عملیات استقرار میراث توسط نیروهای ارتش نشان از آگاهی دقیق مهندسان عملیات از وضعیت داخلی و نگرش های همسایگان و دول خارجی نسبت به کودتای نظامی و شروع حاکمیت نامشروع دارد. در این راستا، مهندسان عملیات استقرار میراث به خوبی از سرانجام کودتاهای رخ داده در قاره آفریقا آگاهی داشته اند. بدین ترتیب، اجرا کنندگان عملیات استقرار میراث در مشروع جلوه دادن این عملیات تمام تلاش خود را به کار بردند. نمونه ای از این تلاش ها این بود که ارتش، موگابه را مجبور کرد که به ملت زیمباوه به صورت رسمی اعلان کند که عملیات ارتش یک کودتا نیست و وی همچنان قدرت را به عنوان رئیس جمهور و رئیس ارتش در دست دارد(لینک منبع) . همچنین در روزهای عملیات استقرار میراث، ارتش آزادی های مختصری به موگابه داده بود. مانند اینکه موگابه در مراسم فارغ التحصیلی دانشگاه دولتی زیمباووه در روز ۱۷ نوامبر ۲۰۱۷ شرکت کرد، و مقامات بلند پایه ارتش در این مراسم و در مقابل دوربین ها به وی احترام نظامی گذاشتند(لینک منبع) . این گونه نمایش های ارتش به منظور مشروع جلوه دادن عملیات مذبور اثر ویژه ای در اذهان داخل و خارج از عملیات استقرار میران در زیمباووه داشت، مسئله ای که طراحان این عملیات به زیبایی جلوه دادند. اما در عین حال مشاهده می کنیم که مثلا رئیس جمهور آفریقای جنوبی در مصاحبه ای پس از صحبت تلفنی با موگابه اعلان کرد که وی در حبس خانگی به سر می برد، ولی سلامت عمومی او در وضعیت خوبی است(لینک یک – لینک دو) .
لذا، برای تطابق عملیات استقرار میراث با یک کودتا تحلیل های عمیق تری نیاز است.

اما به راستی، تعریف کودتا چیست؟ لغت نامه میریام وبستر کودتا را این گونه تعریف می کند:

به کارگیری فشار و زور ناگهانی و هدفمند در سیاست، به خصوص، براندازی حکومت به وسیله گروهی کوچک با ابزار زور و خشونت.

لغت نامه کمبریج نیز کودتا را اینگونه معرفی می کند:

فروریزی ناگهانی حکومت توسط گروهی کوچک (معمولا ارتش و نیروهای نظامی) به وسیله اعمال غیر قانونی زور و فشار.

توجه به تعاریف ذکر شده حاکی از اشتراکات زیر است:

۱- براندازی حکومت

۲- اعمال فشار و خشونت

۳- گروهی کوچک که معمولا نیروهای نظامی هستند، اجرا کننده کودتا می باشند.

۴- کودتا به صورت ناگهانی انجام می شود.

توجه داریم که در این تعاریف سخنی از ریخته شدن خون به معنی کشته شدن عده ای کم یا زیاد در میان نیست. به عبارت دیگر اعمال فشار و خشونت به معنی کشتار انسان ها در یک کودتا نیست، لذا این که دیده می شود در مورد زیمباوه سخن از انتقال صلح آمیز و بدون خون ریزی قدرت شده است به معنی این نیست که این انتقال قدرت معیار های یک کودتا را ندارد. با وجود اینکه اعمال فشار و خشونت از اجزای یک کودتا است که حتی ممکن است به ریخته شدن خون مردم بی گناه هم بیانجامد، آنچه از بررسی کودتاهای رخ داده در نقاط مختلف جهان مشاهده می شود این است که طراحان و اجرا کنندگان یک کودتا تلاش می کنند که عملیات اجرا شده را مشروع جلوه داده، حمایت عموم مردم را به خود جلب نمایند(لینک یک – لینک دو). بسیاری از کودتاهای رخ داده در آفریقا به نوعی با هدف دستگیری و نجات مردم از بی قانونی و حکمرانی همراه با بی عدالتی قلیلی از اهالی سیاست توجیه شده اند. به عبارت دیگری، بسیاری از کودتاها در ارتباط با مسائلی حقیقی و مهم که سلامت جامعه را تحت الشعاع قرار داده است توجیه شده اند. از جمله این مسائل می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- افزایش فساد حکومت

۲- ناتوانی سیاسی

۳- قشر گرایی و نژاد پرستی

دانش نامه بریتانیکا در مورد کودتا می گوید:

کودتا به معنی براندازی ناگهانی حکومت به وسیله اعمال فشار و خشونت توسط عده ای کوچک. پیش نیاز اصلی یک کودتا، به دست گیری کنترل همه جانبی یا بخش کوچکی از پلیس و نیروهای نظامی است. بر خلاف یک انقلاب که در آن عده کثیری از مردم به منظور ایجاد تغییرات اساسی در ساختار سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی کشور تلاش می کنند، یک کودتا تغییر قدرت حاکمه بوده که تنها به تغییر ناگهانی رهبران و اعضای رده بالای حکومتی می انجامد. یک کودتا، نه تنها به ندرت به تغییر اساسی در قوانین و سیاست های اجتماعی و اقتصادی یک ملت ختم شده، منجر به توضیع قدرت بین جناح های رقیب نمی شود.

با توجه به توصیف عمیق دانشنامه بریتانیکا و تعاریف ذکر شده در کتب معتبر لغت در مورد کودتا، تمامی شواهد حاکی از این است که عملیات استقرار میراث در زیمباووه کودتایی بیش نبود. در این راستا تحلیل های زیر قابل توجه است (لینک) :

۱- عملیات استقرار میراث توسط رده های بالای حکومت و ارتش طراحی و اجرا شده است.
۲- این عملیات از زمانی اجرایی شد که موگابه شروع به حذف مقام های بلند پایه حکومتی و ارتشی کرد. این افراد نوعا با سیاست های همسر موگابه مخالفت کرده بودند. از جمله این افراد می توان به نانگاوا معاون موگابه و عده ای از سران ارتش که عمدتا از جمله افرادی بودند در جنگ آزادسازی و استقلال زیمباووه شرکت کرده، صاحب اعتبار بودند اشاره کرد. در این فضا بود که چیونگا، رئیس ارتش زیمباووه اعلامیه خود را مبنی بر عدم تحمل ارتش در قبال حذف عناصر کلیدی انقلاب زیمباووه و جنگ آزادسازی این کشور صادر کرد. لذا، طراحان کودتا، حذف چنین افرادی را تحت عنوان قشر گرایی موگابه، و ناتوانی سیاسی او در اداره کشور و نوعی گسترش فساد توجیه کرده، هدف خود را نجات ملت و استقرار میراث جنگ آزادسازی و استقلال زیمباووه معرفی نمودند. و این حربه ای برای مشروع جلوه دادن کودتا به مردم بود.
۳- در عین حال، عملیات استقرار میراث هیچ گونه انطباقی با وظیفه تعیین شده ارتش در قانون اساسی زیمباووه ندارد. همانطور که بیان شد، موگابه در روز های عملیات در حبس خانگی به سر می برد. با توجه به سخنان جورج کارامبا سخنگوی گذشته موگابه، در مذاکرات بین ارتش و مقامات کشور های همسایه با رئیس جمهور وقت، مقامات ارتش تنها دو راه برای موگابه باز گذاشته بودند؛ اول آنکه موگابه خود استعفا دهد و خود و خانواده اش در امنیت به زندگی ادامه دهد؛ دوم اینکه با سرافکندگی خلع مسند شده و نهایتا در صورت مقاومت کشته شود. هیچ بندی از قانون اساسی زیمباووه این اجازه را به ارتش نداده است که رئیس جمهور را در خانه حبس کرده، او را مجبور به انتخاب یکی از دو راه استعفا و یا کشته شدن نماید. توجه به همین دو راه پیش روی موگابه در این که نتیجه بگیریم عملیات استقرار میراث یک کودتا است کفایت می کند .

,Mananavire, B. (2018), "Aide Recounts Mugabe"s Last Days," Daily News, 14 January -accessed 15 January 2018,https://www.dailynews.co.zw/articles/2018/01/14/aide recounts-mugabe-s-last-days

در بند ۲۱۳ قانون اساسی زیمباووه، تنها رئیس جمهور به عنوان رئیس قوای نظامی زیمباووه اجازه فرستادن نیروهای نظامی و ارتش به یک عملیات را داشته، او است که محدوده عملیات ارتش را تعیین می کند. لذا از این جهت نیز، عملیات استقرار میراث کاملا بر خلاف قانون اساسی زیمباووه بوده است.
۴- در طول اجرای عملیات، کنترل تمامی اوضاع در اختیار ارتش بود. حتی رفت و آمد مردم و مسائلی که در حوزه مسئولیت پلیس است، توسط ارتش انجام می شد. مانند مستقر شدن ارتش در خیابان ها و انجام بازرسی های مختلف.
۵- حتی اتحادیه آفریقا (African Union) در اعلانیه ای، وقایع نوامبر ۲۰۱۷ زیمباووه را شبیه کودتا

دانسته، از ارتش می خواهد که سریعا نظم قانونی را بازگرداند .News24, (2017). "African Union (says Zimbabwe crisis 'seems like coup

واکنش های قدرت های خارجی به کودتای ۲۰۱۷ زیمباووه

واکنش های کشور های خارجی نسبت به کودتای زیمباووه با توجه به چند وجه قابل بررسی است؛ اول، روشی که ارتش برای اجرای کودتا به کار گرفت؛ دوم، ارتباط کشور های مختلف با زیمباووه؛ سوم، واکنش رئیس جمهور و مردم به کودتا (لینک) . مردم زیمباووه تحت حکومت موگابه، فشار اقتصادی محسوسی را تجربه کردند. نزدیکان و وفاداران موگابه حتی در موقعیت هایی اعلان کرده بودند که امیدی به رشد اقتصادی در زمان حکومت موگابه دیگر باقی نمانده است. بسیاری از مردم زیمباووه (سه میلیون نفر از پانزده میلیون نفر) به خاطر مسائل اقتصادی به کشور های مجاور پناهنده شده بودند. و میزان بیکاری به بیش از ۸۰ درصد رسیده بود. لذا، از دید مردم برکناری موگابه توجیه پذیر بود.
در مورد روابط خارجی، موگابه با تغییر قانون مالکیت زمین دشمنانی در غرب برای خود تراشیده بود. این تغییر قانون، از منظر غرب، باعث بی ثباتی در منطقه می شد، مسئله ای که ممکن بود باعث دنباله رویی بقیه کشور های همسایه و به طور کل کشورهای آفریقایی بشود. همچنین، سخنرانی ها و تهدید هایی که موگابه نسبت به واکنش غربیان دراین مسئله داشت، دیدگاه غرب را نسبت به وی تغییر داده بود. لذا انتقال قدرت از موگابه به شخص دیگری به منافع غرب همراستا بود.

واکنش انگلستان به کودتای زیمباووه

به خصوص، واکنش انگلیس نسبت به کودتای زیمباووه قابل توجه است. واکنش انگلیس به این کودتا نشان می دهد که چگونه سیاست های کسب منفعت هر گونه توجه به مسائل اخلاقی و قانونی را تحت الشعاع خود قرار می دهد. در حین کودتا، وزیر خارجه وقت انگلیس، بوریس جانسون (نخست وزیر انتخابی ۲۰۱۹)، در طی اعلامیه اعلان نمود که مهمترین مسئله ای که در حال حاضر باید به آن توجه داشت این است که همگان خواهان زیمباووه ای باثبات و روبه رشد هستند. جانسون در مصاحبه ای لایه درونی تری از نگرش انگلستان به وقایع زیمباووه را نیز به نمایش میگذارد.

"Britton, A. (2017), "Zimbabwe"s Crisis: Military Takeover „A Coup in all but Name Says Former British Ambassador," Independent, 16 November, accessed 23 January ,2018 http://www.independent.co.u k/news/world/africa/zimbabwe-crisis-latest-today- military-coup- british-ambassador-mark-canning-robert-mugabe-grace- a8058066.html

وی می گوید:
تصویری که مردم انگلیس از زیمباووه دارند، مناظری با صفا از آبشار ویکتوریا یا حیات وحش شگفت انگیز نیست، بلکه مردم انگلیس زیمباووه را به عنوان کشوری که زمین های کشاورزی را دزدیده، و با وحشی گری و خشونت زمین های مالکان را از آنها گرفت نگاه می کنند. و الان وقایع ناراحت کننده حکایت از موقعیت تاثیر گذار

در تغییر روند اوضاع دارد. همه آنچه ما می خواهیم، زیمباووه ای قانونمند است که سرنوشت خود را خود رقم میزند. امیدواریم که سیاست مداران زیمباووه، موقعیت پیش آمده را فرصتی برای اصلاح اوضاع ببینند.
نگرش جانسون به کودتای زیمباووه نشان می دهد که منافع اقتصادی و خشمی که در رهبران انگلیس در اثر تغییر سیاست زمین داری موگابه در سالیان گذشته در دل نگه داشته بودند، از روند اخلاقی و معمول مقابله با کودتا پیشی گرفته، عملا خبری از تحریم و محکومیت کودتاچیان دیده نمی شود(لینک) . قابل ذکر است که جانسون در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۷ و چند روزی بعد از استعفای موگابه و انتخاب نانگاوا به رئیس جمهوری به رویترز می گوید: انگلیستان حاضر است به زیمباووه در پرداخت کامل بدهی هایش به بانک جهانی کمک کند(لینک) .
باید متذکر شد که واکنش های قدرت های خارجی به کودتای زیمباووه بر اساس معیار های امنیتی و روابط خارجی معمول و شناخته شده نبود. قدرت های خارجی در قبال کودتاهای مختلف که در دیگر کشورهای آفریقایی رخ داده بود، واکنش تند داشته، نه تنها کوتای رخ داده را محکوم کرده اند، تحریم های متنوعی بر دولت جدید تحمیل نموده اند. اما در قبال کودتای زیمباووه، بررسی های جمعی نشان می دهد، قدرت های خارجی با توجه به منافع حاصله از کودتا واکنشی پذیرا داشته که حکایت از رضایت آنها از اوضاع جدید می باشد.

واکنش چین به کودتای زیمباووه

کشور چین نیز که موگابه آن را به عنوان دوست همه دوران خوانده بود، نسبت به امنیت سرمایه گذاری های خود در زیمباووه در صورت ادامه حکومت موگابه دچار نگرانی و تردید شده بود.

Chidza, R. and Nyangani, K. (2017), "Mugabe lashes out at Chinese," Newsday, 19 June, accessed 25 January 2018, https://www.newsday.co.zw/2017/06/mugabe-lashes-chinese/

چین از نزدیک ترین دوستان زیمباووه بوده است. در جنگ آزادسازی و استقلال زیمباووه در دهه ۷۰ میلادی، چین از لحاظ مالی و نظامی حمایت ویژه ای از زیمباووه نمود(لینک) . در سال ۲۰۰۲، که کشورهای اروپایی و آمریکا تحریم های اقتصادی سنگینی بر زیمباووه تحمیل نمودند، چین وارد عمل شده، در بیش از ۱۰۰ پروژه در زیمباووه سرمایه گذاری کرد. رئیس جمهور چین، ژی جینپینگ در دسامبر ۲۰۱۵ از زیمباووه دیدار کرده، و در این دیدار متعهد به کمک های مستقیم و سرمایه گذاری بیش از ۵۰ بیلیون دلار در این کشور شد. جینپینگ در کمک به زیمباووه حتی متعهد به کمک ۴۶ میلیون دلاری برای ساخت مجموعه ساختمان های مجلس زیمباووه در هرارا شد. شرکت های خصوصی و دولتی چینی نیز سرمایه گذاری های بسیاری در زیمباووه نمودند. از جمله می توان به سرمایه گذاری شرکتی دولتی برای ساخت نیروگاه برق در مناطق روستایی زیمباووه به ارزش بیش از ۱.۲ بیلیون دلار اشاره نمود. سرمایه گذاری های چین در زیمباووه وارد حوزه های نظامی هم می شود. همکاری دو کشور از دهه هفتاد میلادی و پس از جنگ استقلال زیمباووه تا به حال ادامه دارد. در این راستا، دانشگاه نظامی دفاعی ملی زیمباووه توسط چین ساخته شده، و ارتش آزادی بخش مردم چین آموزش نظامیان زیمباووه را بر عهده داشته است. آنچه از سرمایه گذاری های چین اشاره شد، تنها قسمتی کوچک از تلاش چین برای گسترش فعالیت های اقتصادی در زیمباووه می باشد. از آنچه بیان شد، معلوم می شود که چین سرمایه گذاری های بسیاری

در زیمباووه نموده است، که این خود باعث می شود که کودتای زیمباووه برای چین از ارزش بالایی برخوردار باشد(لینک) .

تحلیل ها نشان می دهد، از طرفی وضعیت اقتصادی مردم زیمباووه به شدت رو به افول بوده، این باعث شده بود که درصد زیادی از مردم به کشور های همسایه و دول دیگر آفریقا و فراتر پناهنده شوند. و این وضعیت خود به تنهایی امنیت سرمایه گذاری های چین را تهدید می کرد. از طرف دیگر، سن بالای موگابه (۹۳ ساله در سال ۲۰۱۷) نیز تهدید دیگری برای سرمایه گذاری های چین قلمداد گشته است.

اما آنچه توجهات به واکنش چین به کودتای زیمباووه را بیش از پیش جلب می کند، دیدار ژنرال بلند پایه ارتش زیمباوه چیونگا از چین در اوایل نوامبر ۲۰۱۷ می باشد(لینک یک – لینک دو) . تحلیل های بسیاری از نزدیکان به کودتا نشان از نقش اساسی چین در جهت دهی به روند کودتا دارد. آنچه تحلیل گران سیاسی از دیدارچیونگا در چین می گویند این است که چیونگا چین را در رابطه با کودتایی که در شرف وقوع است مطلع نموده، و با شرط حصول امنیت سرمایه گذاری های چین، حمایت این کشور را از کودتا جلب نموده است(لینک) . از طرف دیگر، تحلیل های سیاسی نسبت به نگرش چین به کودتای زیمباووه حکایت از این دارد که چین تصاحب قدرت توسط گریس موگابه همسر رئیس جمهور را به سود منافع خود نمی دید(لینک) . در عین حال، نانگاوا از جمله کاندیداهایی بود که روابط بسیار نزدیکی با چین داشته، حتی توسط چین آموزش های نظامی دیده بود. لذا، جانشینی نانگاوا برای چین امنیت سرمایه گذاری هایش را تضمین می نمود.(لینک)



دیدار ژنرال چیونگا با ژنرال ژوچنگ در هشتم نوامبر در پکن

ردپای دنباله روی چین برای حفظ منافع خود در زیمباوه را می توان در واکنش مقامات بلند پایه این کشور به کودتای زیمباووه مشاهده کرد. از جمله می توان به مصاحبه سخنگوی وزارت خارجه چین گنگ شوانگ اشاره کرد. وی در مصاحبه خود اشاره می کند که چین روابط عمیق اقتصادی سیاسی طولانی مدتی با زیمباووه داشته و اوضاع زیمباووه را زیر نظر دارد. گنگ ادامه می دهد که حفظ صلح آمیز و پایدار روند پیشرفت زیمباووه به نفع کشور های منطقه و خواست دولت های خارجی است و ما امیدواریم که جناح های سیاسی زیمباووه اوضاع داخلی خود را به خوبی مدیریت نمایند(لینک). بسیاری از تحلیل گران سیاسی واکنش چین به کودتا را به نقش چین در کودتا ربط داده، معتقدند چین در جریان روند تغییر قدرت و جانشینی نانگاوا بوده، و از این جریان حمایت کرده است. با پایان کودتا و تنها در اولین هفته به قدرت نشستن نانگاوا، رئیس جمهور چین به وی تبریک گفته و دیداری دو روزه از زیمباوه به منظور تحکیم روابط با این کشور انجام می دهد(لینک) .

واکنش اتحادیه آفریقا به کودتای زیمباووه

اتحادیه آفریقا در قبال کودتای زیمباووه بیشتر نقش مناظره کننده را ایفا کرد. با وجود اینکه عملیات استقرار میراث توسط این اتحادیه یک کودتا معرفی شده بود، کشور های مختلفی از جمله ساحل عاج و بوتسوانا ارتش را تشویق کرده که موگابه را از مسندش خلع نموده، او را وادار به استعفا کند. بیان کردیم که به علل افول اقتصادی، عده زیادی از مردم زیمباووه به کشور های همسایه و کشور های اتحادیه آفریقا پناهنده شده بودند. و این امر یکی از مسائلی بود که باعث شد آفریقا نسبت به تغییر قدرت در زیمباووه، نگرشی پذیرا داشته باشد.
نهایتا در قبال کودتای زیمباووه، بررسی های جمعی نشان می دهد قدرت های خارجی با توجه به منافع حاصله از کودتا واکنشی پذیرا داشته که حکایت از رضایت آنها از اوضاع جدید می باشد. به عبارت دیگر، واکنش معمول در قبال یک مداخله نظامی در تغییر قدرت، اول بلند شدن فریاد کودتا بوده، دوم تحریم های متنوع سیاسی، اقتصادی قدرت جایگزین شده را به همراه داشته است. اما، در مورد زیمباووه با وجود انطباق کامل عملیات اسقرار میراث با شاخصه های یک کودتا، واکنش قدرت های خارجی نشان از رضایت و پذیرش حرکت برانداز بوده است. این واکنش خود حاکی از این است که زمانی که مسئله منافع سیاسی و اقتصادی در میان است، رعایت اخلاق در روابط بین المللی رنگ می بازد.

واکاوی نقش فرزام کمال آبادی در کودتای ۲۰۱۷ زیمباوه

همانطور که در مقدمه عنوان شد، فرزام کمال آبادی در کانال توییتر خود در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۷ درباره کودتای زیمباوه می گوید:
"پیروزی اخلاقی عظیم، این انتقال صلح آمیز قدرت که حتی قطره خونی در آن ریخته نشد (اشاره به واقعه انتقال قدرت در زیمباووه با دخالت نیروهای نظامی و ارتش در نوامبر ۲۰۱۷)، و چه کسی می داند راهنمای استراتژیک چه کسی، در پشت پرده چنین واقعه ای را رقم زد؟ زیمباووه مدلی جدید برای آفریقا".
با توجه به نقطه نظر های تحلیل گران سیاسی که در بخش های قبل آمد، به تحلیل این تویت کمال آبادی و نقش او در کودتای زیمباووه می پردازیم.

اولین موردی که باید به آن اشاره کرد این است که کمال آبادی کودتای زیمباووه را با عبارت پیروزی اخلاقی عظیم توصیف می کند. همانطور که در بخش واکنش های قدرت های خارجی نسبت به کودتای زیمباووه آمد، به هیچ عنوان در این کودتا جنبه های اخلاقی رعایت نشد. از طرفی، طراحان و اجرا کنندگان کودتا با اعمال خشونت و فشار به مدت چندین روز کنترل هرارا و در کل مناطق مهم زیمباووه را در دست گرفته، رئیس جمهور این کشور را در حبس خانگی قرار داده، چندین تن از وزرای این کشور را با خشونت و ضرب و شتم دستگیر کرده، حتی در مواردی نگهبانان بی گناه را به قتل رساندند. از طرف دیگر، واکنش قدرت های خارجی از جمله چین و انگلستان نسبت به کودتای زیمباوه کاملا از معیار های اخلاقی به دور بوده است. در این راستا، منافع اقتصادی و سیاسی قدرت های جهانی بر موازین اخلاقی ارتباط بین الملل چربید که شرح مبسوط آن در بالا ذکر شد.

کمال آبادی ادامه می دهد و کودتای زیمباوه را انتقال صلح آمیز قدرت که حتی قطره خونی در آن ریخته نشد معرفی می کند. همانطور که گذشت، نه تنها عده ای هر چند قلیل از مردم بیگناه و نگهبانان وزرای زیمباوه به قتل رسیدند، خبر های زیادی از خشونت و اعمال فشار بر مردم و دولت مردان در خبرگذاری های رسمی جهان ثبت شده است.

در ادامه کمال آبادی با کنایه از نقش خود به عنوان مغز متفکر و طراح کودتا پرده برداری می کند. توجه داریم که کمال آبادی از لفظ کودتا در توصیف انتقال قدرت استفاده نکرده است. اما همانطور که در بخش عملیات استقرار میراث – یک کودتا مفصل شرح شد، این عملیات تمامی شاخصه های یک کودتا را در برداشته، به هیچ عنوان انطباقی با قانون اساسی زیمباوه نداشته است. شرح انطباق عملیات استقرار میراث با مشخصه های یک کودتا در فصل مذبور به طور مبسوط گذشت.

توجه به زندگی کمال آبادی (لینک) طبق آنچه خود توصیف کرده است، نشان می دهد که وی از سال ۱۹۸۱ عملا به چین و فرهنگ این کشور علاقمند می شود. کمال آبادی از آن زمان شروع به یادگیری زبان و گویش های چینی کرده، حتی تا جایی پیش می رود که خوش نویسی چینی را هم به صورت حرفه ای فرا می گیرد. کمال آبادی از سال ۱۹۸۷ در چین مستقر شده و تمام تلاش خود را برای معرفی فرهنگ چین و توسعه اقتصاد این کشور به کار می گیرد. از آنچه کمال آبادی خود می گوید، تمرکز وی بر چین و پیشرفت این کشور تا جایی است که ارتباطات سیاسی اقتصادی و معاملاتی که کمال آبادی و شرکت های متعدد او در آن نقش داشته اند در طول ۳۰ سال به بیش از ۲۵ بیلیون دلار می رسد. تمرکز کمال آبادی برای توسعه منافع چین در اقسانقاط جهان امری است که خود به آن معترف است. حال سوال اینجاست که نقش کمال آبادی در کودتای زیمباووه در چه حد و با چه رنگ و بویی بوده است؟

با فرض اینکه توییت کمال آبادی حکایت از ایفا کردن نقش کلیدی وی در کودتای زیمباووه باشد، احتمالات زیر را می توان در رنگ و بوی نقش او در این جریان بر شمرد.

۱- همانطور که گذشت، ژنرال چیونگا و معاون موگابه، نانگاوا که پس از کودتا به مسند ریاست جمهوری زیمباووه تکیه زد، از گذشته ایام با چین ارتباطات نزدیکی داشتند. به خصوص اینکه این افراد از مقام های سیاسی رده بالای حکومت بوده، و در سطح دیپلماتیک عناصر شناخته شده ای بوده اند. درنتیجه، احتمال اینکه کمال آبادی تنها نقش برقراری ارتباط میان ژنرال چیونگا و نانگاوا با مقامات چینی را عهده دار بوده باشد، ضعیف جلوه می

کند. با این حال، توجه به این نکته خود نشان می دهد که کمال آبادی ارتباطات بسیار با نفوذی در لایه های درونی حکومت چین و حتی کشورهای آفریقایی دارد.

۲- کمال آبادی در توییت خود کفه ترازو را بر انتقال صلح آمیز قدرت گذاشته، نقش خود را در آن برجسته کرده است. همانطور که گذشت، منافع کشور های مختلف غربی به خصوص انگلستان، کشور های اتحادیه آفریقا، و مهمتر از همه منافع چین حکم می کند که ثبات و استقرار زیمباووه حفظ شود. این امری است که تمامی سران کشور های مختلف به آن اشاره کرده بودند. با وجود اینکه کودتای زیمباووه با خشونت و خون ریزی (البته عده ای قلیل) همراه بود، حتی اگر بپذیریم کمال آبادی چنین نقش صلح آمیزی بازی کرده باشد، آنچه به نظر می رسد نقش وی نتیجه ای است که همه قدرت های بزرگ نیز بر آن تاکید کرده، منفعت آنها در حفظ ثبات کلی زیمباووه بوده است. تحلیل مفصلی در بخش های قبلی گذشت که متاسفانه واکنش قدرت های مختلف جهان با رعایت موازین اخلاقی نبوده، تنها بر محور جلب منفعت جلوه گری نمود. لذا، به این حساب هم اینکه کمال آبادی با مطرح نمودن توصیف انتقال صلح آمیز قدرت، برای خود قصد گرفتن اعتباری داشته باشد، به مثال گرفتن ماهی از آب گل آلود است. بعلاوه، حضور ۳۰ ساله کمال آبادی و تلاش برای توسعه فرهنگ و اقتصاد این کشور کاملا منطبق با مدل نگرش مقامات چینی به کودتای زیمباووه و تضمین امنیت سرمایه گذاری های چین در این کشور را دارد.

۳- می توان این احتمال را داد که کمال آبادی از طراحان کودتا، و مهندسان چیستی و چگونگی سیر رخ دادها برای رسیدن به هدف که همانا براندازی رئیس جمهور وقت زیمباوه و جایگزینی نانگاوا بر آن مسند باشد. کمال آبادی خود در توییتش اشاره می کند که مغز متفکر کودتای زیمباووه بوده است. چنین نقشی حکایت از عمق توجه کمال آبادی به نتایج کودتاهای رخ داده در گذشته ایام و در دیگر کشور های آفریقایی داشته، نفوذ او در لایه های درونی کشور هایی از جمله چین و کشورهای آفریقایی را نشان می دهد.

طراحی و اجرای یک کودتا از نقطه نظر های متعددی امری غیر اخلاقی بوده، در بلند مدت می تواند ضررهای اساسی به ثبات و پیشرفت یک کشور بزند. پیگیری اخبار زیمباوه در زمان کنونی (سال ۲۰۱۹)، متاسفانه حکایت از بلند پروازی های جدید طراحان و مجریان کودتای ۲۰۱۷ را دارد. به عنوان نمونه، شواهدی حکایت می کند که ژنرال چیونگا در دیداری که با مقامات چینی در سال ۲۰۱۷ داشته، با مقامات چینی در استفاده موقت و ابزاری از نانگاوا برای انتقال قدرت با حفظ ثبات زیمباوه و تضمین امنیت سرمایه گذاری های چین در این کشور توافق نموده است(لینک) . اخبار و شاید شایعه ها اشاره به این دارد که دوران نانگاوا نیز در حال به سر آمدن بوده، تا سال ۲۰۲۰ ژنرال چیونگا جانشین وی خواهد شد(لینک) . طبق این خبر که عینا در پاورقی آمده است، فرد ناشناسی به خبر گزاری مربوطه می گوید:

نانگاوا در روزهای پایانی حکومت خود به سر می برد. بیشتر مردم زیمباوه اطلاع ندارند که طول مدت ریاست جمهوری نانگاوا پیش از کودتای نوامبر (۲۰۱۷) تعیین شده بود. نماینده برجسته ای از مقامات ارتشی به همراه چیونگا به چین سفر کرده بود، با ژنرال های چینی دیدار کرده، و به آنها گفته شده بود که رهبر کنونی بیشتر از سه سال بر مسند قدرت نخواهد نشست (در این که این نماینده چه کسی می تواند باشد، اطلاع دقیقی در دست نیست). ارتش زیمباوه، نانگاوا را به عنوان پله ای برای حفظ ثبات زیمباووه در نظر دارد، و او تنها سمبلی از قدرت است که به واقع قدرت حقیقی ندارد. ریاست جمهوری او در سال ۲۰۲۰ به پایان خواهد رسید، و ژنرال بازنشسته

(اشاره به چیونگا) دوره ریاست جمهوری او را تصاحب کرده به پایان خواهد رساند، همانطور که نانگاوا دوره موگابه را تصاحب کرده به پایان رساند... این واقعه ناگهانی است که شما مردم وقوع آن را پیش بینی نمی کنید.

“Mnangagwa's days in office are now numbered. Most Zimbabweans are not aware that Mnangagwa's tenure as president was discussed before the November coup that toppled Mugabe. ***An elite delegation of military officers travelling with Chiwenga met with Chinese generals, who were told that the current leader will be in power for no more than three years.*** *Our military sees him (Mnangagwa) as a stopgap measure for stability, and he is just but a figurehead with no real power. His presidency expires in 2020, and we are going to see a retired general taking over soon to finish his term, like what Mnangagwa did to Mugabe. The military general coming in will then lay the ground for a civilian leader agreed upon by the Joint Operations Command. They already have four former ministers names who served under Mugabe in mind. This is the shock you people can't see coming.”*

اخبار دیگری حاکی از کاهش روابط نانگاوا و چیونگا است(لینک) . به خاطر داریم که این دو در سال ۲۰۱۷ به اعتراف منابع موثق از جمله طراحان کودتا بودند. کاهش روابط این دو تا حدی است که نانگاوا به زعم خود جانشینی چیونگا را رد می کند(لینک) . این بازی قدرتی است که نهایتا باعث ایجاد تشنج و فشار بر مردم بیگناه زیمباووه خواهد شد. و متاسفانه طراحان و مغز متفکر کودتای ۲۰۱۷ زیمباووه و جناب کمال آبادی به منظور کسب منفعت کوتاه مدت نادیده گرفته اند.

باید توجه داشته که کمال آبادی در تشکیلات بهائی عضویت دارد. طبق نصوص بهائی، تشکیلات بهائی در صدد طی مراحل تکامل جامعه خود بوده، قصد دارد در طی هفت مرحله حکومت کشور های مختلف جهان را به دست گرفته، نهایتا به سلطه زمینیه جهانی برسد (لینک) . می دانیم که فرزام کمال آبادی برادر فریبا کمال آبادی که یکی از مدیران جامعه بهائی ایران است می باشد. فریبا کمال آبادی نیز به نوع خود بدون رعایت موازین قانون اساسی ایران نقش های اساسی ای در ایجاد بی ثباتی بازی کرده است. از جمله می توان به رهبری او و دیگر اعضای هیئت یاران در تاسیس موسسه های تبلیغی و آموزشی بدون مجوز رسمی از سازمان های رسمی کشور را اشاره کرد. لذا، توجه نظر به اهداف تشکیلاتی خانواده کمال آبادی و نفوذ آنها در لایه های درونی حکومتی در کشور های مختلف، حائز اهمیت می باشد.

کمال آبادی در آخرین جمله توییت خود، می گوید "زیمباووه مدلی جدید برای آفریقا". پس از گذشت حدود دو سال از کودتای زیمباووه، و روشن شدن مواضع مختلف این کودتا، باید از کمال آبادی پرسید، آیا به واقع کودتای زیمباووه مدلی است که دیگر کشور های آفریقایی باید آن را دنبال کنند؟ آیا او به دنبال راه اندازی کودتاهای مختلف در دیگر کشور های آفریقایی است؟ به واقع کودتا کردن می بایست امری عادی قلمداد شده، ملت های مختلف به انجام آن تشویق گردند؟ در تحلیل ها آمد که انتقال قدرت به شکل یک کودتا که در زیمباووه رخ داد، به

ندرت به ایجاد تغییرات اساسی در ساختار رهبری و مدیریت یک کشور می انجامد. لذا، مدل پیشنهادی جناب کمال آبادی نه تنها در بلند مدت اثر مثبتی در توسعه و پیشرفت و برقراری صلح برای یک کشور ندارد، بلکه به عادی شدن این عمل برای کودتاچیان و دیگر اهالی قدرت منتج شده، و نهایتا ثبات کشور را مختل می کند.

نهایتا عکسی هم که در مقدمه آورده شد که در آن کمال آبادی در دوبی و در کنار پسر نانگاوا رئیس جمهور پسا کودتای زیمباووه دیده می شود، بیشتر جنبه تبلیغی اقتصادی برای جناب کمال آبادی دارد، تا اینکه بخواهد جنبه ای اخلاقی به مخاطب خود القا کند. نه تنها، این دیدار واجد جنبه رسمی قدردانی یک کشور از تلاش فرد یا شرکتی در کمک به برقراری صلح در آن کشور نیست، بلکه بیشتر وجهه قدردانی شخصی داشته، نشان از خدمت گذاری کمال آبادی به عده ای قلیل برای نیل به خواسته ها و امیال شخصی در کسب قدرت دارد. باید توجه داشته که این ارتباطات محور تمام فعالیت های اقتصادی و تشکیلاتی جناب کمال آبادی است. و با توجه به واکاوی انجام شده اخلاقی جلوه دادن آن امری خبط و بی مسما است.

منبع: https://www.hassanershad.com/2904

واکاوی نقشه های بیت العدل در سال جاری ۱۴۰۰

فیلم نقد

اصل لایو :



مصاحبه حجت الاسلام و المسلمین امیر حسین کامل نواب مسئول موسسه مفاز با حسن ارشاد

بحث ما در واقع بحث بهروزی است و امیدوارم که این بحث مثمر ثمر باشد. این نکته بسیار مهم،در واقع مختصات تشکیلات بهائی و کاری که بهائیان می‌توانند انجام دهند طی ۱۲ ماه آینده، بعد عزیزان همه مدارکی را که من نشان می‌دهم را می‌توانند خودشان در این برنامه ببینند بحث امروز ما بحث کاربردی است و مباحث کلامی در جای خودش بسیار عالی است و اینکه الان تشکیلات بهائی خطرش برای ما چه چیزی است و در واقع چرا ما

روی بحث بهائیت حساسیت داریم، برای عزیزان بیننده این خیلی مهم است و آن هم این است که من اول صورت مسئله را مختصر و مفید می‌گویم و بعد اسناد را تقدیم عزیزان می کنم.

سال ۱۹۱۶ آقای عبدالبهاء الواحی را می‌نویسد. تحت عنوان چند لوح یا نقشه های الهی خطاب به بهائیان آمریکا، آقای شاپور راسخ در نشریه سفینه عرفان یک مقاله می نویسد راجع به این ۱۴ لوح و آقای شوقی ربانی دوم جانشین بهاء الله می‌گوید منبع و منشا عصر تکوین بهائیت یکی از منابع اش ۱۴لوح است. عصر تکوین و بحث تکوین چه چیزی است؟

بهائیان قائل به اعصار ثلاثه هستند؛ اعصار ثلاثه یعنی عصر اول،عصر رسولی؛عصر دوم،عصر تکوین و عصر سوم، عصر ذهبی است.

عصر اول که عصر رسولی است یعنی باب از تاریخ اظهار امر تاریخ باب شروع میشود و عبدالبهاء یعنی سال ۱۹۲۱ به بعد آقای شوقی در کتاب دور بهائی، صفحه ۳ و در آثار دیگرش توضیح می‌دهد که عصر تکوین، یهی شکل گیری موسسات اداری، تشکیلات بهایی برای رسیدن به حکومت در تک‌تک کشورها به وسیله این موسسات و تشکیلات است ولی در واقع رسیدن به عصر سوم که عصر ذهبی برپایی حکومت جهانی بهائی بر مبنای احکام اقدس است.

در عصر دوم ایشان آغاز عصر دوم را سال ۱۹۲۱ می داند و بنده خیلی چکیده صحبت می کنم. بنده حدود ۱۰۰ ساعت در هشت ماه گذشته برای اینکه در اختیار محققین قرار بگیرد، کارهایم را تعطیل کردم و مرتب و منظم در کانال ها و سایت ها و وبسایت ها هستم. بنده فقط چکیده را می گویم که الان برویم، یعنی مشکل ما امروز و فردا و پس فردا یعنی ملموس است. الان در واقع در معرض چه ضرباتی هستیم از طریق بیت العدل و تشکیلات بهایی که باید مراقب باشیم. بعد به عنوان فردی که این داستان محقق مسند به عوامل مجرمانه بیت العدل که در واقع به عنوان مجرمانه دخالت در امور داخلی ایران و نقض حاکمیت ملی ایران و عناوین مجرمانه ای بسیار زیادی دارد که دو نمونه از عناوین مجرمانه که بسیار مهم است و بسیاری از آراء محاکم قضایی ما روی این دو محور است. یعنی ارتباط با بیگانگان که اینجا بنده دقیق مستندات را خدمت شما عرض می کنم و ربطی به جمهوری اسلامی ندارد. یعنی بحث بنده یک بحث آیینی نیست، این طور نیست که بهائیان قائل به این هستند که با قائم بنده یک سری تعلقات آیینی دارم به یک باور خاصی و به جهت اینکه شیعه هستم موضع دارم و حکومت شیعه است و اصلاً اینطور نیست، بحث بنده کاملا عملی است و بحث بنده کاملا در جهت منافع ملی است که چه شیعه باشیم، چه پادشاهی باشیم و . . . کسی که ذره ای ادعا دارد که دلش برای ایران می تپد، این مطالب بنده برایش قاعدتاً باید مهم باشد اگر مدعی ایران دوستی باشد.در سال ۱۹۳۷ آقای شوقی علنا اعلام می‌کند که هدف ما طی عصر تکوین است و گرفتن تک تک حکومت‌ها و فرمان اولیه را آقای عبدالبهاء که در چند لوح که ۱۴ لوح که ۸ تای آن به فاصله ۱۵ روز سریع در واقع به بهائیان آمریکا رسیده است و در این چند لوح که یک مجموعه مختصری است و زیاد هم مفصل نیست و اگر راجع به آن بنده بخواهم صحبت کنم دو ساعت صحبت است و منبعی که خودشان دنبال حکومت هستند را خودشان استناد کردند. آقای شاپور راسخ کسی است که قبل از انقلاب ۵ سال در ایران عضو

محفل ملی بوده و خارج ایران هم در سوئیس پنج سال عضو محفل ملی بوده است و دو سال هم در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ عضو هیئت مشاورین قارهای در اروپا بود . یعنی یک عضو ارشد و نفوذی تشکیلات بهائی طی ۲۶ سال در یونسکو بوده است که در کانال آن در کشورهای مختلف بهائیان را راهی می کرده است به اهدافی که توضیح می‌دهم می‌رساند.

ایشان در منبع فوق دقیقا این مطلب را متذکر می شود که یکی از سه رکن تشکیل حکومت بهایی این ۱۴ لوح می باشد .

بنده حاضرم تمام این موارد را با افراد رسمی جامعه جهانی بهایی طرف گفتگو شوم و مناظره کنیم

بنده حاضر به مناظره و بحث هستم و بنده بابت تمام مطالب سند دارم و غیر مترقبه بود، بنده در کلاب هاوس دو ساعت با ایشان مناظره کردم و بحث ما هم روی همین مطالب بود و ایشان مدام می‌گفت که شما بهایی ستیزی هستید و ما داریم سند ارائه می‌دهیم که طرف مقابل مجرم است و ما شاکی هستیم و متاسفانه در مراجع بین المللی به خاطر کم کاری ما الان جای شاکی و متهم عوض شده است و دلیلش را می گویم که چه چیزی است. سال ۱۹۳۷ آقای شوقی رسما اعلام می‌کند که بنا به نبود ظرفیت‌ها آن فرمان عبدالبها که در سال ۱۹۱۶ صادر می‌کند این معطل مانده و این نقشه های الهی باید اجرا شود و نقشه های الهی چه چیزی هستند ، ایشان دو برنامه ۷ ساله برای کشورهای مختلف می‌نویسد تا سازمان ایجاد کند و سازماندهی در جهت بر پایی حکومت بهایی کند. کار رابه جایی می‌رساند که می‌گوید سازمان در واقع شریعت بهایی است و هر کسی که عضو سازمان باشد شرعاً به آن شریعت بهایی می‌گویند. اگر عضو سازمان نباشد آن اصلاً بهائی نیست .عضو باشی و پدرت از دنیا برود به او ارث می‌رسد و اگر عضو سازمان نباشم به بنده ارثی تعلق نمی‌گیرد. اطلاق مومن بر کسی که عضو سازمان به اطلاق مومن می‌شود و کسی که مومن نیست یعنی در سازمان نیست و مسئول انتخاب در واقع بیت العدل قانون اساسی است. بیت العدل ماده اول که میگوید: مسئول این که چه کسی مومن است و چه کسی معلوم نیست یعنی اینکه چه کسی شرایط عمل به شریعت بهایی را دارد یا ندارد بهتر از دست این سیستم بهائیت اصلاً سیستم دین نیست و حالا شما بگویید این یک سیستم است . آن یک شرکت است ، یک سازمان است و در این سازمان یک فرم پر می‌کنید و شرایط خودت را می‌گویید آنها شرایط خودشان را می‌گویند و مطرح می‌کنند که شما بدون قید و شرط در اوج اطاعت به راس این سازمان که بیت العدل خارج از مرزهای ماست، هم از درون خود است و بیرون را تسلیم نظم اداری ، بهایی می کنید نه تسلیم فرمان الهی . مثلاً من به مرجع تقلید متعهد هستم و سیستم ، سیستم معنوی است . تعهد می دهم به رئیس سازمان که به فرامین سازمانی بر من در واقع صادر شود و تورا معصوم می‌دانند و خ اوضاع خیلی فجیح تر از اوضاع داعشی است. یعنی کسی که عضو داعش است و می‌بیند که دارند به او کمربند بمب می بندند و او وسط راه می تواند فرار کند و اگر کسی او را ببیند به او نمی گوید که تو مسلمان نیستی ولی در بهائیت اگر وسط کار کمی تغییر کند به او می گویند که تو دیگر بهایی نیستی یعنی در شریعت بهائیت دیگر فرد بهائی نیستی.

لذا شوقی آمد و بنیاد تشکیلاتی بهائی و گفت هدف در واقع تعریف حزب است ، حزب چه چیزی است که هدف شما گرفتن حکومت است و ایجاد سازمان و وجود نقشه راه و این سه عنصر مشترک بین همه افرادی است که حزب بر آیش را تعریف می‌کند و اصلاً بهائیت ذاتش حزب است. نه اینکه ما بگوییم ذاتش حزب است و به دروغ می‌گوید که دنبال حزب و حزب بازی نیستند و دنبال قدرت نیستیم.

دو برنامه ۷ ساله می نویسد از سال ۱۹۳۷ تا سال ۱۹۵۲ یک توقعی صادر می‌کند و توقع بدیع ۱۱۰ ، دقیقاً مطالبی را که عرض می‌کنم در چهار خط بنده هم زمان و کسانی که بعدا این فیلم را می بینند ، در پیام عید رضوان همین امسال همه مطالبی که خدمت شما عرض می کنم چهار خط بیت العدل چکیده آن را گفته است.

یعنی مطلب تاریخی نیست. بنده متن را از رو می خوانم و عزیزان این را ببینند این متن ترجمه پیام عید رضوان همین امسال است و برای تشکیلات بهائی است و در این متن آن جایی که پیام خیلی مهم است و عوامل مجرمانه و اینکه امسال می‌خواهند چه کاری انجام بدهند. در ابتدای آن نوشته است . بنده اول این سابقه را بگویم که چکیده تمام حرفهایی که بنده گفتم در همین چهار خط است.

« بسیاری از احبای الهی با روش حضرت ولی امر که چگونه اعصار امرالله را به عهدهای متوالی تقسیم‌بندی نمودند و آشنایی دارند و پنجمین عهده عصر تکوین در سال ۲۰۰۱ آغاز شد (در اینجا از آخر به اول می گوید) آنچه کمتر شناخته شده است . اشاره خاصه هیکل مبارک به عهد های مرتبط با نقشه ملکوتی (نقشه ملکوتی همان ۱۴ لوح سال ۱۹۱۶ آقای عبدالبها است.) و مراحل مندمج در آنها است. نقشه ملکوتی عبدالبها که برای دو دهه دورانی که نهادهای ملی و محلی ، نظم اداری، تاسیس و تقویت می‌گشت در بوته تعویق مانده بود . در سال ۱۹۳۷ با آغاز اولین مرحله از اولین عهدش یعنی نقشه هفت ساله بود که توسط حضرت ولی امرالله به جامعه بهایی آمریکایی شمالی محول شد، رسماً افتتاح گردید .این عهد اول بعد از اختتام جهاد کبیر اکبر در سال ۱۹۶۳ که منتج به رعایت افزایش امرالله در سراسر جهان شده است. »

عصر تکوین دقیقا یعنی اشاره به پروتکل هفتگانه آقای شوقی است که بنده بارها آنهایی که با مطالب بنده آشنایی دارند ببینید، بنده می‌خواهم بگویم در این دوازده ماه و ۹ سال آینده داخل ایران و در ۲۰ سال گذشته دنبال براندازی بوده‌اند و سند براندازی آن را بنده از همین متنی که الان می خوانم و ۴ ماه پیش یا همین اول عید رضوان که می‌شود اول اردیبهشت به سند براندازی آنها را بنده دارم از روی متنی که به آن هدایات بیت العدل می گویند. این اثر تکمیلی که در اینجا گفته شده است در همان توقیعی است در کتاب توقیعات مبارکه می‌بینید که خطاب به کشور ایران و خطاب به هندوستان و پاکستان و در اقالیم عربستان و قطر مصر و سودان و ترکیه و افغانستان ، عراق عرب ، سوریه و لبنان ،رجالاً و نساءً

و خطاب به این هاست و متن در واقع توقیع را هم عزیزان می بینند دقیقاً در زیر متن دارد توضیح می‌دهد که امر عزیز الهی که در عهد آتیه عصر تکوین که عصر ثانی دوره بهایی است و در عصر ذهبی که عصر ثالث اخیر نخستین دور است.

در صفحه بعد دقیقاً پروتکل هفتگانه شوقی را در سال ۱۹۵۲ دقیق توضیح می دهد. بنده دور اینها را هم خط کشیده‌ام . یعنی می گوید تشکیلات اداری جامعه از صفر تا صد که می‌خواهد به حکومت برسد در آن جامعه این ۷ مرحله را به شکل مار پله ای باید بالا برود، وسط راه اگر خورد به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تا دم استقلال رفته بود ، مار نیشش می‌زند و دوباره برمی گردد به مرحله دوم ومراحل پایین تر و بنده فقط سندش را خدمت عزیزان تقدیم کردم . در اینجا قشنگ مراحل شش گانه را می‌گوید و مراحل هفتگانه و مرحله هفتم در واقع حکومتی که عزیزان شاهد این هستند.

بنده یک نکته را عرض کنم بیت العدل، تشکیلات فرماندهی حال حاضر فرقه بهائیت است که ما داریم در آخرین برنامه‌و آخرین نامه ای که توسط تشکیلات برای بهائیان ایران و دنیا صادر شده است، را داریم مرور می‌کنیم تا برنامه های آینده اش را مشخص کنیم که اینان از سالیان گذشته قصد براندازی را داشتند و در برهه ای مختلف تاریخی مثلاً فتنه سال ۸۸ و خیلی از اتفاقات دیگر و دیدیم که سازمان بهائیان نقش موثری در این مسیر داشتند که به دنبال براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی بودند خوب اسنادش هم در نوشته های اینها مسلّم است.

صفحه اول همین پیام دقیقاً مطرح می‌کند. سال ۲۰۰۱ کل دنیا را در واقع بیت العدل به ۱۷ هزار قسمت تقسیم کرد و اسمش را گذاشت، مجموعه همجوار ، کل کشورها را محافل ملی تقسیم بندی کرده ند و انگار تو گویی این ملک پدرش است، گوشت قربانی است . برای طی آن مراحل و مفصل اسمش را گذاشتند، کلاستر و ایران هم جز این سیستم بود و رسماً در سال ۲۰۰۱ وارد ایران شدند.

در خارج از مرزها و مسئول این پروژه دارالتبلیغ بود. دارالتبلیغ که در واقع نهاد اطلاعاتی امنیتی تشکیلات بود. یعنی یک نهادی که هم آخوند هستند، یعنی هم مقام تبلیغی دارند و هم مقام اطلاعاتی یعنی اینها قبلاً ایادیان امر بودند . ایادیان امر بعد از تبدیل شدن به دارالتبلیغ یعنی نیروهای اطلاعاتی و عملیاتی از کانال آقای ایدل خانی که ایشان مشاور غرب آسیا بود و رابط بود با ایران در سال ۲۰۰۱ کل ایران را که محفل ملی ایران که اسمش هیئت یاران بود . در سال ۲۰۰۶، ۷ نفر هیئت یاران بودند و قبل اینها، آقای چنگیز فنائیان و یک فرد دیگری بود. یعنی دو نفر که خود اینها اسم‌شان را نوشته اند . یعنی آقای چنگیز فنائیان و فرد دیگری که با ایشان مسئول محفل ملی ایران بود و اسمش را گذاشته بودند هیئت یاران که حساسیت ایجاد نشود.

چون در سال ۶۲ قول داده بودند که تحرکات تشکیلاتی انجام ندهند . در حالی که دروغ گفته بودند علیرغم دروغ گفتن شان چون ضیافت های شان را یک روز تعطیل نکردند و خود ضیافت موسسه ضیافت است و عضوی از تشکیلات بهائی ضیافت است. به نظر من بزرگترین ایرادی که خدا رحمت کند آقای رفسنجانی را ولی اشتباه زمانی رخ داد که آنها بعد از سال ۱۳۶۲ اولین ضیافتی را که گرفتند باید شدیداً با آنها برخورد می شد تا رافت را در واقع طلبکار نباشند.

در سال ۶۲ آنها اعلام کردند که تشکیلات تعطیل است و به نظر بنده اولین ایراد نظام ما در برخورد با بهائیت این بود که مگر نگفتید که تعطیل است پس این ضیافت های نوزده روزه را چرا انجام می‌دهند . این ضیافت های نوزده

روزه قلب تشکیلات است. ضیافت‌های ۱۹ روزه قسمت های میانی تشکیلات اداری و در ضیافت‌های ۱۹ روزه غیر بهایی نباید باشد.

بزرگترین خطاهای استراتژی نظام در ارتباط با بهاییت که امروز چوب آن را می خوریم و اینکه اینها وقیح شده‌اند. از سال ۶۲ تا ۸۰ ، ۸۱ نظام با این ها کاری نداشت و می‌گفت تشکیلات دارید ، برای خودتان است . بنده که میبینم باید ضیافت‌های آنان تعطیل می‌شد. چون گفتند که ما سازمان نداریم و سازمان تعطیل است.

رأفت با سازمانی که در ارتباط است با اسرائیل و سازمانی که تعهد داده است که منافع قدرتی به نام بیت العدل که آینده ما با همدیگر و مثل زنجیر به همدیگر وصل است بنده گله دارم از افرادی که وارد این کار شدند و دیدند و این که چرا جلوی این ها را نگرفتند و اینکه خیلی از اینها اعدام شدند و محفل دوم و سوم برای چه اعدام شدند، به خاطر این داستان و اینکه موضوع پنهانی نبودو اینکه ندید گرفته شد و ما ضربه آن را الآن داریم می خوریم و این ندید گرفتن چه چیزی بود . تا سال ۸۰، ۸۱ وقیح شدندطرح بر اندازی برنامه بیست ساله را به نیابت از بیت العدل در ایران استارن زدند . یعنی ۱۹۹۶ بر مبنای طرح موسسه راکفلر که آقای فرزام ارباب در کالی کلمبیا در واقع مسئول طرح کنترل فرهنگ و پروژه موسسه خیریه راکفلر در تقابل با شوروی سابق که در واقع در سال ۱۹۶۰ این کار را اجرا کردند و موسسه یا بنیاد راکفلر و در سال ۱۹۹۰ درو کرد و نتیجه اش را گرفت و شوروی سابق به هم ریخت . این وسط محور اصلی راکفلر در کلمبیا و آمریکای لاتین آقای فرزام ارباب آن سیستم را از ایشان یاد گرفت. کار موسسه راکفلر کنترل فرهنگ ها بوده است.

بهائیان در سال ۱۹۷۳ بعد از نه سال این طرح را بالا و پایین کردند و موسسه ای را در بیت العدل بنیان نهادند تحت عنوان موسسه طرح و توسعه اقتثادی و اجتماعی البته بیت العدل ۲۷ موسسه تحت عنوان موسسات عصبه انتصابی دارد که یکی از این موسسات مجموعه فوق الذکر می باشد موسسه طرح و توسعه اقتصادی و اجتماعی این همان سیستم موسسه راکفلر که به بهانه توسعه اقتصادی و اجتماعی است که به کشورهای شوروی و اقمار شوروی می‌رفتند و نفوذ می‌کردند به مراکز فرهنگی و NGO آن ها و سازمان های مردم نهاد آنها کنترل می‌کرد و فرهنگ آنها را در نهایت به سمت تامین منافع آمریکا آورد و اتفاقی که منجر به تخریب دیوار برلین شد و آنها همین خدمات را در سال ۱۹۷۳ این سیستم را همین حضرات مصوب کردند.

در بیت العدل این موسسه طرح و توسعه اقتصادی و اجتماعی را تاسیس کردند. مشابه همان سیستم از سال ۱۹۷۳ تا سال ۱۹۹۵ شروع کردند. این را در تشکیلات بهایی اجرا کردند و افراد را ماهر کردند و به شکل گسترده از سال ۱۹۹۶ این طرح را اجرا کردند و کل دنیا را به ۱۷۰۰۰ قسمت تقسیم کردند. مثلاً در همین پیام ژانویه که می گوید: وی با اظهار امتناع از تاییدات جمال اقدس ابهاء جریان پیشرفت نقشه پنج ساله را طی دو سال اخیر یعنی هنگام صدور بیان و هنگام صدور پیام ۹ژانویه سال ۲۰۰۱ خطاب به کنفرانس مشاورین قارهای ، متولی این کار مشاورین قارهای ، یعنی همان هیئت دارالتبلیغ و ۸۱ نفر زیر مجموعه در قاره‌های مختلف و معاونت‌های ترویج و تکریم این ها و مساعد اینهادر کشورهای مختلف ، اینجا به صراحت بیان می‌کند . بنده از روی متن می خوانم از روی سند می خوانم در همان صفحه یک می‌آید و مطرح می‌کند بنابر جهاتی فعالیت‌های

امری در آنها محدود است و غریب ۱۷۰۰۰ جوامع همجوار تشکیل شد . تعداد این گونه مجموعه‌ها در ممالک مختلف متفاوت است . مثلاً هندوستان ۱۵۸۰ تا و مثلاً در سنگاپور فقط یک عدد به دلیل کوچک بودن و اسم اینها را کلاستر یا سکتور می گذارند.

بعد از تقسیم بندی کشورها و سرزمین های مختلف مجموعه های کوچکتر که بهتر می‌توان آنها را اداره کرد و این کار هفت نفر از هیئت یاران در سال ۲۰۰۶ بر عهده گرفتند. یکی ازخاطره انگیزترین فصول الهی اکنون رقم خورد که گزارش آن ۲۰ سال را می‌دهد وآن پیام اول آن بیست سال بود که بنده خوانده‌ام. اما چرا سال ۸۱ به بعد این درگیری بهائیان اوج گرفت. به خاطر همین تحرکات براندازانه و اینکه در ۱۲ ماه آینده چه کاری می خواهند انجام بدهند را در این سند به صورت واضح نوشته شده است . آخرین کلمات یکی از خاطره انگیزترین این پیام رضوان ۲۰۲۱ برای همین امسال، برای چند ماه پیش است . اول اردیبهشت در ایران در حال اجرا است و این هم سند آن است . این کار در آمریکا هنوز شروع نشده ولی در ایران در حال اجرا است.

تمام ایران را در سال ۲۰۰۱ به قسمت های مختلف تقسیم بندی کردند یعنی قبل از سال ۱۹۹۶ و شورای منطقه‌ای درست کردند این شورای منطقه‌ای در واقع یک شورای کلاستر که زیر مجموعه آن است. برای هر کلاستر یک مسئول تعیین کرده است تمام موسسه راکفلر که چطور

کار می کردند اینها هم به همان صورت کار می‌کردند. تمام اطلاعات مناطق مختلف در عرصه اقتصادی ،آب و خاک، محیط زیست ، هر چیزی که سازمان ملل روی آن حساس است و به بهانه اینها در کشورهای مختلف به بهانه توسعه اجتماعی و اقتصادی می رفتند.

در سال ۲۰۰۱ دارو ندار و اطلاعات ایران را مسئول شورای منطقه‌ای که پنج نفر هستند آنها تمام اطلاعات ایران را دادند به معاونت ترویج و تحکیم مساعدین دادند و به هیئت مشاورین قاره ای جناب جبار ایدلخانی و مسئولین ایران دادند و وزارت اطلاعات در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ فیلمی را منتشر کرد مبنی بر اینکه ۱۳ نفر از ایران بلند می‌شوند. از اعضای شورای منطقه‌ای و سایر مسئولین اطلاعاتی بهایی به دبی می روند. پیش آقای ایدلخانی و در امارات در دبی خانه آقای دکتر محبوبی این روش که به چه نحوی باید کار کنند، را یاد می‌گیرند و بعد برمی‌گردد به ایران که این روش را استارت بزنند و آقای ایدلخانی مسئول کل بهائیان ایران و سازماندهی و سازماندهنده برای پروتکل هفتگانه. شوقی اجرای این برنامه ۲۰ ساله که شما می‌بینید. در همین گزارش دو لفظ عصر تکوین دارد . یعنی ما دنبال گرفتن حکومت و طی عصر تکوین هستیم و انقدر وقیح هستند که سالگرد تکریم عبدالبها را در عصر تکوین تنظیم کرده‌اند. از سال ۱۹۲۱ اولین عصر تکوین قرن گذشته و وارد قرن جدید شده ایم و هدف گرفتن تک تک حکومت‌ها است و برای اجرای این پروژه در واقع یک قرن طی شده است و قرنی که عبدالبها ۱۹۱۶ گفت بگیرید و اجرا کردند و سال ۱۹۳۷ استارتش را آقای شوقی آغاز نمود و دو برنامه ۷ ساله و یک برنامه ۱۰ ساله ، در سال ۱۹۵۳ تا سال ۱۹۶۳ که وسطش سال ۵۷ از دنیا رفت و آخرین برنامه بیت العدل در همان راستا بر نامه بیست ساله بود که در رضوان امسال اختتامیه برنامه پنج ساله به اتمام رسید البته نقشه بیست ساله را به چهار قسمت برنامه ۵ ساله تقسیم کرده‌اند یعنی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ و سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۱ و سال

۲۰۱۱ در تا سال ۲۰۱۶ و سال ۲۰۱۶ تا سال ۲۰۲۱ و آخرین نقشه را نهاد اطلاعاتی و امنیتی دار التبلیغ تحت فرمان بیت العدل اجرا کرد و این از جمله نقشه هایی است که از سال ۱۹۹۶ میلادی آغاز شده است.

موضوع اصلی بحث در این جاست که می گوید سلسله جدیدی از نقشه‌ها و شروع ۱۲ ماه سرنوشت ساز در پیش است . یعنی نهادهای امنیتی ما باید دقت کنند وظیفه شما به عنوان رسانه باید این سیستمی که خودش رسماً با ما اعلام جنگ کرده است برنامه ۱۲ ماهه در پیش است که خود طبیعی است برای یک شروع ۹ ساله که رضوان آینده آغاز می‌شود.

یعنی سال ۲۰۲۱ اول رضوان و در این ۱۲ ماه که به سال ۱۴۰۱ ختم می‌شود شما در خیابان‌ها و پارک‌ها و کوچه ها بریزید این کار بهانه اش خدمتگذاری است و به هیچ کس چیزی نمی‌گویند و بنده سند دارم که در فلان پارک اعضای سازمان بهایی در پارک جمع شدند و جلسه گذاشتن و تدریس می‌کردند و نقشه ۱۲ ماهه را در حال اجرا کردن می باشند این کار در استای جلد سوم و پنجم دوره روحی است که نامش تواندهی اطفال و نوجوانان می باشد و بعد از این طریق با پدرها و مادرها ارتباط برقرار می‌کند و بعد برای پدرها و مادرها جلسه می گذارند و سریع حلقه های مطالعاتی و بعد می‌بینیم یک سیستم بهایی تشکیل می شود .

هدف دوره های روحی زایل کردن عناصر فرهنگی است یکی از عناصر فرهنگی اعمال مودبانه است و ۴ عنوان دیگرش بینش و آیین و اعتقادات است. این ۱۲ ماه آنان چه کاری انجام می دهند. برای برنامه ۹ ساله مجدداً مانند سال ۲۰۰۱ باید قرائت منطقه انجام بدهند. یعنی جاسوسی یعنی اطلاعات کلاسترهای مختلف را مجدداً تمام نهادهای امنیتی تشکیلات بهائی و الان آقای ایدلخانی و هیئت مشاورین قاره ای که ۸۱ نفر بودند و بعد ۹۰ نفر شدند شما از بهائیان بپرسید که چرا اسم آقای ایدلخانی نیست و مسئول در ایران چه کسی است ، معاونین آنان چرا معلوم نیست؟

تمام کسانی که درگیری طرح روحی هستند و تمام اینها باید قرائت منطقه بکنند و برنامه ۱۲ ماه آینده چه چیزی است و چرا این فیلم را درست کرده‌اید برای ایرانیان ، آنها فارسی صحبت میکنند یا عربی؟ بله فارسی و مخاطبانشان ایرانیان هستند و چه کسانی می گویند و برای چه کسانی این فیلم را ساخته اند؟

بله این فیلم را طی ۶ و ۷ ماه پیش درست کردند و بنده دوست بهایی دارم درست است که نماز نمی خواند و مثل بعضی از مسلمان که نماز نمی خواند و ایشان هم زندگی خودش را دارد ولی درگیر سیستم هستند و زندگی خودشان را دارند و بهایی که خودش را مقید به راس تشکیلات می‌داند باید قرائت منطقه کند و این فیلم را برای بهائیان جوان ما ساخته اندکه برویم و قرائت منطقه کنیم که در این منطقه نقطه ضعف چه چیزی است . بابت آن نقطه ضعف فلان منطقه جنوب تهران که فلان منطقه افغانی هستند و بحث فرهنگی و سواد آنها است و به بهانه سوادآموزی بین آنها می روند و کارشان را انجام می‌دهند و قرائت منطقه انجام می‌کنند قرائت منطقه را به اسرائیل می فرستند و اسرائیل اطلاعاتی را که بخواهد از آنها می گیرد.

تمام نقاط ضعف به اسرائیل می‌رود و طبقه‌بندی می‌کنند و به مسئول کلاستر می‌گویند که شما در این منطقه به بهانه این قصه گفتمان راه بیندازید و بعد از خود مردم عده ای را جمع می‌کنند که با آنها کمک کنند و اسمش را می‌گذارند خدمتگزاری و برای حل مشکل و به اصطلاح به آن اقدام اجتماعی و گفتمان اجتماعی می‌گویند. کنار آن یک پروتکل دارند با عنوان اقدام اساسی که فرد لابه لای کارهایش باید یک اقدام اساسی انجام بدهدو حاصل آن دخول افراج مقبلین به امرالله و تمام اینها پیام بهایی است که بنده آنها را پیدا کرده‌ام. یعنی دعا ، شما اول به بهانه‌ای دعایی بخوانید بعد به بهانه فرهنگی می‌گویند که بچه‌ها را بیاورید و در غالب نقاشی مفاهیم خود را به آنها می‌گوییم و برای جوانان و نوجوانان حلقه های مطالعاتی را می‌گذارند و بعد از یک سال می فهمند که وارد سیستم بهایی شده اند چون آنها با سیستم راکفلر وارد شده اند آنها را مغزشویی کرده‌اند.

سیستم آنها زیر نظر شورای کلاستر و منطقه ای می باشد که از ستاد عملیاتی آنها است و حاصل این سیستم طی پروتکل هفتگانه شوقی است که اجرای برنامه ۱۲ ماه و ۹ ساله برای طی آن مراحل هفتگانه و گرفتن حکومت ایران و برپایی حکومت بر مبنای احکام اقدس است و مرحله ششم حکومت هفتگانه یعنی استقرار حکومت الهیه زمینیه شارع، این امر عظیم است.

در سال ۲۰۰۶ هیئت یاران را انتخاب کردند. گفتند که به همه الان بگویید که چه کسانی رئیس بهائیان است و اعلام عمومی انجام دهید چرا محفل امارات و عربستان را کسی نمی داند نامشان حتی در دسترس همگان نمی باشد چون اصلا ضرورتی ندارد که بدانند در پایان ممنون از عزیزانی که این فرصت را در اختیار بنده قرار دادند تا مطالبم را تقدیم عزیزان کنم

منبع: https://www.hassanershad.com/4440

وحدت عالم انسانی یا گسترش تشکیلات بهائی؟

چکیده

وحدت عالم انسانی به ظاهر کلام به این معنی است که همه رنگ ها و نژاد ها و ملت ها و ملیت ها گرد هم آیند، اختلافات را به کناری گذاشته، بر توافق نظرها تکیه کنند، یکدیگر را تحمل کرده، و در نتیجه صلح و صفا و یک رنگی و مهربانی جایگزین همه تضاد ها و اختلاف ها شود.

بهائیان مفهوم وحدت عالم انسانی را از جمله تعالیم باور خود معرفی می کنند و به واسطه آن به تبلیغ تشکیلات بهائی می پردازند. وحدت عالم انسانی سوای شعار زیبایی که در مفهوم خود دارد، می بایست از جانب مدعی رسیدن به آن، به صورت عملی به منئه ظهور برسد. به این ترتیب فرد و یا گروه مدعی از خود عملکردی را نشان می دهد که هر نظاره کننده ای پی به صدق ادعای مربوطه می برد. این مقاله سعی دارد که برخی از عملکرد ها و نگرش هایی را تشکیلات بهائی و به طور خاص بیت العدل جهانی به عنوان سازمان رهبر تشکیلات مذبور و محافل ملی و محلی کشور هایی مانند آمریکا که مدیریت جامعه بهائی کشور آمریکا را بر عهده دارند را در قبال شعار وحدت عالم انسانی بررسی نماید. تحقیق و واکاوی بیانیه های گذشته تا به حال بیت العدل جهانی و عملکرد محفل ملی آمریکا در راستای عملی کردن دستورات سازمان رهبر، نشان میدهد که در کل، گسترش تشکیلات بهائی بر وحدت عالم انسانی ارجحیت داشته و تا زمانی که هدف اول تامین نشود به طور کل وحدت عالم انسانی پوچ و بی ارزش می باشد. و نهایتا چنین مفهومی به عنوان شعاری در راه گسترش تشکیلات بهائی مورد استفاده قرار می گیرد.

از جمله بیانیه ها و عملکرد ها به نامه ۲ می ۲۰۱۶ بیت العدل جهانی و سمینار آکوتو در سال ۲۰۱۱ و لابی کردن محفل ملی بهائیان آمریکا با سنای کشور آمریکا برای تصویب تحریم های بیشتر بر علیه ایرانیان اشاره می کنیم. دقت نظر در مثال های اشاره شده نشان میدهد که عملی کردن دستورات مطرح شده در آنها، ممکن است نتایج مخربی برای عامه مردم ایران به دنبال داشته باشد. متاسفانه با بررسی عملکرد جامعه بهائی به صورت یک کل، مشاهده می کنیم که این جامعه در بسیاری از شعار ها و عناوین تبلیغی خود رعایت صداقت را نمی کند و عملا تنها به گسترش تشکیلات بهائی می اندیشد، این در حالی است که شعار می دهد به دنبال صلح عمومی و وحدت عالم انسانی است.

وحدت عالم انسانی به ظاهر کلام به این معنی است که همه رنگ ها و نژاد ها و ملت ها و ملیت ها گرد هم آیند، اختلافات را کناری گذاشته، بر توافق نظر ها تکیه کنند، یکدیگر را تحمل کرده، و در نتیجه صلح و صفا و یک رنگی و مهربانی جایگزین همه تضاد ها و اختلاف ها شود. بهائیان مفهوم وحدت عالم انسانی را از جمله تعالیم باور خود معرفی می کنند و به واسطه آن به تبلیغ تشکیلات بهائی می پردازند.

وحدت عالم انسانی سوای شعار زیبایی که در مفهوم خود دارد، می بایست از جانب مدعی رسیدن به آن، به صورت عملی به منئه ظهور برسد. به این ترتیب فرد و یا گروه مدعی از خود عملکردی را نشان می دهد که هر نظاره کننده ای پی به صدق ادعای مربوطه می برد.این مقاله سعی دارد که برخی از عملکرد ها و نگرش هایی را

تشکیلات بهائی و به طور خاص بیت العدل جهانی به عنوان سازمان رهبر تشکیلات مذبور و محافل ملی و محلی کشور هایی مانند آمریکا که مدیریت جامعه بهائی مناطق ذی ربط را بر عهده دارند را در قبال شعار وحدت عالم انسانی بررسی نماید. در ابتدا یک گزارش از سمیناری که در سال ۲۰۱۱ در آکوتو واقع در ایتالیا برگزار شد را ارائه می دهیم. پس از آن متن نامه ۲ می ۲۰۱۶ بیت العدل جهانی به محافل ملی کشور های مختلف ارائه داده، و به بررسی ارتباط و تطابق آن ها با مفهوم وحدت عالم انسانی می پردازیم. سپس به عنوان نمونه یکی از عملکرد های محفل ملی آمریکا را در ارتباط با موضوع این مقاله مورد دقت قرار می دهیم.

در زیر گزارشی از سمیناری که در تاریخ ۲ الی ۴ سپتامبر ۲۰۱۱ در آکوتو واقع در ایتالیا برگزار شد ارائه شده است. در این سمینار که توسط بیت العدل جهانی مدیریت می شد، هدف اصلی، تمرکز بر توسعه فعالیت های دفاتر امور خارجه جامعه بهائی در کشور های مختلف می باشد. طبق گزارش، لیست برنامه های این سمینار خاص متمرکز بر روی تغییر نگرش جهان به سمت تقابل و ضدیت با ایران بوده است. متن گزارش به قرار زیر است:

این همایش سه روز مسائل مختلفی را نسبت به روابط خارجه در سطح ملی، مورد بررسی قرار داد، از جمله دو موضوع:

ماهیت و عملکرد دفاتر روابط خارجه، و، جنبه های متعدد اجزای مختلف این کار، را پوشش داد. روزهای اول و سوم این همایش به جلساتی با شرکت تمامی اعضای همایش، به منظور تبادل نظر در باره موضوعات مورد بحث، اختصاص داده شد. در روز دوم، شرکت کنندگان در گروههای کوچکتر دور هم جمع شدند، که یا به صورت جغرافیایی و یا به خاطر سطح پیشرفت در کارهای روابط خارجه تقسیم بندی شده بودند، به منظور این که به حل و فصل مسائل مورد نظر که در جمع همگانی مطرح شده بودند در عمق بیشتر بپردازند.

نکات اصلی و اساسی توسط دکتر فرزام ارباب و دکتر فریدون جواهری مطرح شدند. آنها به عنوان نمایندگان و سخنگویان بیت العدل به دیگر نمایندگان در نشست آکوتو موضوعات را مطرح نمودند. موضوع اصلی و مرکزی هر سه روز فقط و فقط ایران بود.

شرکت کنندگان:

۱- دکتر فرزام ارباب و دکتر فریدون جواهری، اعضای بیت العدل.

۲- نمایندگان دفاتر روابط خارجه و اعضای محافل ملی بهاییان استرالیا، اتریش، برزیل، کانادا، کلمبیا، فرانسه، آلمان، هند، ایرلند، کنیا، هلند، آفریقای جنوبی، اسپانیا، ترکیه، اوگاندا، انگلیس، آمریکا.

۳- سخنگوی فارسی زبان مجمع بین المللی بهاییان برای اروپا و آمریکای شمالی.

۴- نمایندگان مجامع مختلف بهایی

هدف کنفرانس:

موضوع اصلی توسط اعضای بیت العدل، دکتر فرزام ارباب و دکتر فریدون جواهری مطرح شد که اشاره داشت به برنامه های لازم الاجرا در زمینه تربیت بهاییان در هر کشوری به منظور برقراری ارتباط با دولت مربوطه برای به انجام رساندن:

۱- تلاش در جهت مخدوش کردن هر چه بیشتر ایران و تحت فشار گذاشتن دولت مذبور در جهت متمایل کردن

آن، به سمت حرکت هایی که کشورهایی مثل آمریکا، کانادا، و انگلیس به نفع بهاییان انجام داده اند.

۲- تحت فشار قرار دادن دولت خود در جهت پشتیبانی کردن از تحریم های منعقد شده بر علیه ایران.

۳- مادامیکه در تلاش برای رسیدن به دو هدف قبلی هستند، تلاش کنند که منافعی از طرف دولت خود نیز دریافت کنند.

۴- تبلیغ امر بهایی به آنها.

بهانه برگزاری جلسه با دولت مردان نیز باید آزار و اذیت بهاییان در ایران و زندانی کردن ۷ یار محفل بهاییان باشد. این کار نیز باید با مهارت انجام شود و تحت پوشش بدرفتاری با اقلیت ها توسط دولت ایران به خصوص بهاییان باشد.

پیشنهاد شد که اعضای انتخاب شده برای این مجمع نیز خانم های بهایی ایرانی باشند که به وسیله آن بتوان همدردی بیشتری را نسبت بهاییان ایجاد کرد. موقعیت اعضای مجمع به عنوان زنان بهایی نیز به خاطر دلایل واضحی بود.

نکاتی که به بحث گذاشته شد از قرار زیر بودند:

۱- چگونه ظرفیت لازم را برای درگیر شدن در کارهای دیپلماتیک ایجاد کنیم؟

عنصر حیاتی فعالیت، "روخوانی(خوانش) دولت خود" می باشد، که نباید دست کم گرفته شود.

۲- روشهای پیشنهادی به قرار زیر بودند:

۲-۱- به چه میزان دولت خود را می شناسید و چگونه می توانید دولت خود را بهتر بشناسید؟

۲-۲- نیروهای درون جامعه که می توانند بر روی دولت تاثیر گذار باشند کدامند؟

۲-۳- آیا شما می دانید که دولت شما چگونه کار می کند؟

۲-۴- آیا شما عناصر اصلی و گرداننده دولت خود را می شناسید؟ و کدامیک از این اشخاص به واقع پذیرای ایده هایی هستند که ما می خواهیم آنها را معرفی کنیم؟

۲-۵- آیا شما دولت مردانی را می شناسید که به خدمت خالصانه و فارغ از خود به کشورشان و نه به شخص خودشان متعهد شده و خود را به آن اختصاص داده اند؟

۲-۶- چگونه شما می توانید که رابطه ای را با اشخاص مهم و اصلی دولت خود برقرار کنید؟

۲-۷- منابعی که برای این کار به ذهن می رسد کدامند؟

۲-۸- چگونه شما می توانید که ایده ها را به صورت عملی معرفی کنید؟

۲-۹- فضاهایی که در آنها ایده ها شکل گرفته و به بحث گذاشته می شوند کجایند؟

۲-۱۰- چگونه می خواهید درباره اصل عدم دخالت در سیاست توسط بهاییان، با در نظر گرفتن درگیر شدن بیشتر و عمیقترتان با دولت کشور خود توضیح دهید؟

۲-۱۱- و دولت شما بهاییان را چگونه نظاره می کند؟ به عنوان یک ان جی او حقوق بشری؟ یک جامعه کوچک دینی دیگر؟

۲-۱۲- چگونه شما تلاش ها را با کشورهای دیگر و بیت العدل هماهنگ می کنید؟ ما احتمالا می بایست در ابتدا مختصری با عده کمی از اشخاص (دولتی) شروع به کار کنیم و دیگران را به شرط دارا بودن ظرفیت لازم درگیر کار کنیم.

۲-۱۳- وب سایت های محافل ملی کشور را با مطالبی بر علیه ایران، آزار و اذیت بهاییان و غیره می بایست پر کرد.

گزارش سمینار آکوتو بسیار شفاف رویکرد بیت العدل جهانی و در کل جامعه بهائی، آن فرقه از بهائیان که بیت العدل را مشروع می دانند و از آن پیروی می کنند- توجه داریم که بهائیت فرقه های زیادی دارد، از جمله بهائیت ارتدکس، توحید گرا، آزاد و ...- را در مورد ایران نشان می دهد. گزارش بالا، به طور شفاف از برنامه ریزی و فراخوانی تشکیلاتی با یک هدف مشخص – یعنی تخریب ایران و ایجاد مانع برای رشد و پیشرفت ایران و بهبود وضعیت ایرانیان – خبر می دهد. این گزارش همچنین نشان می دهد که بهائیت کاملا از یک باور شخصی فاصله دارد. این مسئله ای است که بهائیان همیشه سعی در مطرح کردن آن دارند. بهائیان همواره تلاش می کنند که خود را در کنار بقیه ادیان الهی جا دهند و باور بهائی را باوری شخصی با خصوصیت های مستقل خود و همردیف ادیان الهی نشان دهند. این در حالی است که چنین فعالیت های تشکیلاتی گسترده که در نهایت تنها هدفی تشکیلاتی برای گسترش خود دارد نشان از شخصی نبودن باور بهائی دارد. بهائیان در این تشکیلات زمانی بهائی قلمداد می شوند که جزو تشکیلات بوده و بیت العدل جهانی را قبول داشته، دستورات آن را پیروی می کنند. این موضوع خارج از حدود این مقاله است و نیاز به نوشتاری مستقل دارد.

از طرف دیگر تعارض این حرکت ها با تعلیم وحدت عالم انسانی بهائیان از نور آفتاب روشن تر است. واضح است که فعالیت و حرکت برای تخریب یک ملت و فعالیت برای اعمال تحریم های جهانی بر علیه یک کشور، تنها برای تخریب پل های میان ملت ها و دولت هاست. و به جای ایجاد صلح و صفا و صمیمیت، به دشمنی، عداوت و حتی جنگ و خونریزی ختم خواهد شد. همه این فعالیت های بهائیان به این شکل، بی صداقتی بهائیان در امور تبلیغیشان را نشان می دهد. این گونه بی صداقتی ها برای تحمیق مخاطبان خود تنها برای رسیدن به اهداف تشکیلاتی می باشد.

اما ممکن است کسی بگوید که این گزارش تنها برای تخریب وجهه تشکیلات بهائی می باشد. برای این که این نگرانی و دغدغه نیز از خاطر مخاطبین محترم برطرف شود نمونه ای دیگر از دستورات بیت العدل جهانی را که اخیرا تحت نامه ای به محافل ملی کشور های مختلف صادر شده است تقدیم می کنیم و ارتباطات موجود میان آن و گزارش بالا را نشان خواهیم داد. نامه زیر از طرف بیت العدل به دفاتر خارجه تشکیلات بهائی کشورهایی که در قسمت شرکت کنندگان گزارش بالا آمد صادر شده است. در این نامه، بیت العدل جهانی این دفاتر را موظف می کند که کمپانی هایی که قصد برقراری ارتباط اقتصادی با ایران در دوران پسا برجام دارند را شناسایی کنند. با برقراری ارتباط با آنها و مظلوم نمایی منحصر به فرد بهائی شرایطی را برای ارتباطات اقتصادی آنها با ایران را به آنها تحمیل کنند. برای تکمیل چنین پروژه ای بیت العدل دفتر سازمان ملل خود را نیز موظف کرده است که فعالیت های تکمیلی را انجام دهد. نامه بیت العدل را مرور کرده و سپس نقاط مهم را بازخوانی می کنیم. این نامه در می ماه سال جاری منتشر شده که به قرار زیر است:

"همانطور که می دانید، پس از توافق نامه هسته ای اخیر، کمپانی های تجاری اقسا نقاط دنیا ابراز علاقه زیادی برای روابط اقتصادی با ایران نشان داده اند. قاعدتا چنین کمپانی هایی، خود را پایبند و متعهد به اخلاق تجاری براساس استاندارد های کشوری و بین المللی می دانند.

از شما در خواست می شود که از دفتر امور خارجی بخواهید که این کمپانی ها -مانند شرکت هایی که با نهاد های دولتی همکاری می کنند، گروه ها و شرکت های غیر دولتی با بینش یکسان- را شناسایی کرده و رویکرد هایی را برای نزدیک شدن به این کمپانی ها به منظور آگاهی یافتن از نگرش آنها نسبت به تعهدات اخلاقی خود در تجارت در ایران ترتیب دهند. با بدست آوردن بینش عمیقتری نسبت از حقایق اجتماعی کشور مذبور، آنها به نحو بهتری درک خواهند کرد که آن استاندارد های اخلاقی می بایست مشمول عدم توجه به تبعیض جنسیتی و اقلیتی در نگرش استخدام نیرو و تعامل با آنها باشد. در این زمینه میتوان نظر آنها نسبت به سرکوب بهائیان توسط دولت ایران جلب نمود. با توجه به این که چنین کمپانی هایی به طور طبیعی سعی در به خدمت گرفتن نیروهای ایرانی سخت کوش، با مهارت بالا و صادق دارند که به آنها در راستای تشکیل و استقرار تجارتشان کمک دهند، تاریخچه تبعیض بر علیه فارغ التحصیلان موسسه آموزش عالی بهائیان را میتوان به آنها توضیح داد.

اجرای با دقت و هماهنگ چنین حرکتی، بعلاوه فعالیت هایی که در نامه ۵ فبریه ۲۰۱۶ به محضر شما رسید، پتانسیل لازم برای تاثیر گذاری بسیار در وضعیت اقتصادی بهائیان ایران را داشته، و در مجموع به عنوان مشارکت بهائیان در بهبود وضعیت اجتماعی ایرانیان برای افراد زیادی مورد قدردانی قرار خواهد گرفت.

در کنار فعالیت های دفتر امور خارجی شما، دفتر امور بین الملل بهائیان مستقر در سازمان ملل نیز فعالیت ها و حرکت های تکمیلی را در سطح بین المللی انجام خواهد داد.

خواهشمند است که بیت العدل جهانی و دفتر امور بین الملل بهائیان مستقر در سازمان ملل را از نتایج تلاش های خود مطلع نمایید. "

از نامه بالا نکات زیر را میتوان استخراج کرد:

۱- رصد کردن وضعیت سیاسی اقتصادی در جهان و شناسایی موقعیت ها، کشورها، کمپانی ها، و اشخاص صاحب نظر و با نفوذ

۲- رصد کردن وضعیت سیاسی اقتصادی ایران و نیازهای اساسی این کشور و چگونگی تعامل ایران با کشور های صاحب نظر و قدرتمند.

۳- برنامه ریزی برای استفاده بهینه از وضعیت سیاسی و اقتصادی جهان.

۴- شناسایی کردن کمپانی های بزرگ که قصد ارتباط اقتصادی با ایران دارند.

۵- برنامه ریزی و راهکار برای تبلیغ تشکیلاتی در حوزه بین المللی و با در نظر گرفتن چگونگی روابط ایران با کشور های توسعه یافته در بستر روابط سیاسی و اقتصادی

۶- برنامه ریزی و راهکار برای تحریک عواطف صاحبان نفوذ کمپانی های بزرگ در کشور های قدرتمند با ارائه شواهدی از صدمات و فشار های وارده بر جامعه بهائیان ایران.

۷- برنامه ریزی و راهکار برای ایجاد ارتباط کمپانی های تجاری و اقتصادی بزرگ جهان با بهائیان ایران

۸- برنامه ریزی و راهکار برای به خدمت گرفتن بهائیان ایران توسط کمپانی های تجاری و اقتصادی بزرگ جهان

۹- برنامه ریزی و راهکار برای ورود بهائیان ایران به میان اعضای مهم و تاثیر گذار در تعاملات میان ایران و کشور های بزرگ و توسعه یافته

۱۰- شناسایی و ارزش گذاری فعالیت ها و خدمات بهائیان ایران در نتیجه ایجاد ارتباط آنها با کمپانی های بزرگ اقتصادی

۱۱- استفاده از خدمات بهائیان ایران در بستر موارد گذشته در راستای تبلیغ تشکیلات بهائی در ایران و کشور های دیگر

۱۲- برنامه ریزی و راهکار برای ایجاد بسترهای تبلیغی بیشتر در ایران با استفاده از معرفی خدمات بهائیان به ایرانیان در حوزه اقتصادی

۱۳- برنامه ریزی برای راهکار های تکمیلی موازی دفتر امور بین الملل بهائیان در بستر سازمان ملل برای اعمال فشار بین المللی بر کمپانی های بزرگ اقتصادی در حوزه فعالیت های آنها در ارتباط با ایران

۱۴- برنامه ریزی برای حرکت های یک پارچه و هماهنگ و حفظ تعامل و ارتباط درونی میان بهائیان در ارتباط با پروژه مربوطه

نامه بالا مجددا جنبه کاملا تشکیلاتی و سازمانی بهائیت را نشان می دهد. جنبه ای که آن را از ادیان الهی که همگی جنبه شخصی دارند، کاملا مجزا می کند.

اما نکته قابل توجه ارتباط یک به یکی است که میان نامه بالا و گزارش سمینار آکوتو در سال ۲۰۱۱ موجود است. کاملا واضح است که این نامه در راستای سمینار آکوتو بوده و قسمتی از اهداف آن را دنبال می کند. اولین نکته نفوذ ، رسوخ و یافتن رابطی در درون کمپانی ها و دولت هاست. در این زمینه سمینار آکوتو دفاتر امور خارجه تشکیلات بهائی را موظف کرده بود که دولت خود، مدل عملکرد آن و ساختار های آن و افراد با نفوذ و صاحب نظر را در دولت های خود شناسایی کنند. در نامه می ماه نیز بیت العدل جهانی به همان دفاتر دستور می دهد که همان کار را در مورد کمپانی هایی که قصد برقراری ارتباط اقتصادی با ایران دارند را انجام دهند.

آیا بهائیان برای احقاق حقوق خود راهکار های دیگری غیر از تخطی و ایجاد تاخیر در پروسه رشد اقتصادی و بیرون آمدن ایران از انزوای سیاسی و اقتصادی نمی توانند بچینند؟ به طور کلی آیا این مدل هدف گذاری ها، سیاست چینی ها و عملکرد ها سودی هم برای مردم ایران دارد؟

مظلوم نمایی به عنوان راهکاری برای ایجاد ارتباط و برخوردار شدن از منافع مختلف اقتصادی و غیر اقتصادی مطرح شده است. به نظر می رسد که مظلوم نمایی یکی از حربه های بسیار موثر و مفید برای بهائیان است که سال های سال است برای ایجاد ارتباط و بهره وری از آن ارتباطات مورد استفاده قرار گرفته است. واقعا اگر این تکنیک از دست آنها خارج شود، راهکار دیگر بهائیان برای رسیدن اهداف تشکیلاتی خود چه خواهد بود؟

ارتباط دیگر وجود مسئله تبلیغ در دو مورد است. تبلیغ یکی از مسائل جدا نشدنی از هرگونه فعالیت تشکیلاتی بهائیان است. ارتباط بعدی مدل فعالیت هماهنگ و مرکزی تشکیلات بهائی است. چنان که واضح است، سازمان های جزء تشکیلات بهائی مانند دفتر سازمان ملل تشکیلات بهائی، دفاتر امور خارجه آن تشکیلات در کشور های مختلف، محافل ملی و محلی، همه از طرف بیت العدل جهانی دستوراتی را می گیرند و موظفند که آنها را اجرا کنند، و بازخورد فعالیت های خود را به بیت العدل و یا سازمان های بالاتر گزارش دهند. این مدل فعالیت مجددا صحه ای بر تشکیلاتی بودن بهائیت می گذارد، و فاصله آن را با یک باور شخصی به طور مشخص به تصویر می کشد.

اما مهمترین ارتباط میان سمینار آکوتو و نامه می ماه بیت العدل جهانی، جنبه های مختلف تخریب ایران است. در سمینار آکوتو، بیت العدل جهانی به طور شفاف برنامه ریزی و اهداف تخریبی خود را بر علیه ایران نشان می دهد. ایجاد ارتباط با دولتها، سازمان های بزرگ و کوچک و افراد با نفوذ و صاحب نظر برای اعمال تحریم های بیشتر بر علیه ایران، و فعالیت هایی که نام ایران و ایرانی را تخریب می کند مانند فعالیت های مجازی از طریق وب سایت های مختلف و مظلوم نمایی در آنها.

اما جنبه تخریبی نامه می ماه بیت العدل جهانی در آن قسمت مشهود است که تشکیلات بهائی قصد دارد از طریق فشار های بین المللی کمپانی های مورد نظر را ملزم کند، که به طور مشروط با ایران ارتباط اقتصادی برقرار کنند. و شرط ارتباط آنها هم این باشد که در نمایندگی های خود در ایران بهائیان نیز می بایست استخدام شوند. بیت العدل در این نامه از مسئولان دفاتر امور خارجه کشور های مخاطب می خواهد که کمپانی ها را نسبت به مسئله حقوق بشر تذکر دهند، از کمپانی ها بخواهند که در پروسه استخدام نیروهای مورد نیاز نسبت به اقلیت های دینی تبعیض نداشته باشند و آنها را برای نمایندگی های خود به کار بگیرند. توجه داریم که بیت العدل از مسئولین دفتر بهائیان سازمان ملل نیز درخواست کرده که فعالیت های تکمیلی را انجام دهند. این ممکن است که مثلا به این روش رخ دهد که نمایندگان جامعه بهائی در سازمان ملل با مطرح کردن این مسئله و با استفاده از اهرم حقوق بشر، از کشور های عضو سازمان ملل بخواهند که کمپانی های بزرگ کشور خود را موظف کنند که از جامعه بهائیان ایران نیرو برای نمایندگی های خود استخدام کنند. در نتیجه این کار، شرط برقراری ارتباط اقتصادی با ایران استخدام تعدادی از بهائیان ایران برای کار در نمایندگی های مذبور است.

حال سوالی که پیش می آید این است که اگر ایران با به خدمت گرفتن اقلیت های مذهبی دراین کمپانی ها مخالفت کرد چه می شود؟ آیا این کمپانی ها روابط اقتصادی خود را با ایران تشکیل خواهند داد؟ آیا اگر تعهدنامه و قانونی در این راستا در سازمان ملل یا کشور های مربوطه مصوب شود که کمپانی ها را موظف کند که نیروی بهائی استخدام کنند، و در عین حال ایران با آن مخالفت کرد چه می شود؟ برای این که موضوع و جدیت آن مشخص شود مثالی بزنیم. فرض کنیم که شرکت دارویی، تولید کننده دارو های قلب، سرطان و یا ایدز قصد دارد که با ایران روابط اقتصادی برقرار کند و این داروهای حیاتی و مورد نیاز را به ایران صادر کند. همانطور که می دانیم ایران در سال های گذشته از این لحاظ در مذیقه جدی بوده، بیماران زیادی به خاطر کمبود دارو در معرض مشکلات جدی قرار گرفته اند. حال با فرض این که فعالیت سیاسی تشکیلات بهائی در سازمان ملل و با استفاده از دفاتر امور خارجه خود در کشور های مختلف با موفقیت روبه رو شود و قوانینی مصوب گردد که شرکت ها را ملزم کند که بهائیان را به استخدام خود در ایران در آورند، و در عین حال ایران مخالفت کرد، چه می شود؟ آیا این داروها می تواند به استفاده هموطنان نیازمند چنین دارو هایی برسد؟ آیا استخدام چند بهائی به قیمت تاخیر در رسیدن داروهایی که برای هموطنان نیازمند حیاتی هستند می ارزد؟ سوال دیگر اینکه آیا سران تشکلات بهائی به فکر مردم ایران نیز هستند، زمانی که چنین هدف گذاری ها و سیاست های اجرایی را در بیت العدل جهانی تصویب می کنند؟ یا این که اهداف تبلیغی و گسترش تشکیلات ارزشش از به خطر افتادن جان ایرانیان که برای برخی از بیت العدل نشینان هموطن محسوب می شوند بیشتر است؟

همواره از بهائیان شنیده می شود که به وحدت عالم انسانی فکر می کنند و این که همه انسان ها برگ های یک

درخت هستند. همواره از بهائیان شنیده می شود که با همه مهربان باشید و اینکه اگر زهر دهند شهد دهید. اما از طرف دیگر مشاهده می کنیم که بهائیان به صورت کاملا تشکیلاتی و با تفکر و دقت، هدف گذاری ها و سیاست گذاری هایی را به صورت سیستماتیک انجام می دهند که نتیجه آنها هیچ سودی که برای ایرانیان و جامعه ایران نخواهد داشت، بلکه در مسیر بهبود وضعیت معیشتی عامه مردم ایران، سنگ اندازی و ایجاد مانع می کنند. اینجاست که واقعا مشاهده می کنیم صداقت و یک رنگی مورد ادعای بهائیان به همان ادعا خاتمه می یابد. درعمل مشاهده می کنیم که راس تشکیلات بهائی، صاحبان منصب و مقام در جامعه بهائی و دیگر بهائیان پیرو آنها در جایگاه های مختلف و حساس به بی صداقتی و خدعه و نیرنگ روی می آورند. اعمال آنها نشان می دهد که وحدت عالم انسانی تنها شعاری است که در اگر در جایی اقتضای زمان و موقعیت باشد، به وحدت عالم بهائی تبدیل می شود. در اینجاست که هدف، تنها گسترش تشکیلات بهائی می شود و عالم انسانی به عنوان یک کیست چرکین از عالم بهائی و تشکیلات آن دور نگه داشته می شود.

از جمله فعالیت های دیگر خصمانه جامعه جهانی بهائی بر علیه ایران، توسط محفل ملی بهائیان آمریکا در حال انجام است. این محفل با لابی گری با سنای آمریکا، به تحریک این سازمان و افراد صاحب پست و مقام در این جایگاه قدرت در کشور آمریکا پرداخته ، پیشنهاد افزایش تحریم بر علیه برخی از ایرانیان را به آن سازمان داده اند. همچنین از فعالان حقوق بشر در خواست کرده اند که با امضای آن تقاضا نامه مهر تایید بر این عمل گذارند. اما توجه داریم که سنای آمریکا بر علیه ایران موضع بسیار تندی دارد. و هر بهانه ای را برای تخریب ایران برای به مخاطره انداختن و سنگ اندازی در اجرایی شدن توافق نامه برجام مورد استفاده قرار می دهند. حال سوال اینجاست که اگر تحریم های آمریکا به چند ایرانی ختم نشد چه می شود؟ آیا این گونه فعالیت ها ممکن نیست باعث شود که تحریم های اقتصادی بیشتری بر روی ایران وارد شود؟ به راستی برآمد چنین کاری به ضرر عامه مردم ایران نخواهد بود؟

همه این اسناد و حرکت های تشکیلاتی بیت العدل جهانی و جامعه جهانی بهائی نشان از این دارد که عالم بهائی بر عالم انسانی ترجیح ویژه ای دارد. تشکیلات بهائی که از بیت العدل به عنوان رهبر خود تبعیت می کند، و جامعه بهائی که زیر پرچم بیت العدل به تمامی اوامر و فرامین آن سازمان سر تعظیم فرود می آورد، و به طور کلی اوامر بیت العدل بر منافع ملی کشور های مختلف از جمله ایران به طور کاملا واضحی ارجحیت دارد، تنها هدفش گسترش تشکیلات بهائی است، و برای ایران و ایرانیان اهمیتی قائل نبوده، و حتی بر علیه منافع انها به فعالیت های دراز مدت تشکیلاتی می پردازند.

پایان

این لینک کنفرانس اکوتو

https://bahaisects.wordpress.com/…/bahais-are-the-real-ene

وضعیت نفقه و مسکن و لباس در ایام بعد از ۹۵ روز بدون صورت گرفتن زفاف

وضعیت نفقه و مسکن و لباس در ایام بعد از ۹۵ روز بدون صورت گرفتن زفاف

روزی مردی قتلی انجام داده بود . او از ترس قصاص از منطقه فرار کرده بود و سالها ماموران به دنبال او بودند. پس از ده سال بالاخره مرد دستگیر شد . مرد را محکوم به زندان کردند . شب اول را که در زندان به صبح رساند با خوشحالی گفت دیشب اولین شبی بود که بعد از ده سال راحت خوابیدم . بله معلوم بودن تکلیف هر چند که به ضرر انسان باشد شیرین است. این بلا تکلیفی است که اعصاب را بهم میریزد و توانایی تصمیم گیری را از انسان صلب میکند .

زمان ازدواج آرزویی هست که هر جوانی برای رسیدن به آن لحظه شماری میکند . روز خواستگاری و پیوند دو قلب از لحظات به یاد ماندنی زندگی به شمار می اید . اولین گام در ازدواج تعیین تکلیف است . یعنی عشق زمانی قابلیت شعله کشیدن دارد که اول تکلیف کار معلوم شده باشد . طبق دستور جناب عبد البها خطاب بمیرزا عبدالحمید فروغی است قوله الجلیل :**بعد از قرار ازدواج و تحقق و اعلان آن در مابین ناس رسماً یعنی بدوستان و یاران و خویش و پیوند اخبار شود که ازدواج آن دو نفس تحقق و تقرر یافت پس از آن نود و پنج روز بیشتر فاصله جائز نیست باید زفاف حاصل گردد و آیتین تلاوت شود و مهر تسلیم گردد اگر نود و پنج روز بگذرد حرام است و عصیان امر پروردگار ولی عقد باطل نگردد و هر کس مسبب تأخیر گردد مسؤول است و مؤاخذ و زجر و عتاب گردد و نفقه و کسوه و سکنی از یوم زفاف تقرر یابد. و از حضرت ولی امر الله در خصوص تجاوز از ۹۵ روز خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان ایران است** قوله المطاع المنیع: حکمش راجع به بیت العدل اعظم است در وقت حاضر هر رویه که محفل ملی موقتاً اتخاذ نماید مقبول و مجری . از این مدرک ما میفیهیم که :

الف : در بهاییت ازدواج به این صورت است که ابتدا باید مراسم نامزدی برقرار شود و به همگان اعلام شود که این دو با هم ازدواج کرده اند .

ب : زمان بین اعلام عمومی و زفاف بیش از ۹۵ روز نباید طول بکشد لذا ایام قبل از زفاف مسئولیت مالی بر دوش داماد نیست و مسئولیت داماد پس از مراسم زفاف شروع می شود.

ج : چنانچه ۹۵ روز گذشت و زفافی رخ نداد عقد باطل نیست اما باید شدیدا با مسبب آن برخورد کرد و وی را مواخذه و زجر داد.

د : حال اگر ۹۵ روز گذشت و زفافی صورت نگرفت سوال این است که آیا مسئولیت مالی مانند نفقه بر عهده داماد هست یا خیر ؟

بطور مثال اگر داماد به دلائلی عروس را سر کار گذاشت و مثلا یک سال و یا بیشتر از حضور در حجله دامادی گریخت و عروس هم تحمل کرد آیا نفقه بعد از ۹۵ روز و این مدت یک سال و یا بیشتر بر عهده داماد هست یا خیر ؟

در این آیین امری که مدعی برابری حقوق زنان و مردان است و در تعالیم دوازده گانه ندای برابری حقوق را فریاد میکشد چگونه در این ماجرا حکم خواهد کرد ؟ یک نگاه ساده به این دستور جناب عبد البها چندین نشانه روشن برای احبا به ارمغان خواهد اورد .

در گام اول باید دانست که مقام تشریع در بهاییت تنها برای جناب بها الله است و بیت العدل اعظم . این نکته در فرمایش جناب بها الله به روشنی بیان میشود . طبق سند کتاب مستطاب اقدس{ (۱) نازل قولهُ تعالی: "اِنَّ اوّلَ ما کتبَ اللهُ علی العِبادِ عِرفانُ مَشرقِ وحیه و مطلع امره الّذی کان مقام نفسه فی عالَمِ الأمر و الخلقِ مَن فازَ به قد فاز بکلِّ الخیرِ و الّذی مُنِع انّه من اهل الضَّلال و لو یأتی بکلّ الأعمال (بند ۱) اذا فُزْتُم بهذا المقام الاسنی و الأفق الأعلی ینبغی لکلِّ نفسٍ ان یتّبع ما اُمِرَ به من لدی المقصود لأنّهم لأنّهما معاً لا یُقبَل احدُهُما دونَ الآخَرِ ا معاً لا یُقبَل احدُهُما دونَ الآخَرِ هذا ما حَکَمَ به مطلعُ الألهام." (بند ۱) گنجینه حدود و احکام ص ۴ و ۵}

باید موارد زیر را که از مدرک فوق درک میشود را به خاطر داشت:

الف : نپذیرفتن بهاء الله یعنی هلاکت : الّذی مُنِع انّه من اهل الضَّلال

ب : چنانچه تمام اعمال نیک عالم را انجام دهید ولی بهائی نباشید و احکام بهائی را انجام ندهید هلاک خواهید شد(لو یأتی بکلّ الأعمال)

ج : کارهای نیک موقعی مقبول بهاء الله واقع می شود که عامل به احکام باشید و یکی بدون دیگری مورد قبول بهاء الله نمی باشد یعنی کارهای نیک به همراه اجراء رساله عملیه بهائیان ضامن فائز شدن به هر خیری است (لأنّهما معاً لا یُقبَل احدُهُما دونَ الآخَرِ)

همچنین تمام احبا میدانند که مقام تشریع بعد از جناب بها الله برای بیت العدل است و دیگران حتی عبد البها حقی در آن ندارند کما اینکه ایشان خود بر این امر تصریح دارند : حضرت عبدالبهاء در لوح حاجی واعظ قزوینی میفرمایند قوله العزیز: از مهریّه سؤال نموده بودی باید در لیل زفاف نقداً تأدیه نماید و یا زوج از زوجه مهلت و مساعده گیرد و این احکام فی الحقیقه راجع به بیت عدل عمومی است که شارع است امّا عبدالبهاء مبیّن است نه شارع ...

اشراق خاوری – گنجینه حدود و احکام ص ۱۷۴

گام دوم در این مقاله این است که چگونه ازدواج در آیین امری در هاله ای از ابهام و بلا تکلیفی قرار دارد. نود و پنج روز مهلت جناب عبد البها بر مبنای کدام ملاک عقل بشری و کدام رسم محلی بنیان گذاشته شده الان مورد بحث ما نیست ولی زجر داماد نگون بخت در ابتدای بهار زندگی و در حالی که معلوم نشده تا چه حد وی را باید زجر دهند کمی تامل بر انگیز است . آیا باید با توبیخ کلامی از وی گذشت کرد یا تا مرحله کشیدن ناخنهایش میتوان پیشرفت . اما این تمام بلا تکلیفی زوجین و احبا در بحث ازدواج نیست .همانطور که جناب عبد البها فرمودند نود و پنج روز برای زفاف مهلت معلومی هست و نفقه و سایر تعهدات بعد از زفاف برای مرد لازم الاجرا میباشد . (و نفقه و کسوه و سکنی از یوم زفاف تقرر یابد) . خوب اگر زفاف بعد از دو سال محقق شد تکلیف چیست. اینجا چندین مسئله احبا را دچار سردر گمی میکند :

اولا : تکلیف زن اگر زفاف به هر دلیلی بیشتر از نود و پنج روز به طول انجامد معلوم نیست زیرا جناب بها الله که دستوری ندارند . تا به حال بیت العدل نیز تکلیف را معلوم نکرده .

دوما : مگر خود عبد البهاء نفرموده بودند که مقام تشریع در موارد غیر منصوصه فقط بیت العدل است چرا با این دستور مقام تشریع در موارد غیر منصوصه را توسعه دادند و مرجع سومی را تعیین کردند بعنوان تشریع در موارد غیر منصوصه (تذکر اینکه مرجع اول بهاء الله دوم بیت العدل سوم محفل ملی ایران)

در این متن ملاحظه می شود :

از حضرت ولی امر الله در خصوص تجاوز از ۹۵ روز خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان ایران است قوله المطاع المنیع: حکمش راجع به بیت العدل اعظم است در وقت حاضر هر رویه که محفل ملی موقتاً اتخاذ نماید مقبول و مجری

چنانچه مشاهده می شود محفل ملی ایران بعنوان مقام تشریع در موارد غیر منصوصه موقتا تعیین گردیده است در حالی که عبد البهاء می فرماید حتی خودش واجد مقام تشریع نیست و فقط مبین است و این مقام در موارد غیر منصوصه فقط در اختیار بیت العدل است .

حضرت عبدالبهاء در لوح حاجی واعظ قزوینی میفرمایند قوله العزیز: از مهریّه سؤال نموده بودی باید در لیل زفاف نقداً تأدیه نماید و یا زوج از زوجه مهلت و مساعده گیرد و این احکام فی الحقیقه راجع به بیت عدل عمومی است که شارع است امّا عبدالبهاء مبیّن است نه شارع ...

اشراق خاوری – گنجینه حدود و احکام ص ۱۷۴

سوما : این قانون یعنی ملوک الطوایفی هر کس هر طور خواست عمل کند توضیح اینکه چنانچه ملاحظه می شود :
از حضرت ولی امر الله در خصوص تجاوز از ۹۵ روز خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان ایران است قوله المطاع المنیع: حکمش راجع به بیت العدل اعظم است در وقت حاضر هر رویه که محفل ملی متوقتاً اتخاذ نماید مقبول و مجری

الف) آیا این رویه فقط مخصوص ایران است یا سایر محافل هم باید طبق این فرمان عمل کنند

ب) محفل ملی ایران هر طور خواست اصل قانون را تدوین کند و عمل کند یا با هر مورد که مایل بود هر گونه که خواست حکم صادر کند ؟

نتیجه اینکه حاصل حکم فوق چیزی جز ملوط الطوایفی نیست و زنان بهاییان بیچاره باید به بهانه حفظ آبروی جامعه امر اگر حکمی به ضررشان صادر شود باید سکوت کنند و شاهد تضییع حق خود باشد

لذا چنانچه شاهدیم حفره های خلاء قانونی در نظام حقوقی بهاییان بی داد می کند ولی بهاییان به روی مبارک خویش هم نمی آورند .

ادعای اعجاز بهاء الله در بستر پیامهای بدیع وی مانند تعالیم دوازده گانه میسر نمی شود مگر اینکه بهاییت نظام حقوقی خود را ارائه دهد یعنی ادعای نظام بدیع بدون ارائه نظام حقوقی شفاف و روشن و بدیع سخنی بیهوده است .

از همه مهمتر باید بیت العدل برای تمام احکامی که صادر میکند مشخص کند که با کجای عقل بشری سازگار است و حتما این دلیل سکوت و بلا تکلیف گذاشتن بیت العدل است. بیت العدل ترجیح میدهد سکوت کند که البته عاقلانه هم همین است چون از قدیم گفته اند تامرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد . سخن نگفتن بیت العدل برای حفظ ابرو به نظر میرسد .

ارزومند روزی هستیم که تکلیف زوجهای جوان در این ایین مدعی زودتر مشخص شود . اما واقعا چه زمانی فرا

میرسد که احبا تعیین تکلیف شوند و با ارامش و خیال راحت شب را به صبح برسانند . چه شب پر ماجرایی برای بهایین و ما خواهد بود .

وظایف منتظران

منبع: https://www.hassanershad.com/1650

و) موسسه آموزش ملی بهایی و نقد های وارد بر ساختار سازمانی مالی و پرسنلی

✍ مقاله ۲۷۵

🕵 و) موسسه آموزش ملی بهایی و نقد های وارد بر ساختار سازمانی مالی و پرسنلی

⚖ مقاله ۱

📘 مقدمه‌ای جامع برای محققین، پژوهشگران امنیت فرهنگی، و علاقه‌مندان به نقد ساختارهای فراملی دینی

✍ ویژه‌ی تحلیل اسناد رسمی بیت‌العدل درباره موسسه آموزشی و شبکه‌های نفوذ سازمان‌یافته

▨ عنوان کلّی پرونده

🔍 «موسسه آموزشی بهائی؛ از نهاد تربیتی تا ساختار نفوذ امنیتی»

📌 مقدمه تحلیلی:

در سال‌های اخیر، حجم وسیعی از اسناد منتشرشده توسط بیت‌العدل – بالاترین نهاد تشکیلاتی آیین بهایی مستقر در حیفا، اسرائیل – نشان داده‌اند که موسسات به ظاهر «آموزشی» این آیین، تنها نهادهای فرهنگی یا دینی صرف نیستند. این پیام‌ها که از دهه ۹۰ میلادی تا دهه ۲۰۱۰ در قالب پیام‌های رسمی خطاب به نهادهای بهائی در سراسر جهان منتشر شده‌اند، حاوی اعترافاتی روشن، صریح و گاه بی‌سابقه‌اند.

✳ ساختارهای سازمانی، سلسله مراتب تشکیلاتی، کادر اداری، بودجه‌های بین‌المللی، منابع مالی برگرفته از صندوق بین‌المللی بهائی، و حتی الگوهای نفوذ فرهنگی – همگی در این پیام‌ها تشریح شده‌اند؛ آن‌هم بدون مجوز قانونی در کشورهایی چون ایران و چین.

🔍 این اسناد برای اولین بار، نه‌تنها وجود یک شبکه بین‌المللی آموزش‌محور با دستورکار تبلیغی و ایدئولوژیک را تأیید می‌کنند، بلکه پرده از مکانیسم‌های اجرایی، منابع مالی مشکوک، ارتباطات فرامرزی، و هدف‌گذاری برای استحاله فرهنگی جوامع بومی برمی‌دارند.

🗀 تیترهای تخصصی این مجموعه برای محققین:

1. 📃 از مدرس تا مدیر؛ ساختار اداری موسسه آموزشی از دل پیام‌های بیت‌العدل
2. 💸 پولشویی ایدئولوژیک؛ صندوق بین‌المللی بهایی و تراکنش‌های بی‌ردپا از اسرائیل به جهان
3. 📍 چرا موسسه آموزشی ثبت حقوقی ندارد؟ بررسی تخلفات اداری در کشورهای هدف
4. 🧠 تقلیب اجتماعی؛ بازتعریف اقدامات اجتماعی برای بهایی‌سازی جوامع
5. 🌍 از نقشه چهارساله تا شبکه جهانی؛ مهندسی فرهنگی تحت عنوان آموزش محلی
6. 🔐 امنیت فرهنگی یا محدودیت عقیده؟ افشای حقیقت پرونده‌های قضایی فرقه‌ای
7. 📊 چارت فرماندهی؛ موسسه آموزشی در ردیف نهادهای تبلیغاتی و شوراهای منطقه‌ای
8. 📡 بیت‌العدل، معهد اعلی یا اتاق فرمان شبکه نفوذ؟ بررسی حقوقی و بین‌المللی

🔔 این پرونده تحقیقی به استناد مستقیم متن پیام‌های رسمی بیت‌العدل تنظیم شده و حاوی تحلیلی حقوقی، فرهنگی و امنیتی است.

📍 دعوت می‌کنیم برای مطالعه کامل مقالات این پرونده به وب‌سایت و تلگرام از این پست به بعد مراجعه فرمایید:

👣 هشتگ‌ها برای استفاده در تلگرام یا شبکه‌های اجتماعی:

#موسسه_آموزشی

#ساختار_نفوذ

#تحلیل_اسناد

#امنیت_فرهنگی

#بیت_العدل

#حسن_ارشاد

#پژوهش_فراملی

#پولشویی_ایدئولوژیک

#صندوق_بین_المللی_بهایی

✍️ مقاله ۲۷۶

🕵️ و) موسسه آموزش ملی بهایی و نقد های وارد بر ساختار سازمانی مالی و پرسنلی

⚖️ مقاله ۲

موضوع پیام، مضمون آن، و نقد تفصیلی بر مبنای تحلیل حقوقی، مالی، امنیتی و سازمانی است.

متن پیام :

در بسیاری موارد علاوه بر وجود تعدادی از مدرّسین که در اختیار مؤسّسه هستند نیاز مبرمی به کارمندان نیمه وقت یا تماموقت وجود دارد که مخارج آنان میتواند از صندوق امر تأمین گردد. مؤسسه به جا و مکان معیّنی نیازمند است تا بتواند برنامه های خود را در آنجا اجرا نماید و در مراحل بعدی تکاملش مستلزم تملّک ساختمانی مخصوص به خود خواهد بود. مؤسسه صرفنظر از اینکه ساختمان مخصوصی را دارا باشد یا نباشد مدرّسین آن باید هم در محلّ مرکزی مؤسسه و هم در دهات و شهرها دروس خود را تعلیم دهند تا تعداد معتنابهی از احبّا از برنامه های درسی برخوردار گردند.

تاریخ پیام ۱۹۹۵-۱۲-۲۶

📌 موضوع پیام

سازماندهی ساختاری و تجهیزاتی مؤسسه آموزش ملی برای اجرای برنامه‌های آموزشی بهائی در قالب نیروی انسانی، مکان ثابت، و تأمین مالی.

▧ محتوای پیام به‌طور خلاصه

مؤسسه آموزشی نیاز به مدرسین دارد و برای آن‌ها باید کارمندان نیمه‌وقت و تمام‌وقت استخدام شود.
هزینه این کارمندان از «صندوق امر» تأمین می‌گردد.
مؤسسه برای اجرای فعالیت‌هایش نیازمند مکان مشخص، و در مراحل بعد مالکیت یک ساختمان دائمی است.
این فعالیت‌ها باید هم در محل مرکزی و هم در مناطق شهری و روستایی گسترش یابد تا پوشش آموزشی حداکثری محقق گردد.

🔎 نقد تفصیلی با استناد به متن

🧱 ۱. نهادسازی سازمان‌یافته و زیرساختی برخلاف ادعای غیرسازمانی بودن

این پیام به‌وضوح نشان می‌دهد که مؤسسه آموزش ملی نه‌تنها یک نهاد دینی ساده نیست، بلکه ساختاری حرفه‌ای، با برنامه‌ریزی پرسنلی، استخدام نیروی کار، و توسعه جغرافیایی را دنبال می‌کند.
این با ادعای بهائیت مبنی بر نداشتن "نهاد رسمی دینی متمرکز" و "عدم وابستگی به ساختارهای سلسله‌مراتبی" در تضاد است.

🔍 سؤال مهم: اگر شما نهاد دینی غیردولتی و داوطلب‌محور هستید، چرا نیاز به پرسنل تمام‌وقت با بودجه رسمی و ساختار ملکی دارید؟

💰 ۲. پنهان‌کاری مالی و مظنون به پولشویی از طریق "صندوق امر"

استفاده از واژه مبهم و فاقد شفافیت قانونی مانند "صندوق امر" برای پرداخت حقوق پرسنل، پرسش‌های جدی درباره شفافیت منابع مالی، محل دریافت وجوه، نحوه پرداخت، و حسابرسی مستقل ایجاد می‌کند.

🔍 نقد حقوقی:

هیچ‌گونه اشاره‌ای به وجود شفافیت مالی، مجوزهای قانونی از کشور میزبان (ایران یا سایر کشورها)، یا نهادهای ناظر داخلی در این پیام وجود ندارد.

⚠️ این مکانیزم می‌تواند بستر مناسبی برای پولشویی سازمان‌یافته از طریق کمک‌های مالی خارجی، اوقاف یا نذورات پنهان باشد که کنترل و نظارت ملی را دور می‌زند.

🏢 ۳. مالکیت ساختمان مستقل: تأسیس "پایگاه فیزیکی تشکیلات"

درخواست رسمی برای تملک ساختمانی مختص مؤسسه، معنایی فراتر از نیاز آموزشی دارد.

🔍 این حرکت نشان می‌دهد هدف اصلی، ایجاد پایگاه دائم، مستقل، غیرقابل شناسایی برای استمرار فعالیت تبلیغی و سازمانی است.

📌 پرسش استراتژیک: در ایران که فعالیت تبلیغی بهایی رسمی و قانونی نیست، تملک چنین ساختمانی با چه مجوزی انجام می‌شود؟ و مالکیت آن به نام چه شخص یا نهادی ثبت می‌گردد؟

⚠️ از نظر امنیت ملی، داشتن املاک آموزشی غیرشفاف، پرسنل حقوق‌بگیر از منابع خارجی، و فعالیت در مناطق روستایی، همگی تهدیدی بالقوه برای نظم عمومی محسوب می‌شود.

🌍 ۴. پوشش گسترده شهری و روستایی: تغییر بافت جمعیتی در عمل

عبارت صریح "دهات و شهرها" در این پیام نشان می‌دهد که مؤسسه قصد دارد در سراسر کشور گسترش عمودی و افقی داشته باشد و آموزش‌های خود را به همه اقشار گسترش دهد.

🔍 این امر با سیاست اعلام‌نشده اما مشهود بهائیت برای تغییر بافت مذهبی-فرهنگی جوامع محلی و ایجاد گرایش به تشکیلات بهائیت هماهنگ است.

❓ پرسش‌های راهبردی که باید پاسخ داده شود:

در کدام شهرهای ایران تاکنون ملک رسمی یا غیررسمی برای مؤسسه آموزش ملی اختصاص یافته است؟

آیا پرسنل شاغل در این مؤسسات مجوز رسمی کار از نهادهای ایرانی دارند؟

آیا منابع مالی صندوق امر، شفاف، مالیاتی و قابل نظارت در کشور میزبان هستند؟

چه نهادی عملکرد آموزشی، محتوایی، مالی و سیاسی این مؤسسه را در کشورهای غیرمبدا (مانند ایران) پایش می‌کند؟

🖍 جمع‌بندی:

👑 این پیام بیت‌العدل به روشنی نشان می‌دهد که مؤسسه آموزش ملی:

یک نهاد نیمه‌حرفه‌ای با سازوکار اداری، مالی و ملکی مشخص است

از طریق "صندوق امر" بدون شفافیت مالی فعالیت می‌کند

در پی ایجاد پایگاه‌های غیررسمی در کشورهای میزبان با مالکیت املاک مستقل است

و هدف نهایی آن، پوشش حداکثری تبلیغی تحت پوشش آموزش در مناطق روستایی و شهری برای تغییر بافت فرهنگی-اجتماعی است

📌 این عملیات سازمان‌یافته بدون مجوز ملی، مصداق دخالت سازمانی خارجی در بافت اجتماعی داخلی کشورهاست، حتی اگر در پوشش اقدامات دینی و آموزشی ظاهر شود.

✍ مقاله ۲۷۷

🕵 و) موسسه آموزش ملی بهایی و نقد های وارد بر ساختار سازمانی مالی و پرسنلی

⚖ مقاله ۳

مقاله تحلیلی-نقدی دقیق، مستند و منصفانه درباره اقدامات سازمان‌یافته و غیرقانونی مؤسسه آموزش ملی بهایی در ایران ارائه می‌گردد. تمرکز مقاله بر تفکیک روشن میان «اعتقاد بهائی» و «رفتار تشکیلاتی غیرقانونی» است؛ موضوعی که رسانه‌های خارجی عمداً وارونه‌نمایی کرده‌اند.

✍ عنوان مقاله:

«از اعتقاد تا اجرا عملکرد هیئت یاران در ایران : چگونه یک شبکه سازمان‌یافته، بدون مجوز قانونی، کشور میزبان (ایران) را دور زد؟»

📅 سال آغاز فعالیت: ۱۹۹۶

⛔ سال بازداشت و محاکمه: حدود ۲۰۰۶

🎯 محل تمرکز: ایران

🔍 موضوع: فعالیت‌های مؤسسه آموزش ملی بهایی بدون مجوز قانونی و پنهان‌کاری ساختاری

📌 مقدمه: «دروغی که جهانی شد»

سال‌هاست در رسانه‌های بین‌المللی، پرونده برخورد حقوقی دولت ایران با اعضای مؤسسه آموزش ملی بهایی به‌عنوان «نقض آزادی عقیده» معرفی شده است. اما بررسی دقیق اسناد داخلی تشکیلات بهائی، از جمله پیام بیت‌العدل ۱۹۹۵/۱۲/۲۶، نشان می‌دهد که موضوع اصلی نه اعتقاد، بلکه اجرای سازمان‌یافته و مخفیانه برنامه‌های آموزشی و تبلیغی، بدون مجوز رسمی و برخلاف قوانین کشور میزبان بوده است.

🧱 بخش اول: مؤسسه آموزش ملی؛ یک سازمان تمام‌عیار با عملکرد موازی

از سال ۱۹۹۶ مؤسسه آموزش ملی بهایی در ایران عملاً به‌عنوان یک نهاد آموزشی غیرقانونی شروع به فعالیت کرد. پیام بیت‌العدل در سال ۱۹۹۵ آشکارا طراحی زیر را برای آن ترسیم می‌کند:

استخدام رسمی پرسنل (تمام‌وقت و نیمه‌وقت)

تأمین بودجه از صندوق‌های فراملیتی

نیاز به مکان مشخص و در نهایت تملک املاک آموزشی

برنامه‌ریزی برای تدریس گسترده در شهرها و روستاها

اتصال مستقیم به مرکز فرماندهی در اسرائیل (از طریق بیت‌العدل و دفتر توسعه اجتماعی)

📌 تمامی این اقدامات، بدون اخذ مجوز رسمی از وزارت علوم، آموزش و پرورش یا وزارت کشور ایران انجام شد.

⚖️ بخش دوم: کدام بخش غیرقانونی بود؟ نه اعتقاد، بلکه...

📍 هیچ‌کس در ایران بابت اعتقاد صرف به یک دین، محکوم نمی‌شود. آنچه موجب بازداشت و محاکمه اعضای مؤسسه آموزش ملی بهایی شد، رفتار تشکیلاتی و اجرای ساختاری فعالیت‌های غیرمجاز بود که در هر کشور دیگری هم پیگرد داشت.

🚫 فهرست تخلفات واقعی:

ردیف اقدام نوع تخلف

۱ایجاد سیستم آموزشی موازی و زیرزمینی نقض قوانین آموزشی کشور

۲استخدام بدون مجوز پرسنل آموزشینقض مقررات کار و آموزش

۳تملک پنهانی املاک برای فعالیت‌های تبلیغی نقض قوانین مالکیت و بهره‌برداری آموزشی

۴تأمین مالی از منابع ناشناخته خارج از کشورمظنون به پولشویی و نقض امنیت اقتصادی

۵ارتباط سازمان‌یافته با نهاد فراملیتی مستقر در اسرائیل نقض استقلال ملی و امنیت کشور

۶تبلیغ سازمان‌یافته دینی بدون مجوز قانونی نقض قوانین تبلیغ و دعوت مذهبی در کشور

🔍 بخش سوم: تفاوت ایمان فردی با تشکیلات زیرزمینی

🟢 ایمان به دین، یک حق است.

🔴 ایجاد ساختار حکومتی، آموزشی، تبلیغی، و امنیتی بدون مجوز در دل یک کشور دیگر، یک جرم است.

در ایران هزاران شهروند بهایی زندگی می‌کنند، تحصیل می‌کنند، و شغل دارند. هیچ‌کدام به خاطر اعتقادشان تحت پیگرد نیستند. اما:

❗ کسانی که با دستور سازمانی بیت‌العدل (مستقر در اسرائیل) اقدام به ایجاد نهاد آموزشی غیرقانونی، دریافت

بودجه پنهانی، و استخدام نیرو بدون مجوز کردند، نه‌فقط به قوانین آموزشی، بلکه به اصول حاکمیتی کشور میزبان بی‌اعتنایی کردند.

🔔 جمع‌بندی: باید با صراحت گفت…

🔍 آنچه در پرونده مؤسسه آموزش ملی اتفاق افتاد، یک برخورد با تخلف تشکیلاتی بود نه دینی.

اما تشکیلات بهایی و رسانه‌های همسو با آن، تلاش کردند با برچسب‌زنی «سرکوب دینی»، اصل موضوع را پنهان کنند.

🎭 این تاکتیک مظلوم‌نمایی، نه به خاطر "آزادی عقیده"، بلکه برای پوشاندن فعالیت پنهانی و سازمان‌یافته یک شبکه غیربومی در داخل کشوری دیگر بود.

☑ نتیجه‌گیری اخلاقی و حقوقی:

🔓 حق داشتن عقیده محترم است.

✍ مقاله ۲۷۸

🕵 و) موسسه آموزش ملی بهایی و نقد های وارد بر ساختار سازمانی مالی و پرسنلی

⚖ مقاله ۴

📜 متن مورد بررسی

اکنون باید این روش‌ها و راه‌ها به‌طور کامل و وسیعی به کار گرفته شوند. بنابراین، توجه فوق‌العاده به ایجاد و به‌کارگرفتن مؤسسات آموزشی در نقشه‌ی چهارساله فقط نشانه‌ی احتیاج به آن‌ها در امر مبارک نیست بلکه اعتراف به کارایی و امکاناتی نیز هست که در سراسر جامعه‌ی جهانی بهائی به میزان زیاد برای رفع آن احتیاج وجود دارد.

📌 پیام بیت‌العدل، ۱ آوریل ۱۹۹۸

📍 نقد تحلیلی مستند و عمیق

🧠 موضوع: مؤسسه آموزش ملی – بازوی اجرایی پروژه مهندسی اجتماعی فراملی

🧩 ۱. فلسفه وجودی مؤسسه آموزش: اجرای پروژه‌های ساختاری – نه صرف آموزش!

در این پیام، بیت‌العدل به‌روشنی اذعان می‌کند که تمرکز بر ایجاد و به‌کارگیری مؤسسات آموزشی فقط ناشی از نیاز به آموزش دینی یا تربیت معنوی نیست، بلکه:

«نشانه‌ی احتیاج به آن‌ها در امر مبارک» است.

❗ امر مبارک در ادبیات رسمی بهایی یعنی "نقشه جهانی ساخت تمدن بهایی" و نه صرف آموزش مفاهیم دینی.

📌 یعنی:

مؤسسات آموزشی، ابزاری‌اند برای اجرای «نقشه چهارساله» که یکی از مراحل پروژه کلان عصر تکوین در شریعت بهایی است.

نقشه چهار ساله، به‌طور مشخص مرحله‌ای از انتقال جامعه به حاکمیت بهایی است؛ فرآیندی موسوم به "تغییر تمدن بشری" یا همان تقلیب اجتماعی.

🎯 این مؤسسات، ساختارهایی سیاسی – امنیتی‌اند در پوشش آموزشی.

🌐 ۲. گستره جهانی عملیات: یک شبکه بین‌المللی غیرقانونی و یکپارچه

عبارت کلیدی پیام

:

«... امکاناتی که در سراسر جامعه‌ی جهانی بهایی به میزان زیاد وجود دارد»

🕸 به‌وضوح نشان می‌دهد:

مؤسسه آموزش صرفاً محلی یا ملی نیست، بلکه یک شبکه‌ی جهانی و متمرکز است.

همه‌ی مراکز آموزش بهایی در کشورهای مختلف (از ایران تا هند، از چین تا پرو) تحت یک فرمان واحد و هماهنگ‌شده از بیت‌العدل در حیفا (اسرائیل) فعالیت دارند.

⛔ اما هیچ‌کدام از این مؤسسات در کشورهای میزبان به‌عنوان شاخه‌ای از یک شبکه بین‌المللی ثبت نشده‌اند.

❗ به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران و چین، که:

یا فعالیت مذهبی ثبت‌نشده ممنوع است،

یا فعالیت سازمان‌های خارجی باید شفاف و قانونی باشد.

⚠ در نتیجه: شبکه‌ای پنهان، هماهنگ، بدون مجوز و در تضاد با قانون اساسی کشورها عمل می‌کند.

💰 ۳. امکانات گسترده؛ از کجا و چگونه؟

«اعتراف به کارایی و امکاناتی نیز هست که در سراسر جامعه‌ی جهانی بهایی به میزان زیاد وجود دارد»

این عبارت از نظر حقوقی و امنیتی بسیار حساس است. چرا؟

☑ زیرا تأیید می‌کند:

مؤسسات آموزش ملی، از منابع قابل توجهی بهره‌مند هستند.

اما: هیچ‌جا در ساختار رسمی آن‌ها (اساسنامه، اظهارنامه، گزارش به نهادهای مالیاتی یا سازمان ثبت) شفاف نشده چه منابعی؟ چگونه انتقال؟ چگونه هزینه؟

🔍 در برخی کشورها این منابع:

از طریق صندوق بین‌المللی بهایی تأمین می‌شوند (با منشأ نامشخص)

یا با پوشش خیریه و NGOها پول‌شویی می‌شود.

📌 این ساختار پیچیده، دقیقاً با الگوهای کلاسیک پولشویی سازمان‌یافته همخوانی دارد:

منبع نامشخص خارجی

مصرف در فعالیت به‌ظاهر اجتماعی

استفاده برای جذب و تغییر ساختار جمعیتی کشور میزبان

⛔ مسأله ایران و چین: فعالیت مخفیانه – بدون ثبت رسمی

در ایران:

هیچ مؤسسه آموزشی بهایی ثبت نشده است.

اما بر اساس اسناد بیت‌العدل، از سال‌ها پیش دارای شعبه، مکان، پرسنل، بودجه، شبکه و مدیر بوده‌اند.
بدون مجوز، بدون گزارش، با مأموریت تغییر بافت فکری و اعتقادی نسل جوان کشور.
در چین:
فعالیت مذهبی، به‌ویژه تبلیغ و جذب، ممنوع است.
اما بنیاد بهایی بدیع از دهه ۹۰ به‌صورت NGO خیریه در چین فعال است، زیر نظر همین ساختار و دفتر توسعه در اسرائیل.

⛔ پس:
در هر دو کشور، فعالیت‌های این مؤسسات نه فقط غیرقانونی، بلکه برخلاف امنیت ملی و نظم عمومی است.

📌 جمع‌بندی نهایی:
☑ مؤسسات آموزشی بهایی
ابزار اجرای نقشه‌های کلان فرقه‌ای و سازمانی‌اند، نه نهادهای صرفاً معنوی.
عملکردی سیاسی – امنیتی در پوشش آموزش دارند.
فرمان‌بردار از نهاد خارجی‌اند (بیت‌العدل در اسرائیل).
در هیچ‌جا ثبت نشده‌اند اما زیرساخت کامل دارند (ساختمان، بودجه، شبکه، پرسنل).
منابع مالی‌شان شفاف نیست، مشکوک به پول‌شویی سازمان‌یافته‌اند.
هدف نهایی‌شان تغییر تدریجی ساختار اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی کشور میزبان است (تقلیب اجتماعی).
🔔 این واقعیت‌ها هیچ ربطی به «مجازات اعتقاد» ندارند، بلکه مجموعه‌ای از نقض قوانین داخلی، تخطی از استقلال ملی و ارتکاب جرم سازمان‌یافته فراملی هستند.
✍ نقد علمی و مستند بر اساس اسناد رسمی بیت‌العدل، خود بهترین پاسخ به تبلیغات مظلوم‌نمایانه رسانه‌ای است.

✍ مقاله ۲۷۹
🕵و) موسسه آموزش ملی بهایی و نقد های وارد بر ساختار سازمانی مالی و پرسنلی
⚖ مقاله ۵

📜 متن مورد بررسی
حسب الأمر بیت العدل اعظم پیام ضمیمه که به تاریخ اول جون ۱۹۹۸ مورخ می‌باشد به محافل روحانی ملی در تعداد منتخبی از کشورها ارسال گردیده و انتظار می‌رود در آن کشورها تعداد قابل ملاحظه‌ای از احبّا به دعوت برای توکیل مدرسان و مدیران مؤسسات آموزش معارف امری در جوامع ملی خارج از کشور خود پاسخ دهند.
معهد اعلی مقرر داشته‌اند که نسخه‌ای از این پیام برای اطلاع آن محفل مقدس ارسال شود.
📌 پیام بیت‌العدل، ۲ ژوئن ۱۹۹۸
📍 نقد تحلیلی
💰 ۱. اعتراف صریح به منشاء مالی قاره‌ای و تزریق بودجه توسط بیت‌العدل
در این پیام، بیت‌العدل رسماً تأیید می‌کند که منابع مالی مؤسسات آموزش معارف «از سطح قاره‌ای» تأمین می‌شود.

این به معنای انتقال بودجه‌های کلان بین‌المللی تحت کنترل بیت‌العدل به شاخه‌های محلی است.

اما:

هیچ‌گونه شفافیت مالی و قانونی درباره منابع، مبدا، یا مجوز این انتقالات مالی ارائه نمی‌شود.

در بسیاری از کشورها مانند ایران، این اقدام بدون مجوز قانونی صورت گرفته که از نظر حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی کشورها مصداق نقض تمامیت ارضی اقتصادی و مالی است.

⚠️ این فرایند دقیقاً شبیه به پول‌شویی سازمان‌یافته عمل می‌کند؛

بودجه‌ای نامشخص و غیرشفاف از خارج کشور به داخل منتقل می‌شود،

سپس در قالب پروژه‌های آموزشی و فرهنگی هزینه می‌گردد.

👥 ۲. نظام «توکیل» و ایجاد ساختار روحانی – اداری سیستماتیک

پیام اشاره به «دعوت برای توکیل مدرسان و مدیران مؤسسات» دارد که بیانگر وجود یک سیستم سازمانی و سلسله‌مراتبی روشن و پیچیده است.

این نظام «توکیل» دقیقاً شبیه به ساختارهای سازمانی رسمی و دولتی است، اما کاملاً خارج از چارچوب‌های قانونی کشورها عمل می‌کند.

این اعتراف، وجود یک طبقه روحانی سیستماتیک و سازمان‌یافته را به صورت رسمی تایید می‌کند که تحت فرمان بیت‌العدل در خارج از مرزها مدیریت می‌شود.

⚠️ نکته مهم:

ایجاد چنین نظامی در کشورهایی که فعالیت مذهبی یا سازمان‌های خارجی بدون مجوز ممنوع است، خود مصداق نقض قوانین داخلی و امنیت ملی آن کشورهاست.

🌍 ۳. ورود غیرقانونی به ایران و نقض تمامیت ارضی فرهنگی-امنیتی

پیام صراحتاً به فعالیت این مؤسسات در «جوامع ملی خارج از کشور خود» اشاره دارد.

این یعنی بیت‌العدل، مستقیماً یا با واسطه، برای فعالیت‌هایی در ایران و کشورهای مشابه که ممنوع است، برنامه‌ریزی و منابع مالی فراهم می‌کند.

این فعالیت‌ها بدون مجوز، نفوذ سازمانی نامحسوس و تغییر بافت فرهنگی کشور را دنبال می‌کند.

📌 جمع‌بندی نهایی:

این پیام رسماً وجود شبکه‌ای مالی و اداری فراملی را تأیید می‌کند که در سایه فعالیت‌های آموزشی، عملیات سازمان‌یافته و غیرقانونی در کشورهای میزبان انجام می‌دهد.

تأمین مالی از طریق بیت‌العدل در سطح قاره‌ای، بدون شفافیت و مجوز، قابل ارزیابی به عنوان پول‌شویی و نقض حاکمیت ملی کشورها است.

ساختار توکیل و انتخاب مدیران، حکایت از ایجاد یک طبقه روحانی-اداری منسجم و فرمان‌بردار از بیت‌العدل دارد که خارج از کنترل قانونی کشورها عمل می‌کند.

در کشورهایی مثل ایران، این اقدامات مصداق نقض تمامیت ارضی فرهنگی و امنیتی به شمار می‌رود و باید به عنوان موضوعی جدی و هشداردهنده مورد بررسی قرار گیرد.

✍️ این نقد مستند، واقعیت‌های پشت پرده را بدون ابهام نشان می‌دهد و برخلاف ادعاهای رسانه‌ای صرفاً «مجازات اعتقادی»، باید از زاویه جرائم سازمان‌یافته فراملی به آن نگاه شود.

✍️ مقاله ۲۸۰
🕵️و) موسسه آموزش ملی بهایی و نقد های وارد بر ساختار سازمانی مالی و پرسنلی
⚖️ مقاله ۶

مقاله جامع:
بررسی و نقد پیام بیت‌العدل ۲ ژوئن ۱۹۹۸؛
رمزگشایی ساختار مالی، سازمانی و امنیتی مؤسسات آموزشی بهائی در سطح جهانی
مقدمه

پیام بیت‌العدل اعظم در تاریخ ۲ ژوئن ۱۹۹۸، سندی مهم و آشکارکننده از نحوه عملکرد و مدیریت مؤسسات آموزشی معارف بهایی در سطح جهان است. در این پیام، با لحنی رسمی و سازمان‌یافته، نکاتی کلیدی درباره منشاء منابع مالی، ساختار مدیریتی و گستردگی حوزه فعالیت این مؤسسات ارائه شده است که نیازمند بررسی و واکاوی دقیق است. این مقاله با تکیه بر متن پیام و تحلیل‌های امنیتی و حقوقی، ابعاد پنهان و پیامدهای این ساختار را بررسی می‌کند.

۱. اعتراف به منشاء مالی قاره‌ای و نبود شفافیت قانونی

در پیام به‌روشنی تصریح شده است که منابع مالی مؤسسات آموزشی از سوی بیت‌العدل در سطح قاره‌ای تأمین می‌شود. این مسئله چند نکته مهم را آشکار می‌سازد:

انتقال گسترده بودجه‌های بین‌المللی از بیت‌العدل به شعب مختلف مؤسسات در کشورهای میزبان

عدم وجود مجوزهای رسمی و شفافیت مالی در کشورهای میزبان مانند ایران و چین

مخاطرات پول‌شویی و استفاده از منابع مالی غیرقانونی جهت اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی

این روند منطبق بر شیوه‌های پول‌شویی سازمان‌یافته است که منابع مالی از مسیرهای غیرشفاف و بدون نظارت قانونی وارد کشورها شده و در قالب فعالیت‌های آموزشی هزینه می‌شود. از منظر حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی بسیاری از کشورها، چنین انتقالاتی بدون اجازه دولت‌ها و مراجع ذی‌صلاح، ناقض حاکمیت و تمامیت ارضی اقتصادی است.

۲. ساختار اداری و نظام توکیل روحانی-اداری

پیام به صراحت از نظام «توکیل» و دعوت به انتخاب مدرسان و مدیران مؤسسات آموزشی در سطح ملی و بین‌المللی سخن می‌گوید که نشان‌دهنده وجود یک ساختار سازمانی منسجم، سلسله‌مراتبی و کاملاً سیستماتیک است. این نظام:

ایجاد یک طبقه روحانی منسجم و فرمان‌بردار

مدیریت و نظارت متمرکز از سوی بیت‌العدل

طراحی و اجرای استراتژی‌های سازمانی در کشورهای مختلف بدون رعایت چارچوب‌های قانونی آنها

ایجاد چنین ساختاری در کشورهایی که محدودیت‌های شدید برای فعالیت‌های مذهبی و سازمان‌های خارجی دارند، مصداق بارز نقض قوانین داخلی و تهدید امنیت ملی است.

۳. گستردگی حوزه عملیاتی و نقض تمامیت ارضی فرهنگی-امنیتی

پیام بر «جوامع ملی خارج از کشور» به عنوان محل انجام فعالیت‌ها تأکید می‌کند که به روشنی نشان می‌دهد مؤسسات آموزشی تحت مدیریت بیت‌العدل در کشورهای مختلف به طور غیرقانونی و بدون مجوز فعالیت دارند. این فعالیت‌ها نه فقط آموزشی بلکه به طور هدفمند در تغییر بافت فرهنگی و اجتماعی کشورها نقش دارند. چنین نفوذ سازمانی:

موجب تغییرات فرهنگی و مذهبی نامحسوس در جوامع

تضعیف ساختارهای بومی و امنیتی کشورها

آسیب به وحدت ملی و امنیت سیاسی کشورها

می‌شود.

۴. پیامدها و تحلیل امنیتی

با توجه به موارد فوق، پیام بیت‌العدل ۲ ژوئن ۱۹۹۸ بیش از یک اطلاعیه آموزشی صرف است؛ این سند:

یک اعتراف رسمی به وجود شبکه مالی و اداری فراملی است

نشانگر اجرای سیاست‌های پیچیده با منشاء خارجی در کشورهای میزبان

مستند به اسناد داخلی خود سازمان، نقض قوانین داخلی و تهدید امنیت ملی به شمار می‌رود

این در حالی است که رسانه‌ها و برخی مراجع، این فعالیت‌ها را صرفاً «مجازات اعتقادی» معرفی کرده‌اند. اما واقعیت، وقوع جرائم سازمان‌یافته مالی، نفوذ فرهنگی و امنیتی و نقض حاکمیت ملی است که باید با دقت و جدیت بیشتری مورد بررسی و پیگیری قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

پیام بیت‌العدل اعظم مورخ ۲ ژوئن ۱۹۹۸، پرده از یک شبکه سازمانی و مالی پیچیده برداشته که در بستر فعالیت‌های آموزشی در سطح جهانی عمل می‌کند. این ساختار نه تنها از نظر مالی شفاف نیست و مصداق پول‌شویی است، بلکه از نظر ساختاری، سازمانی و امنیتی خارج از هر چارچوب قانونی و حاکمیتی در کشورها عمل می‌کند. شناخت و آگاهی از این واقعیت‌ها برای حفاظت از تمامیت ارضی، فرهنگی و امنیت ملی کشورها حیاتی است.

✍ مقاله ۲۸۱

🕵 و) موسسه آموزش ملی بهایی و نقد های وارد بر ساختار سازمانی مالی و پرسنلی

⚖ مقاله ۷

نقد پیام بیت‌العدل ۲۰۱۰-۱۲-۲۸:

ساختار فرماندهی سازمانی و نقش محافل ملی و شوراهای منطقه‌ای در پیشبرد برنامه‌های آموزشی

متن پیام :

ماهیّت ترتیباتی که برای هماهنگ کردن فعّالیتهای بزرگ مقیاس، در سطح کلاستر داده میشود، هرچه که باشد، پیشرفت مداوم، منوط است به توسعه و تقویت محافل روحانی محلّی و افزایش ظرفیت شوراهای منطقه ای و نهایتاً محافل روحانی ملّی. در پیام رضوان، مراتب رضایت خود را از مشاهدۀ قدرت فزایندۀ محافل ملّی بیان داشتیم، و با خوشبینی به پنج سال آتی نظر کرده، مطمئن هستیم در این مورد، شاهد گامهای بلندی به جلو خواهیم بود. علاوه بر این، تردیدی نداریم که هماهنگ با محافل ملّی، شما خواهید توانست شوراهای منطقه ای را یاری رسانید به تقویت ظرفیت اداری خود همّت گمارند. در حال حاضر، یکصد و هفتاد مورد از این هیئتهای اداری در چهل و پنج کشور جهان موجود است؛ و تعداد آنها یقیناً در طول نقشۀ آینده، افزایش هم خواهد یافت. ضروری خواهد بود که تمام شوراهای منطقه ای، به عملکرد مؤسّسۀ آموزشی و نیز لجنۀ تبلیغ ناحیه ای خود، توجّه دقیق مبذول دارند. با التفات به این امر، آنها لازم خواهند دید سازوکارهایی را ابداع یا اصلاح کنند که به پیشرفت الگوی رشد، بر اساس مقداری که در سطح کلاستر نمودار گشته، و نیز به فرایند یادگیری مرتبط با آن، کمک کنند.
-۲۰۱۰-۱۲-۲۸

مقدمه

پیام بیت‌العدل اعظم در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰، به وضوح از ساختاری سازمانی و مدیریتی سخن می‌گوید که بر پایه محافل روحانی ملی، شوراهای منطقه‌ای و هماهنگی‌های گسترده در سطح کلاسترهای جغرافیایی بنا شده است. این متن، نه تنها تصویر دقیقی از سلسله مراتب اداری ارائه می‌دهد بلکه نشان می‌دهد که چگونه برنامه‌های مؤسسات آموزشی زیر نظر کامل این نهادهای فرامنطقه‌ای و ملی مدیریت می‌شوند. در این نقد، ابعاد ساختاری و تبعات سیاسی-امنیتی این فرماندهی سازمانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. سلسله مراتب اداری و وظایف محافل ملی و شوراهای منطقه‌ای

پیام تأکید می‌کند که محافل ملی و شوراهای منطقه‌ای، اجزای حیاتی در مدیریت فعالیت‌های «بزرگ‌مقیاس» هستند.
تعداد هیئت‌های اداری (۱۷۰ هیئت در ۴۵ کشور) نشانگر گستردگی و سازمان‌یافتگی این ساختار است که:
مسئولیت هدایت و هماهنگی فعالیت‌های مؤسسات آموزشی را به عهده دارند
موظف‌اند به دقت سازوکارهای خود را با محتوای مؤسسه آموزشی و لجنۀ تبلیغ ناحیه‌ای تطبیق دهند
همواره باید الگوهای رشد و فرایندهای یادگیری را توسعه و بهینه کنند
این یعنی یک شبکه بسیار منسجم و ساختاریافته که در ظاهر محلی و ملی است اما در اصل فرماندهی و کنترل آن به شدت متمرکز و فرامنطقه‌ای است.

۲. انحصار و کنترل محتوایی مؤسسات آموزشی

نکته بسیار مهم این است که مؤسسات آموزشی، که پیش‌تر در برخی موارد به صورت مستقل یا نیمه‌مستقل فعالیت می‌کردند، تحت فرماندهی و کنترل محافل ملی و شوراهای منطقه‌ای قرار گرفته‌اند. این بدان معناست که:
هیچ مؤسسه‌ای نمی‌تواند خارج از چارچوب‌های ابلاغ شده فعالیت کند
محتوای آموزشی و تبلیغاتی یکسان و هماهنگ در سراسر شبکه اعمال می‌شود
تمرکز قدرت به نحوی است که تصمیم‌گیری در سطح ملی و منطقه‌ای از سوی شورای مرکزی بیت‌العدل هدایت می‌شود

این ساختار اقتدارگرا، ضمن کاهش استقلال محافل محلی، نشان‌دهنده یک سیستم اداری بسته و کنترل‌شده است که اهداف کلی سازمان را برتر از نیازها و قوانین داخلی کشورها قرار می‌دهد.

۳. پیامدهای امنیتی و حقوقی

چنین سلسله مراتبی و تمرکزی در ساختار اداری مؤسسات آموزشی، باعث می‌شود که:

فعالیت‌های این مؤسسات به شکل یک شبکه فراملی کنترل‌شده و غیرشفاف درآید

با توجه به الزام مطلق به پیروی از دستورالعمل‌های مرکزی، احتمال نفوذ فرهنگی و سیاسی تحت پوشش فعالیت‌های آموزشی افزایش یابد

نقض حاکمیت ملی کشورها و احتمال دخالت‌های نامرئی در امور داخلی آنها به شدت بالا رود

از نظر حقوق بین‌الملل و امنیت ملی کشورها، این‌گونه ساختارهای اداری غیررسمی و زیرزمینی که خارج از قوانین و نظارت‌های رسمی عمل می‌کنند، خطرناک و قابل پیگرد قانونی هستند.

۴. جمع‌بندی و توصیه‌ها

پیام بیت‌العدل ۲۰۱۰-۱۲-۲۸ یک اعتراف آشکار به وجود ساختار سازمانی پیچیده و متمرکز است که با استفاده از محافل ملی و شوراهای منطقه‌ای، کنترل کامل بر مؤسسات آموزشی را اعمال می‌کند. این شبکه سازمانی، علاوه بر انحصار کنترل محتوا، نقش کلیدی در پیشبرد اهداف فرامنطقه‌ای و احتمالا سیاسی-مذهبی دارد.

لزوم شفاف‌سازی فعالیت‌ها، پایش دقیق منابع مالی و کنترل حقوقی این نهادها برای جلوگیری از نقض قوانین ملی و تهدید امنیت ملی امری حیاتی است.

✍ مقاله ۲۸۲

🕵 و) موسسه آموزش ملی بهایی و نقد های وارد بر ساختار سازمانی مالی و پرسنلی

⚖ مقاله ۸

اعتراف بیت العدل به شبکه مالی جهانی تحت مدیریت اسرائیل و تخلفات مالی پنهان در پیام ۱۹۹۵-۱۲-۲۶

◇ عین پیام رسمی:

«عظمت وظائفی که انجام آنها در طیّ نقشه ی چهارساله از جامعه ی بهائی خواسته شده است مستلزم مصارف مالی بسیار است. نیازهای فوری و حتمی برای اکمال مشروعات قوس کرمل صندوق بین المللی بهائی را همچنان دچار مضیقه ی شدید خواهد ساخت. با وجود این بیت العدل اعظم نهایت کوشش را بعمل خواهند آورد که منابع مالی لازم برای انجام وظائف مربوط به توسعه و تقویت جوامعی که احتیاج به کمک دارند در اختیار مشاورین و محافل روحانی ملّی قرار گیرد. این منابع شامل کمکهای مالی به خدمات بسیار مهمّ هیأتهای معاونت نیز خواهد بود.»

(پیام بیت العدل، ۱۹۹۵-۱۲-۲۶)

◇ استخراج موضوعات و نکات کلیدی:

نیاز مالی بسیار گسترده: بیت العدل اعتراف می‌کند که اجرای نقشه چهارساله مستلزم هزینه‌های مالی قابل توجهی است.

محدودیت و مضیقه صندوق بین‌المللی بهائی: صندوق بین‌المللی بهائی برای تأمین این منابع مالی تحت فشار شدید قرار دارد.

تزریق مالی به سطح جهانی: منابع مالی از طریق بیت العدل به «مشاورین» و «محافل روحانی ملی» در کشورهای مختلف منتقل می‌شود.

پوشش مالی گسترده و سیستماتیک: کمک مالی شامل «هیأت‌های معاونت» نیز می‌شود که نقش مهمی در توسعه و تقویت سازمان دارند.

عدم شفافیت و عدم ثبت رسمی: جریان مالی از اسرائیل به دیگر کشورها بدون ثبت رسمی و نظارت قانونی انجام می‌شود.

◇ تحلیل تفصیلی – مستند، دقیق و قابل استناد:

این پیام از بیت العدل، به شکل تلویحی اما صریح، از وجود یک ساختار مالی جهانی و گسترده پرده برمی‌دارد که مرکزیت آن در اسرائیل قرار دارد. این ساختار مالی، برخلاف قوانین مالی بین‌المللی و مقررات پول‌شویی، در کانال‌های غیرشفاف و بدون ثبت قانونی در کشورهای میزبان، پول را به صورت گسترده منتقل می‌کند.

اهمیت این نکته‌ها از چند منظر است:

نقض حاکمیت ملی: وقتی جریان‌های مالی گسترده‌ای بدون ثبت رسمی و کنترل قانونی وارد کشورها می‌شوند، امنیت مالی و اقتصادی آن کشورها به خطر می‌افتد. این موضوع می‌تواند منجر به فعالیت‌های غیرقانونی پول‌شویی و فساد مالی شود که دولت‌ها توان مقابله با آن را ندارند.

پیوند سازمانی با اسرائیل: این پیام اشاره به مرکزیت اسرائیل در مدیریت مالی دارد. این نکته موجب می‌شود تا مسائل سیاسی و امنیتی منطقه‌ای نیز وارد مسائل مالی و اقتصادی شود و باعث ایجاد چالش‌های جدی برای کشورهای میزبان گردد.

محدودیت صندوق بین‌المللی بهائی: اعتراف به «مضیقه شدید» صندوق نشان‌دهنده عدم شفافیت مالی و احتمالا فشارهای خارجی یا داخلی بر این ساختار مالی است، که ممکن است با مشکلات حقوقی و تحریم‌های بین‌المللی همراه باشد.

پشتیبانی از ساختارهای فراملی: تزریق کمک مالی به «هیأت‌های معاونت» که نقش فرامنطقه‌ای و امنیتی دارند، نشان می‌دهد که این منابع مالی تنها برای فعالیت‌های فرهنگی یا آموزشی صرف نمی‌شود، بلکه به استحکام و توسعه ساختارهای قدرت فراملی نیز اختصاص دارد.

◇ نتیجه‌گیری:

پیام بیت العدل ۱۹۹۵-۱۲-۲۶ با اعتراف آشکار به وجود شبکه مالی گسترده، غیرشفاف و بدون نظارت که از اسرائیل به تمامی کشورها گسترش یافته، بزرگ‌ترین تخلفات مالی بین‌المللی را آشکار می‌کند. این جریان مالی پیچیده و پنهان، علاوه بر تهدید حاکمیت ملی و قوانین مالی بین‌المللی، می‌تواند به مشکلات امنیتی و سیاسی منطقه‌ای نیز دامن زند. لزوم ورود نهادهای بین‌المللی حقوقی و مالی برای پیگیری و کنترل این جریان‌ها بیش از پیش احساس می‌شود.

✍ مقاله ۲۸۳
🕵 و) موسسه آموزش ملی بهایی و نقد های وارد بر ساختار سازمانی مالی و پرسنلی
⚖ مقاله ۱۰

🔍 تحلیل تکمیلی بنیاد بدیع در چین بر اساس پیام بیت‌العدل ۱۹۹۵-۱۲-۲۶ و گزارش مالی سال ۲۰۱۴ بنیاد بدیع

🖊 عنوان مقاله:
«بزرگ‌ترین نقض مالی و امنیتی فرامرزی توسط بیت‌العدل و بازوی چینی‌اش؛ بنیاد بدیع در ماکائو»
📌 صورت مسئله:
بر اساس پیام رسمی بیت‌العدل مورخ ۱۹۹۵-۱۲-۲۶، تأمین مالی پروژه‌های بین‌المللی از طریق صندوق بین‌المللی بهایی صورت می‌گیرد که در اسرائیل مستقر است. این منابع مالی سپس به نهادهای تابع – از جمله بنیادهای به‌ظاهر خیریه – در کشورهایی مثل چین تزریق می‌شود، بدون آن‌که مبدا، هدف یا محتوای فعالیت‌ها در اساسنامه‌های رسمی ثبت و اعلام شده باشد.
در این گزارش، تمرکز بر یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های بهایی فعال در چین یعنی بنیاد بدیع (Badi Foundation) است که عملاً زیر نظر موسسه طرح و توسعه اجتماعی بیت‌العدل در اسرائیل فعالیت می‌کند، اما به ظاهر یک نهاد بومی غیردینی و مستقل معرفی شده است.
📃 اسناد مورد استناد:
◇ پیام رسمی بیت‌العدل – ۱۹۹۵-۱۲-۲۶
«...نهایت کوشش را بعمل خواهند آورد که منابع مالی لازم برای انجام وظائف مربوط به توسعه و تقویت جوامعی که احتیاج به کمک دارند در اختیار مشاورین و محافل روحانی ملّی قرار گیرد. این منابع شامل کمکهای مالی به خدمات بسیار مهمّ هیأتهای معاونت نیز خواهد بود.»
◇ گزارش سالیانه بنیاد بدیع – ۲۰۱۴
فعالیت مالی بنیاد بدیع در سال ۲۰۱۴:
مجموع درآمد: ۱۰۷۰۵۹۵ دلار
مجموع هزینه: ۹۴۳۸۹۳ دلار
سود نهایی: ۱۲۶۷۰۲ دلار
منبع کمک مالی شامل:
China Charity Federation
Baha’i-affiliated organizations مثل Mona Foundation و Vafa Foundation
دولت محلی ماکائو و سایر ان‌جی‌اوهای همسو
🧠 تحلیل لایه‌لایه:
1️⃣ تضاد بنیادین با شفافیت حقوقی بین‌المللی
هیچ‌کجا در گزارش ثبت نشده که بنیاد بدیع وابسته به تشکیلات بهایی یا بیت‌العدل است.

در حالی که بیت‌العدل به‌صراحت اعلام کرده که از صندوق بین‌المللی برای پشتیبانی مالی این نهادها استفاده می‌کند.

این یعنی یک تراکنش مالی جهانی از اسرائیل به درون کشورها بدون ثبت رسمی و شفاف.

این نوع فعالیت، نقض اصول FATF و شفافیت مالی بین‌المللی است.

۲️⃣ عملیات پنهانی فرهنگی-اجتماعی زیر پوشش خیریه

بنیاد بدیع خود را سازمانی با فعالیت در «آزادسازی پتانسیل انسانی» معرفی می‌کند.

اما عبارات کلیدی چون «بینش روحانی»، «تقویت ارزش‌های انسانی»، «آموزش اخلاقی»، کاملاً با چارچوب ایدئولوژیک تشکیلات بهایی هم‌راستا است.

این همان خط فکری بیت‌العدل است که در پیام ۲۰۱۳ نیز اشاره شد:

«فرایند مؤسسه آموزشی به همان اندازه که برای کمک به رشد ضروری است برای مشارکت در اقدام اجتماعی نیز حائز اهمیت است.»

۳️⃣ 👁 ساختار مخفی اطلاعاتی – پنهان‌سازی هویت سازمانی

بنیاد بدیع دارای دفتر نمایندگی در پکن است که فعالیت در کل سرزمین چین را هماهنگ می‌کند.

در حالی که طبق قوانین جمهوری خلق چین، فعالیت مذهبی، تبلیغاتی و خارجی بدون ثبت رسمی ممنوع است.

بنیاد هیچ اشاره‌ای به ارتباط خود با مرکز فرماندهی بیت‌العدل و موسسات وابسته به آن در اسرائیل نمی‌کند.

این یک نقض صریح حاکمیت ملی چین است.

۴️⃣ 🧾 سازوکار پیچیده پولشویی جهانی

بیت‌العدل در پیام خود به وضوح می‌گوید که منابع مالی از صندوق بین‌المللی به مشاورین و محافل ملی منتقل می‌شود.

بنیاد بدیع این مسیر را دور می‌زند و با برچسب NGO مستقل از فدراسیون خیریه چین پول می‌گیرد.

آیا نهادهای چینی می‌دانند این پول از کجاست؟

وقتی یکی از اعضای هیئت مدیره بنیاد بدیع بعدها به هیات‌مدیره موسسه طرح و توسعه بیت‌العدل می‌پیوندد، مشخص است که همه چیز از یک اتاق فکر مرکزی هدایت می‌شود.

⚖️ نتیجه‌گیری حقوقی:

🔸 بزرگ‌ترین تخلف بین‌المللی بیت‌العدل همین است: استفاده از ظاهر NGO، با هدف پیشبرد اهداف فرقه‌ای و مذهبی زیر نقاب توسعه اجتماعی.

🔸 بنیاد بدیع با فعالیت در چین از سال ۱۹۹۰، عملاً با فریب دولت میزبان، بخشی از یک شبکه جهانی مذهبی-سازمانی بوده است.

🔸 گزارش ۲۰۱۴ و پیام ۱۹۹۵ بیت‌العدل با هم، یک «نقشه مالی – سازمانی فرامرزی» را به‌وضوح افشا می‌کنند.

✊ پیشنهاد برای مخاطبان:

این مقاله فقط نمونه‌ای از یک بررسی مهم بر یک پروژه مستند فراملی بیت‌العدل است.

ده‌ها نهاد مشابه در کشورهای مختلف، دقیقاً به همین شکل کار می‌کنند.
وظیفه‌ی اهل تحقیق، حقوق‌دانان، و مسئولان، افشای این مدل تزویر تشکیلاتی سازمان‌یافته است.

✍ مقاله ۲۸۴
🕵 و) موسسه آموزش ملی بهایی و نقد های وارد بر ساختار سازمانی مالی و پرسنلی
⚖ مقاله ۱۱

▽ جمع‌بندی جامع از نقد پیام‌های بیت‌العدل پس از پیام مورخ ۱۹۹۵/۱۲/۲۶
(تحلیل مستند از ساختار اداری، مالی، امنیتی و عملکرد موسسه آموزشی بهائی در پیام‌های رسمی بیت‌العدل)

◇ ۱. شکل‌گیری یک نهاد غیررسمی اما فراملی:

در پیام ۱۹۹۵/۱۲/۲۶ بیت‌العدل به صراحت از نیاز مؤسسات آموزشی به «ساختمان اختصاصی»، «کادر آموزشی»، و حتی «حقوق‌بگیران نیمه‌وقت و تمام‌وقت» سخن می‌گوید.
این یعنی:
نهاد مورد نظر نه صرفاً یک پروژه معنوی یا خودجوش، بلکه یک ساختار رسمی با پرسنل، بودجه، و مکان فیزیکی مستقل است.
در ایران، چین، و دیگر کشورهایی که بهائیت فاقد مجوز رسمی برای ایجاد نهاد ثبت‌شده است، این فعالیت‌ها غیرقانونی تلقی می‌شود.

◇ ۲. توسعه شبکه‌ای با هدف نفوذ و جذب

در پیام‌های بعدی، مانند ۱۹۹۸/۰۴/۰۱ و ۱۹۹۸/۰۶/۰۲، به روشنی از شکل‌گیری «شعبه‌های ناحیه‌ای»، «هیئت مدیرها»، «شوراهای منطقه‌ای» و حتی «طبقه‌ای از مدرسان و مدیران بومی» سخن رفته که با مأموریت خاص و در هماهنگی با مشاورین قاره‌ای فعالیت می‌کنند.
این یعنی:
ایجاد شبکه‌ای پیچیده و چندلایه از نهادهای آموزشی وابسته به بیت‌العدل
این نهادها به طور مستقیم تابع فرمان مرکزیت جهانی در حیفا (اسرائیل) هستند و هیچ ارتباط ساختاری با دولت‌ها یا جوامع محلی ندارند.

◇ ۳. مکانیزم مالی پنهان و غیرقانونی – اعتراف صریح به پولشویی بین‌المللی

در چند پیام (از جمله ۱۹۹۵/۱۲/۲۶ و ۱۹۹۸/۰۶/۰۲ و همچنین پیام‌های ۲۰۱۰ به بعد) بیت‌العدل رسماً به تزریق منابع مالی از اسرائیل به کشورهای مختلف از طریق «صندوق بین‌المللی بهائی» اشاره دارد.
مهم‌ترین نکات:
این کمک‌های مالی نه ثبت رسمی در کشور مبدا دارند (اسرائیل)، نه در کشور مقصد (مثلاً ایران، هند، یا چین).
انتقال وجوه برای ایجاد مکان آموزشی، پرداخت حقوق، و تبلیغ دین، بدون مجوز دولتی یا حسابرسی، مصداق روشن پولشویی، نقض تمامیت مالی، و بی‌اعتنایی به حاکمیت ملی است.

◇ ۴. مؤسسات آموزشی = ابزار تحقق نقشه جهانی سلطه اعتقادی

در پیام‌هایی نظیر ۱۹۹۸/۰۴/۰۱ به بعد، فلسفه‌ی وجودی مؤسسات آموزشی نه صرف آموزش، بلکه اجرای «نقشه‌ی چهار ساله» و «الگوی رشد و تقلیب اجتماعی» معرفی می‌شود.

این بدان معناست که:

هدف اصلی، بهایی‌سازی پنهان جامعه میزبان است.

اقدامات خیریه، آموزشی و اجتماعی فقط تا جایی ارزشمند دانسته می‌شوند که به عضوگیری و دگرگونی فکری منتهی شوند.

◇ ۵. شورای منطقه‌ای و چارت فرماندهی یک تشکیلات نفوذی

در پیام‌های متأخر، از جمله ۲۰۱۰/۱۲/۲۸، بیت‌العدل تأکید می‌کند که شوراهای منطقه‌ای باید «مطابق با محتوای مؤسسات آموزشی» عمل کنند.

در نتیجه:

شوراهای منطقه‌ای، محافل ملی و لجنات تبلیغ ناحیه‌ای، تابع مؤسسات آموزشی هستند، و مؤسسات آموزشی تابع «دفتر توسعه» بیت‌العدل.

این یک چارت فرماندهی تمام‌عیار است که بدون مجوز دولت‌ها، در سایه و پنهان، در حال فعالیت رسمی است.

◇ ۶. فریب رسانه‌ای – تبدیل جرم سازمان‌یافته به مظلوم‌نمایی عقیدتی

ده سال پس از اجرای این ساختار غیرقانونی و ورود مبالغ مالی گسترده به کشورها، بسیاری از اعضای این ساختار در ایران و برخی کشورهای دیگر بازداشت و محاکمه شدند.

اما در رسانه‌های غربی و بهایی، این اقدام به‌نحوی تحریف شد که گویی این افراد «فقط به‌خاطر اعتقادشان» تحت تعقیب قرار گرفته‌اند!

در حالی که:

جرم، فعالیت سازمان‌یافته بدون مجوز، پولشویی، جاسوسی سازمانی، و دخالت خارجی در امور داخلی است – نه باور دینی.

☑ نتیجه نهایی:

ساختار مؤسسات آموزشی بیت‌العدل، آن‌طور که در پیام‌های رسمی خود این نهاد آمده، یک ساختار فراملی، سلسله‌مراتبی، با بودجه‌گذاری مخفی و هدف تبلیغاتی است که قوانین حاکمیت ملی کشورها را دور می‌زند.

همه این‌ها نه بر اساس فرض، بلکه با استناد صریح به متن پیام‌های رسمی بیت‌العدل قابل اثبات است.

بر این اساس، برخورد با چنین ساختاری نه نقض حقوق اقلیت دینی، بلکه دفاع مشروع از حاکمیت ملی، شفافیت اقتصادی و امنیت اجتماعی کشورهاست.

منبع: https://www.hassanershad.com/13195

وهابی گونه بودن اندیشه های باب

احکام دال بر خشونت در آئین باب از آثارش:

چکیده عناوین :

۱) احکامی که جانها را نشانه رفته (کشتن) : (۱۳ مورد)

۲) نفی مالکیت خصوصی غیر معتقدین به آئین بابی : (۷ مورد)

۳) مقابله با فرهنگ مکتوب : (سه مورد)

۴) تخریب آثار باستانی و فرهنگی : (یک مورد)

۵) نجس بودن غیر بیانی ها

۶) برخورد با سایر ادیان و تفتیش عقاید : (سه مورد)

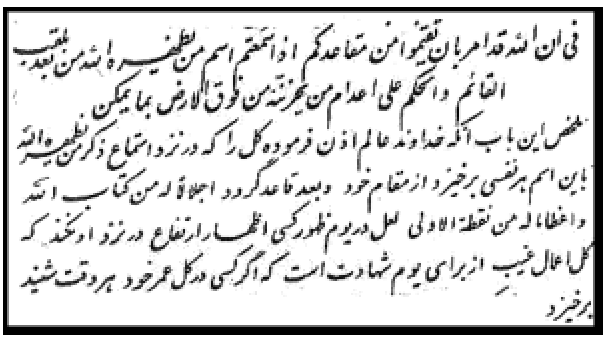
۷) دستور به کشور گشائی جهت ترویج آئین بابی : (۱۳ مورد)

۸) دستور به مسلح شدن برای اقدامات مقتضی

۹) هدف از نزول این کتاب مهیای کشتار شدن است

۱) احکامی که جانها را نشانه رفته : (۱۳ مورد)

مورد اول : بیان ص ۲۳۰ هرکس من یظهره الله را محزون کند باید اعدام شود


فی ان الله قد امر بان تقوموا من مقاعدکم اذا سمعتم اسم من یظهره الله من بعد تلقب
القائم و انحکم علی اعدام من یحزنه من فوق الارض بما یمکن
ملخص این باب آنکه خداوند عالم اذن فرموده کل را که در نزد استماع ذکر من یظهره الله
باین اسم هر نفسی برخیزد از مقام خود و بعد قاعد گردد اجلالاً له من کتاب الله
و اعظاماً له من نقطة الاولی لعل در یوم ظهور کسی اظهار ارتفاع در نزد او نکند که
کل اعمال غیب از برای یوم شهادت است که اگر کسی در کل عمر خود هر وقت شنید
برخیزد

مورد دوم :

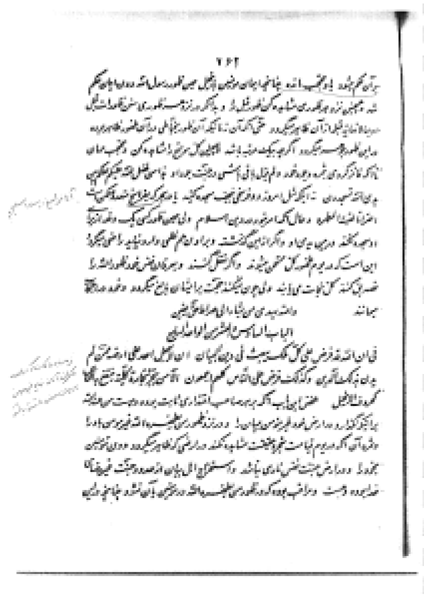
نص باب بر اینکه ‘‘قسم به ذات الهی عزوجل که اگر اوالوالحکم و زمان من یظهره الله در ایمان به او متفق گردند راضی نیست که احدی از اهل بیان را بر روی ارض باقی گذارد چونگه غیر او را همت ورزیده و نصرت حق مطلق نموده تا آنکه هیچ شی ء نماند الا آنکه داخل در جنت شود اینست فضل اعظم و فوز اکبر در هر ظهوری’’.
موارد استفاده از مطلب بالا: الف)در جائی که انتقاد می کنند که اگر امام زمان بیاید یک سوم اهل زمین را از بین می برد. ب)این حالت در هر ظهوری باید اتفاق بیفتدلذا به خود باب هم می خورد. بیان
۱=۹۷



مورد سوم :

فرمان به حاکمان که در محدوده حکمرانی آنان نباید غیر مومن به بیان حضور داشته باشد.(قتل غیر بیانی ها)

بیان ۲۶۲=۱



مورد پنجم :

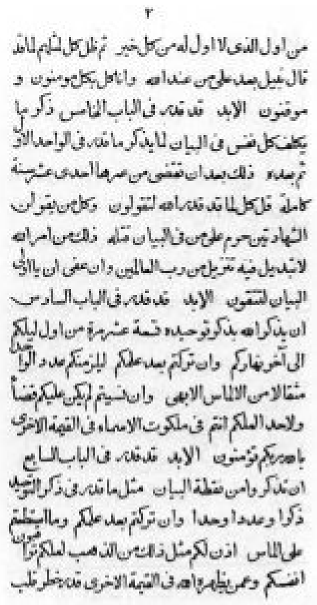
ظهور من یظهره الله هر نفسی بر صاحبش حلال نیست الا به ایمان به او و کل از کل گرفته می شود. الا آنکه داخل شوند در ظل دین او" (مصادر اموال در زمان من یظهره الله)

بیان ۱۵۷=۲



مورد ششم :

حکم باب در قتل مومنین به بیان که اگر شهادتین را داده باشند قتل ایشان حرام است(که مفهوم عکس آن عدم حرمت غیر بیانی ها می باشد) لوح هیکل الدین ۲_۱

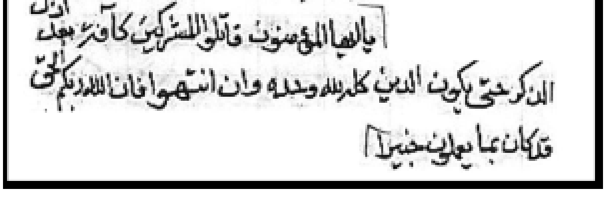


۲

من اول الذی لا اول له من کل خیر ثم قل کل لئلا ...
قال نبیل بعد علی من عند الله وانا قل بکل مومنون و
موقنون الاید قد قدر فی الباب الخامس ذکر ما
یکلف کل نفس فی البیان لا یذکر ما قدر فی الواحد الاول
ثم بعده ذلک بعد ان تقضی من عمرها احدی عشر سنة
کاملة قل کل لما قد قدره الله لتقولون وکل من یقولون
الشهادتین حرم علی من فی البیان قتله ذلک من امر الله
لا تبدیل فیه تنزیل من رب العالمین وان عفی ان یا اولی
البیان لتتقون الاید قد قدر فی الباب السادس
ان یذکر الله بذکر توحیده تسعة عشر مرة من اول لیلکم
الی آخر نهارکم وان ترکتم بعد علمکم لیلزمنکم عدد الواحد
مثقالا من الالماس الابهی وان نسیتم لم یکن علیکم ...
ولاحد الملکم انتم فی ملکوت الاسماء فی القیمة الاخری
باذن ربکم تؤمنون الاید قد قدر فی الباب السابع
ان تذکروا من نقطة البیان مثل ما قدر فی ذکر التوحید
ذکرا وعددا وحدا وان ترکتم بعد علمکم وما استطعتم
علی الناس اذن لکم مثل ذلک من الذهب لعلکم ...
انفسکم ومن یظهره الله فی القیمة الاخری قد حظر علیه

مورد هفتم :

فرمان به کشتار مخالفین باب (مشرکین) توسط باب. و جهانی کردن دین باب تفسیر سوره یوسف ۳۷۴=۱

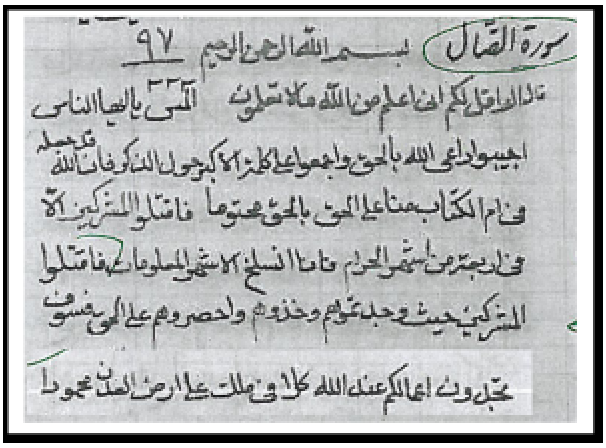


یا ایها المؤمنون قاتلوا المشرکین کآفة بعد اذن الذکر حتی یکون الدین کله لله وحده وان انتهوا فان الله ربکم الحق قد کان بما یعملون خبیرا

. یآ ایّها المؤمنون قاتلواالمشرکین کافّةً بعد اذن الذّکر حتّی یکون الدّین کلّه لله وحده و ان انتهوا فانّ الله ربّکم الحقّ قد کانبما یعملون خبیراً

مورد هشتم :

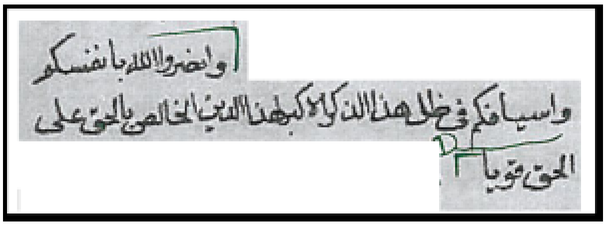
فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم و خذوهم واحصروهم علی الحق فسوف تجدون اعمالکم عندالله کلا فی ملک علی ارض العدن محمودا. تفسیر سوره یوسف ۳۵۷=۳



سوره القتال بسم الله الرّحمن الرّحیم اثنتان و اربعون قال الم اقل لکم انّی اعلم منالله ما لا تعلمون. المس. یآ ایّها النّاس اجیبوا داعی الله بالحقّ واجمعوا علی کلمهالاکبر حول الذّکر فانّ الله قد جعله فی امّ الکتاب منّا علی الحقّ بالحقّ یحسوباً. فاقتلوا المشرکین الّا فی اربعه من اشهر الحرم فاذا انسلخ الاشهر المعلومات فاقتلواالمشرکین حیث وجدتموهم و خذوهم و احصروهم علی الحقّ فسوف تجدون اعمالکم عند الله فی ملک علی ارض العدن محموداً

مورد نهم :

خطاب باب به عموم که با جان و شمشیرهایتان در سایه ذکر(باب) وی را یاری کنید که این دین خالص و حقیقی است.(باب و سیاست) ۳=۱



فان الملک فی ام الکتب علی شأن الذکر بایدی الله قد کان بالحق مسطورا و انصروا الله بانفسکم و اسیافکم فی ظل هذا الذکر الاکبر لهذا الدین الخالص بالحق علی الحق قویا

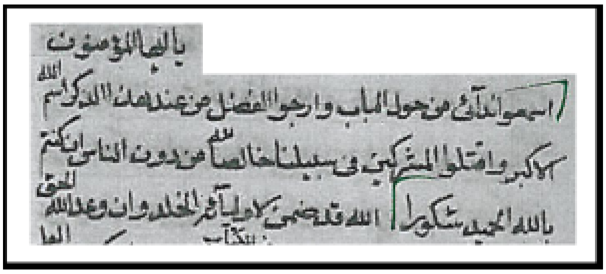
مورد دهم :

ای مردم بشتابید به رضوان خداوند و به کشتن در راه باب رضایت داشته باشید. تفسیر سوره یوسف ۲=۳۷۱


یا اهل الانوار عنوا
الی الرضوان الاکبر وارضوا علی القتل فی سبیل الذکر حتی تجدوا امولکم
الحق صادقا فی الوعد وعلی الحق بالحق کریما یا اهل الارض قتلوا
المشرکین بعد اذن الباب فسوف یحکم الله بینکم وبین الذکر فی
المحشر علی القسط مقضیا فسوف تجد الی ما من نفس قد قتل فی سبیله
الا وقد وقع اجره علی الکتاب علی الحق بالحق مستورا وانی اصنع
اجر المجاهدین فی سبیل الحق وانی قد اغرست بایدی اشجارا علی
النهار وعلی الاوراق اطیار من در الحمراء یسبحون الله فی اللیل والنهار
وان الله قد کان بکل شیء علیما

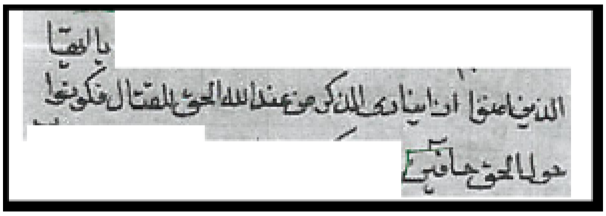
مورد یازدهم :

امام زمان ع:"دستور قتل و کشتار مشرکین با رهبری باب که اسم الله الاکبر می باشد". تفسیر سوره یوسف ۲=۱۶۴


یا ایها المؤمنون
اسمعوا ندائی من حول الباب وارجوا الفضل من عند هذا الذکر اسم الله
الاکبر واقتلوا المشرکین فی سبیلنا خالصا لله من دون الناس ان کنتم
بالله الحمید شکورا الله قد ضمن لاولیائه [illegible] الخلد وان وعد الله الحق

مورد دوازدهم :

یا ایها الذین امنوا اذا ینادی الذکر من عندالله الحق للقتال فکونوا حول الحق حافین. تفسیر سوره یوسف ۵=۳۵۶

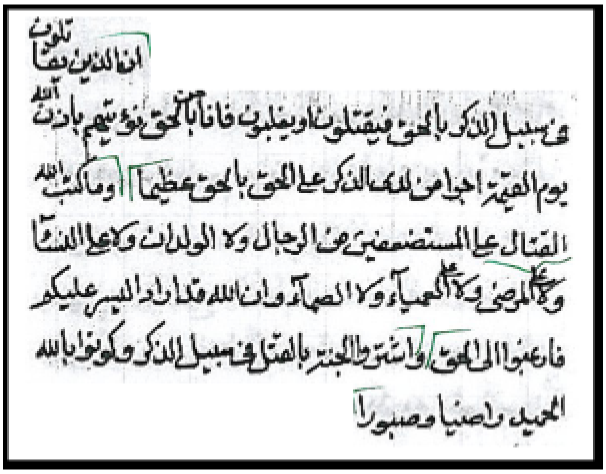

بالقتال
الذین امنوا ان اتبعوا الذکر من عند الله الحق بالقتال فکونوا
حول الحق صابرین

مورد سیزدهم :

کسانی که در راه باب بکُشند یا کشته شوند و یا غلبه پیدا کنند در روز قیام از نزد باب برای ایشان پاداش عظیم خواهد بود. تفسیر سوره یوسف ۳۶۴=۴



اشتروا الجنه بالقتل فی سبیل الذکر و کونوا بالله الحمید راضیا و صبورا. تفسیر سوره یوسف ۳۶۴=۶

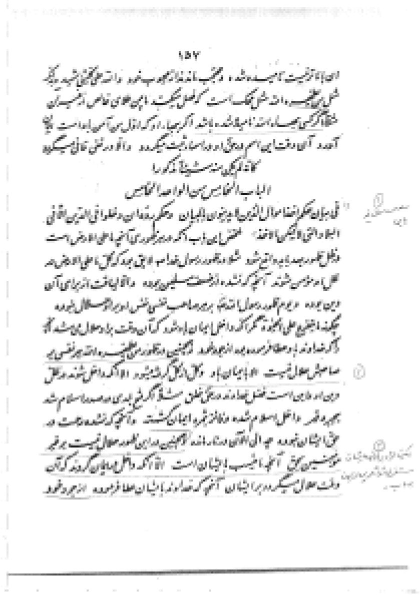

ان الذین یقاتلون
فی سبیل الذکر بالحق فیقتلون او یغلبون فانا بالحق نؤتیهم باذن الله
یوم القیمة اجرا من لدی الذکر علی الحق بالحق عظیما و ما کتب الله
القتال علی المستضعفین من الرجال و لا الولدان و لا علی النساء
و لا علی المرضی و لا العمیاء و لا الصمآء و ان الله قد اراد الیسر علیکم
فاسعوا الی الحق و اشتروا الجنة بالقتل فی سبیل الذکر و کونوا بالله
الحمید راضیا و صبورا

۲) تحدید مالکیت خصوصی غیر معتقدین به آئین بابی : (۷ مورد)

مورد اول :

فی بیان حکم اخذ اموال الذین لا یدینون بالبیان و حکم رده ان دخلوا فی الدین الا فی البلاد التی لا یمکن الا خذ (مصادر اموال غیر بابی)

بیان ۱۵۷=۱


۱۵۷

الباب الخامس من الواحد الخامس

مورد دوم :

ظهور من یظهره الله هر نفسی بر صاحبش حلال نیست الا به ایمان به او و کل از کل گرفته می شود. الا آنکه داخل شوند در ظل دین او" (مصادر اموال در زمان من یظهره الله)

بیان ۱۵۷=۲

سند قبلی

مورد سوم :

تجار بیانی هم اگر در خطر هستند از اعلام این حکم (مصادره اموال)آن را اظهار نکنند.

بیان ۱۵۸=۱



مورد پنجم :

احکام اموالی که پس از مصادره اهل بیان تحقق می یابد و اینکه این غنائم تحت نظارت نقطه می باشد

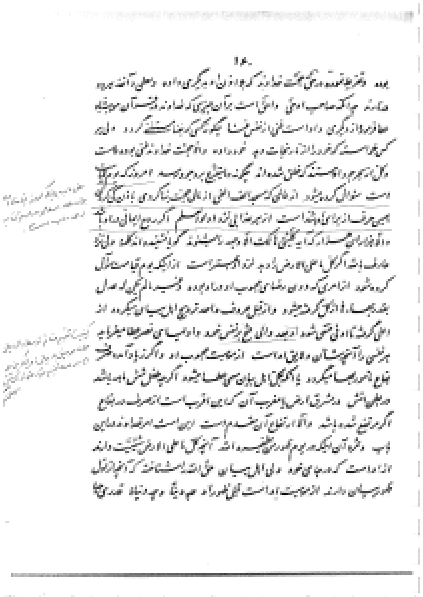
بیان ۱۵۹=۱



مورد ششم :

کیفیت تقسیم اموال مصادره شده توسط والی بیان میان مومنین به بیان و اینکه بین همه باید به عدالت تقسیم شود حتی کودک شش ماهه در بطن مادر.

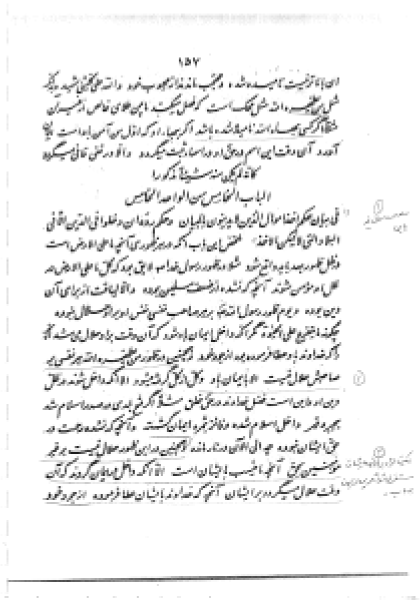
بیان ۱۶۰=۲


۱۶۰

مورد هفتم :

فی بیان حکم اخذ اموال الذین لا یدینون بالبیان و حکم رده ان دخلوا فی الدین الا فی البلاد التی لا یمکن الا خذ (مصادر اموال غیر بابی)

بیان ۱۵۷=۳



۳) مقابله با فرهنگ مکتوب : (سه مورد)

مورد اول :

محو کل کتب"فی حکم محو کل الکتب کلها الا ما انْشَئْتُ او تنشیء فی ذلک الامر".

بیان ۱۹۸=۲



مورد دوم :

امر شده بر محو کل کتب الا آنکه در اثبات امرالله و دین او نوشته شود.نظر کن از یوم آدم تا ظهور رسول الله در کتب سماویه اگر چه کل حق بوده و من عندالله ولی نزد ظهور فرقان کل مرتفع شد و حکم غیر حقیقت بر مومنین به آنها در فرقان نازل شد و همچنین در نزد هر ظهوری نظر کن در جائی که کتب منسوبه الی الله در نزد هر ظهوری حکم بر ارتفاع آن شود.

باب ششم از واحد ششم

الف)پس از ظهور باب کتب قبلی باید حذف شود این با حجیت باقیه (بهاءالله در آخر لوح سلطان) نمی سازد. ب)محو کتب با اصالت داشتن آن و عدم تحریف آن نمی سازد. ج)اگر نیازی به کتب قبلی نیست چرا بسیاریاز حرفهای بهاءالله در ایقان از تورات و انجیل و قرآن می باشد د)این حرف با مطالب عبدالبهاء در مفاضات تعارض دارد که می گوید معارف انبیاء بر دو نوع است:شریعت و معارف الهی و پیامبر شرایع قبل را نقض می کند نه اینکه معارف آن نسخ شود و در این امر زمینه بین مظاهر الهی تضاد و ناهمگونی نمی باشد.چنانچه در احادیث قدسی در جواهر السفیر مطالب عدیده ای از کتب قبل بعنوان احادیث قدسی آمده است.

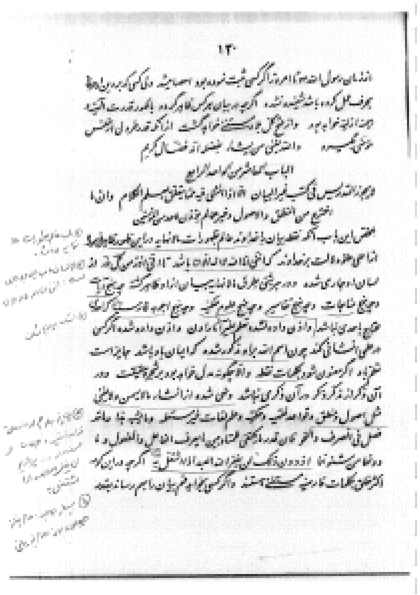
بیان ۱۹۹=۱



مورد سوم :

بیان فارسی ، باب العاشر من الواحد الرابع ص ۱۳۰

«لایجوز التدریس فی کتب غیر البیان الا اذ انشیء فیه منما یتعلق بعلم الکلام و ان ما اخترع من المنطق و الاصول و غیرهما لم یؤذن لاحد من المؤمنین»



=============

و در کتاب بیان عربی در باب هفتم از واحد یازدهم صفحه ۵۵ می گوید:

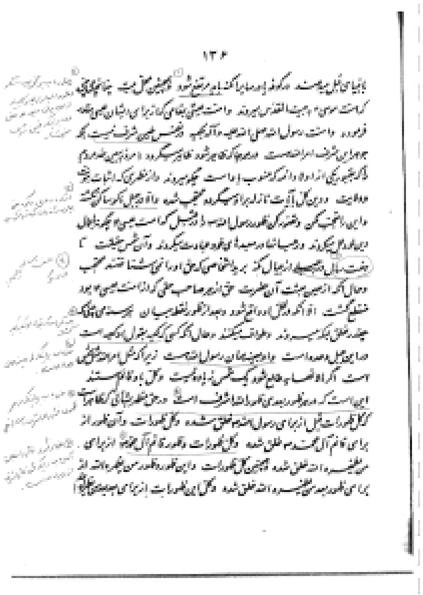
«قل السابع نُهِیَ عنکم فی البیانِ أن لا تَملُکنَّ فوقَ عدد الواحدِ من کتابٍ و ان تَمَلَّکتم فلیَلزِمنّکم تسعةَ عشر مِثقالاً من ذهبٍ حدّاً فی کتابِ الله لعلّکم تتّقون. قل الاولُ نفسُ البیان ثم الحیُّ ما اُنشِئَ فی البیانِ من علومٍ یَلزمنّکم فی دینکم مثلُ النحوِ و الصرفِ و الحروفِ واعدادِ الحروف و ماانتم تُنشِئون فی دینِ الله باعلی سُبُل النظمِ لتَنَظِمون». خلاصه ترجمه عبارات فوق با انشائی که مفهوم شود این است: (ای سیدباب (از جانب خدا) بگو باب هفتم در این است که در کتاب بیان نهی شده است از این که شما بیش از ۱۹ کتاب داشته باشید و اگر مالک زیادتر شدید باید ۱۹ مثقال طلا جریمه بدهید. حدّی است که در بیان معین شده تا این که شما پرهیزگار شوید و آن ۱۹ کتاب اولش خود کتاب بیان است و اما حیّ یعنی هیجده کتاب دیگر هر کتابی است که راجع به بیان نوشه شود در آن علومی که برای فهمیدن بیان لازم است مانند علم نحو و صرف و علم حروف و علم اعدادِ حروف. ولی مواظب باشید هر کتابی را که در این موضوعات می نویسید با بهترین نظم و اسلوب بنویسید). پس به حکم این آیه مبارکه حضرات بابیه تمام کتاب های علمی دنیا را باید به دور بریزند بلکه محو کننده چنانچه در باب ۶ واحد ۶ بیان فارسی ص ۱۹۸ می گوید: « فی حُکمِ محوِ کلّ الکتبِ کلّها الّا ما اُنشِئَت او تُنشَیء فی ذلک الامر» (باید همه کتاب ها محو شود مگر این که در اثبات امر الله و دین او نوشته شده باشد یا نوشته شود) آه. و تدریس هیچ کتابی غیراز بیان جایز نیست مگر آن کتاب هایی که راجع به نقطه و کلمات نقطه نوشته شده باشد چنانچه در باب ۱۰ واحد بیان فارسی صفحه ۱۳۰ می گوید: « لایجوزُ التدریسُ فی کتبِ غَیرِالبیانِ الّا اذا اُنشِیَء فیه ممّا یتعلّقُ بعلمِ الکلامِ و انّ مَا اختُرِعَ من المنطقِ والاصولِ و غیرِهما لم یؤذَن لأحدِ مِن المؤمنینَ » . (جایز نیست غیر از بیان هیچ کتابی را درس بگویید و بخوانید مگر آن کتاب هایی که راجع به بیان نوشته شود در علم کلام یعنی در علمی که راجع به الفاظ بیان است (مانند نحو و صرف). و اما علم منطق و اصول وغیراینها (مانند فقه و فلسفه ومعانی وبیان وبدیع) هیچ یکی از مؤمنین ماذون نیستند که تدریس و تدرّس کنند) (آه)

۴) آثار باستانی : (یک مورد)

مورد اول :

دستور باب بر تخریب آثار و قبور انبیاء و اولیاء و کعبه غیر از اهل بیان به بعد و نص بر اینکه طین شرف نیست.

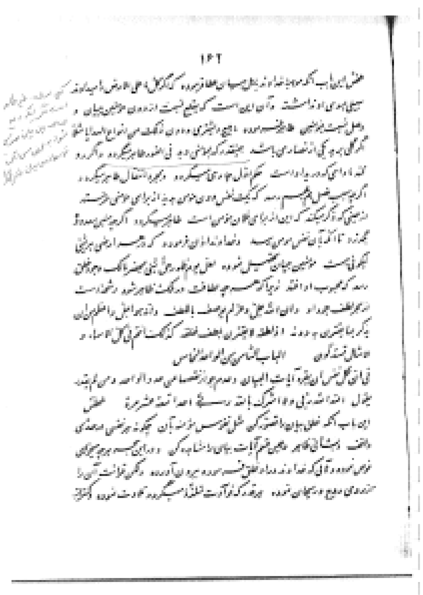
بیان ۱=۱۳۶



۵) نجس بودن غیر بیانی ها

کل اموال و...غیر طاهر است مگر اینکه بدهد به صاحب دین بیان و ممسوس شود به محض مس آن توسط اهل بیان طاهر می شود

بیان ۱۶۲=۱



۶) برخورد با سایر ادیان و تفتیش عقاید : (سه مورد)

مورد اول :

کل اهل انجیل امروز در نارند-با علیکم بالروح والریحان-عاشروا الادیان بالروح والایمان

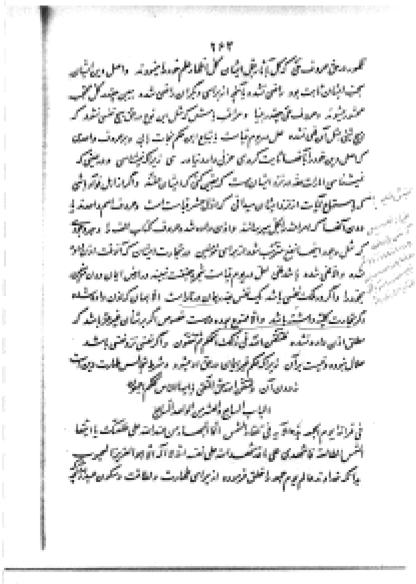
بیان ۲۰۴=۱


۲۰۴

مورد دوم :

تفتیش عقائد-غیر از تجار مسیحی که نفعی برای اهل بیان در ارتباط با آنها باشد در ارض ایمان دون مومنین نباید حضور داشته باشند حتی یک نفر هم نباید باشد(قتل غیر بابی ها).

بیان ۲۶۳=۱



مورد سوم :

باید کل مردم را وارد دین بیان کنید و بجای عدم دخول نمی توان جواهرآلات داد. لوح هیکل الدین ۶_۱



۶

لتکلیون الابد قد قدر فی الباب الدال ان لا تسمین
الا باسماء ما ینسب الی الله او یدخل فی بحر الاسماء لعلکم
یوم القیمة عن سماکم لا تحتجبون الابد قد قدر فی
الباب الاد ان ادخلوا کل ما علی الارض فی البیان
ولا تقبلوا من احد ملاء الارض جوهرا ان ینفق ان
لا یدخل فی البیان وخذوا عنهم کل ما ملکوا بغیر حق
فان آمنوا بالله الذی قد خلقکم ورزقکم واماتکم واحیاکم
ثم بعدد الواو والباء ثم ما نزل فی البیان فلتردوا و...
ما یکفیهم والاصل لکم من کتاب الله ولتعفون من یوم انتم
بمثلهم تکونون ان لم تؤمنوا الابد قد قدر فی الباب
الواو ان اشهدوا عند ما یفتح من ارض بان مالکها
له عدل یرجع الی من یظهره الله ثم الذین بایدی الغیری
لتعطلون والا انتم لتبدلون ثم به یحیرون و یأخذون
حقوقهم من کل الف تبعون وتشترون ماة ثم توخذن
میزان المیم الهاء الحروف الاولی ثم الوا والشهداء ثم الجیم
الفقراء باذن من یفتح ثم انتم باذن ملیکم لیقسمون وان
یؤدعنهم بقدر فی المؤمنین ولو انتم فی شرق الارض و

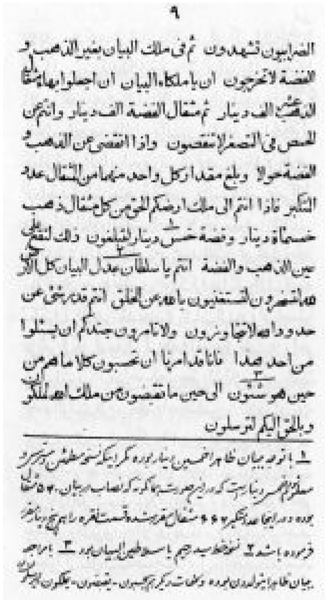
۱ـ حسب بیان شاید الفقیرین بوده

۷) دستور به کشور گشائی جهت ترویج آئین بابی (بر اندازی نه اصلاحات) : (۱۳ مورد)

مورد اول :

دستور باب به سلاطین بیان مبنی بر تسخیر همه سرزمین ها جهت بی نیاز شدن از خلق.

لوح هیکل الدین ۹_۱



۹

الضرابون تشهدون ثم فی ملك البيان بغير الذهب و
الفضة لاتخرجون ان یاملکاء البیان ان اجعلوا بهاء مثقال
الذهب الف دينار ثم مثقال الفضة الف دينار وانتم من
المحص في التصغر لاتنقصون واذا انقص من الذهب و
الفضة حولا وبلغ مقدار كل واحد منهما من المثقال عدد
التكبير فاذا انتم الى ملك ارضكم الحرمين كل مثقال ذهب
خمسماة دينار وفضة خمس دينار تبلغون ذلك لتقع
بين الذهب والفضة انتم يا سلطان عدل البيان كل الا
لله تنصرون لتستغنون بالله عن الخلق انتم قد يجي عن
حدود الله لا تجاوزون ولا تامرون جندكم ان يسئلوا
من احد صدا فانا قد امرنا ان تحسبون كلا ما هم من
حين هو شئون الى حين ما تقبضون من ملك الله للكل
وبالحق اليكم لترسلون

مورد دوم :

یکی از اقدامات من یظهره الله این است که تملیک همه سرزمین ها را انجام می دهد.

لوح هیکل الدین ۱۰_۱



١٠

الواحد الثالث

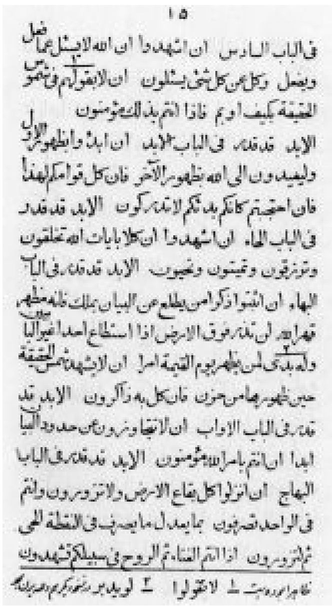
الابد قد قدر فی الباب الالف ان اشهدوا ان ما ارزق
الله خلق له وان ما يملك من يظهره الله ذلك ما يملكه الله
المهيمن القيوم الابد قد قدر فی الباب الثانی ان اعلموا
ان ما ينطق من يظهره الله من حق واثبات يخلق لها خلق فی
دينه انتم بالاثبات من النفی تحصون الابد قد قدر فی
الباب الجيم ان من يظهره الله فی القيمة الاخری حين ما ياذن
برفع ما قد قدر من قبل وان لم ياذن بعد ما يقضی عدد
الواحد من الحول حرّ الذين انتم اولوا البيان لعلکم فی سنين
الواحد ثمرات کل الظهور بين يدی الله بالحق والصدق
تظهرون الابد قد قدر فی الباب الدال ذکر الآخرة و
ان فضل ما ينزل الله علی مظهر نفسه فی الآخر کفضل ما نزل
فی البيان علی ما انزل من قبل ان يا کل شئ کتاب الله فی
الآخرة تذکرون الابد قد قدر فی الباب الهاء ان
ما دون الله خلق له ولم يکن بينهما ثالثا وکل خلقوا
بمن يظهره الله ثم له ان يا کل شئ اليه لترجعون الابد
قد قدر فی الباب الواو ان ارضوا مقاعد الواحد
اذا ياذن به من يظهره الله وان لم ياذن واذن انتم الوا

[illegible]

مورد سوم :

حاکمان بیانی مظهر قهر الله هستند.

لوح هیکل الدین ۱۵_۱



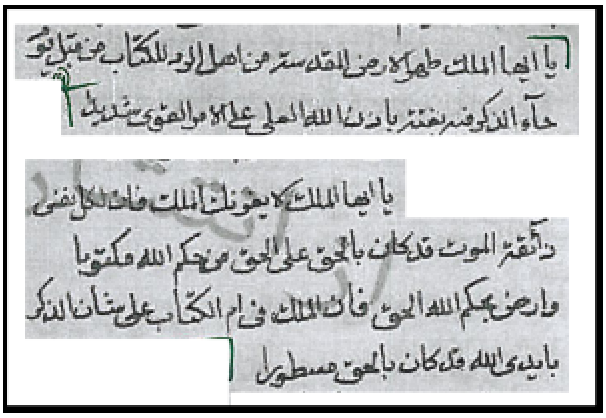
١٥

فی الباب السادس ان اشهدوا ان الله لا يسئل عما فعل
ويضل ويسئل عن کل شئ يسئلون ان لا تقولوا لم وفی شمس
الحقيقة بکيف او بم فاذا انتم بذلک مؤمنون
الابد قد قدر فی الباب الابد ان ابدؤا واظهور الاول
وليعيدون الی الله بظهور الآخر فان کل قوامکم لهذا
فان احتجبتم کانکم بدئکم لا تذکرون الابد قد قدر
فی الباب الحاء ان اشهدوا ان کلا بآيات الله تخلقون
وترزقون وتميتون وتحيون الابد قد قدر فی الباب
الطاء ان اتقوا ذکرا من يطلع من البيان بملک ظله مظهر
قهرالله لن تقدر فوق الارض اذا استطاع احدا غيرالبا
ولله بدئی لمن يظهر يوم القيمة امرا ان لا تشهدن شمس الحقيقة
حين ظهورها من حزن فان کل به ذاکرون الابد قد
قدر فی الباب الاواب ان لا تتجاوزون عن حدود البيان
ابدا ان انتم بامرالله مؤمنون الابد قد قدر فی الباب
البهاج ان انزلوا کل بقاع الارض ولا تتزورون ولئم
فی الواحد تصرفون بما يعدل ما يصرف فی النقطة الحی
ثم لا تترورون اذا انتم الغنا ثم الروح فی سبيلکم تشهدون

[illegible]

مورد چهارم :

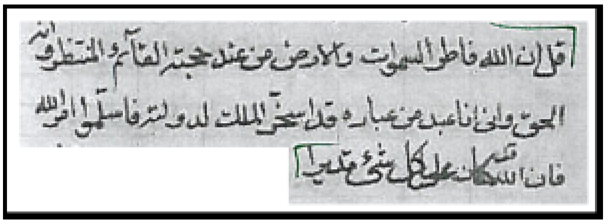
هشدار باب به پادشاه ایران محمد شاه مبنی بر اینکه زمین را پاکیزه کن و الا ذکر(باب) با قوی شدید می آید و ملک در شان باب است تفسیر سوره یوسف ۲=۶


یا ایها الملک طهر الارض من اهل الرد للکتاب من قبل یوم
جاء الذکر ... باذن الله العلی علی الامر القوی شدیدا

یا ایها الملک لا یغرنک الملک فان لکل نفس
ذائقة الموت قد کان بالحق علی الحق من حکم الله مکتوبا
وارض بحکم الله الحق فان الملک فی ام الکتاب علی شان الذکر
بایدی الله قد کان بالحق مسطورا

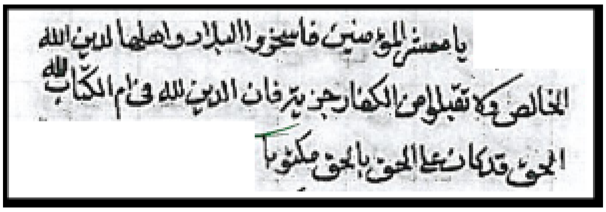
مورد پنجم :

کتاب خطاب به باب می گوید:"قل ان الله فاطر السموات و الارض من عند حجته القائم المنتظر و انه الحق و انی انا عبد من عباده قد اسخر الملک لدولته".(نص باب بر اینکه وی مأمور به تصاحب قدرت از جانب حجت بن الحسن ع می باشد) تفسیر سوره یوسف ۲۸۰=۲


قل ان الله فاطر السموات والارض من عند حجته القائم المنتظر انه
الحق وانی انا عبد من عباده قد اسخر الملک لدولته فاسلموا امر الله
فان الله قد کان علی کل شیء قدیرا

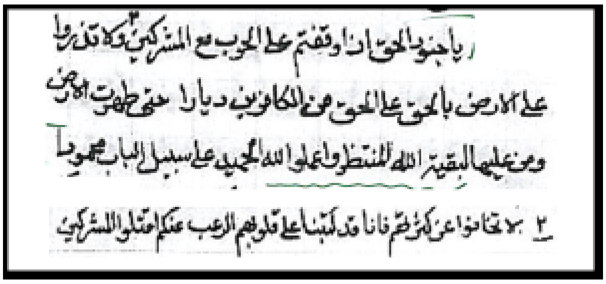
مورد ششم :

ای گروه مؤمنین تسخیر کنید شهرها و اهل آن را برای دین خدا و از کفار نباید جزیه گرفت. تفسیر سوره یوسف ۱=۳۶۱


يا معشر المؤمنين فاسخروا البلاد واهلها لدين الله
الخالص ولا تقبلوا من الكفار جزية فان الدين لله في ام الكتاب
الحق وقد كان على الحق بالحق مكتوبا

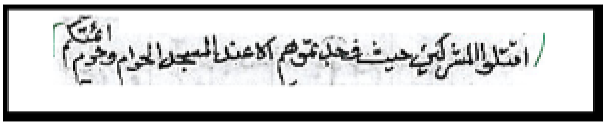
مورد هفتم :

قیام باب برای مقدمه ساری ظهور امام زمان بوده:" ای جنود حق هنگامی که برای جنگ با مشرکین آماده شدید از کافرین یک نفر باقی نگذارید تا زمین پاکیزه شود و هر کس روی آن است برای بقیه الله المنتظر". تفسیر سوره یوسف ۳۶۲=۳


یا جنود الحق اذا وقفتم على الحرب مع المشركين فلا تذروا
على الارض بالحق على الحق من الكافرين ديارا حتى طهرت الارض
ومن عليها لبقية الله المنتظر واعملوا الله الحميد على سبيل الباب محمودا
۲ ولا تخافوا عن كثرتهم فانا قد كتبنا على قلوبهم الرعب عنكم اقتلوا المشركين

مورد هشتم :

باب و جهاد تهاجمی:"اقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم الا عند المسجد الحرام و حرم ائمتکم" .(هرجا مخالفین باب (مشرکین) را دیدید ایشان را بکشید.) تفسیر سوره یوسف ۳۶۷=۲


اقتلوا المشركين حيث وجدتموهم الا عند المسجد الحرام وحرم ائمتكم

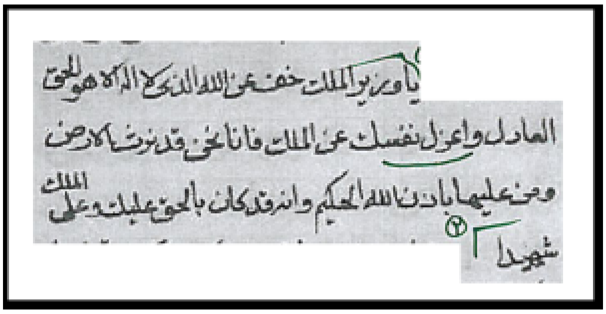
مورد نهم :

فرمان مبنی بر اینکه :"باید زمین را از لوث خبائث و مشرکین (مخالفین باب) پاک کنید و هرجا ایشان را یافتید بکشید و این به اذن ذکر (باب) می باشد". تفسیر سوره یوسف ۳۶۹=۱


سورة الجهاد بسم الله الرحمن الرحيم
فلما دخلوا على يوسف اوى اليه ابويه وقال ادخلوا مصر ان شاء الله
آمنين يا ايها المؤمنون اسجدوا ربكم الذي لا اله الا هو
وادخلوا السلم كافة واتكلوا على الله فان الذكر لحق وهو الله كان على
كل شيء رقيبا يا ايها المؤمنون طهروا من الارض المقدسة رجس
فانها قد كانت في الصحف لله من دون الناس واقتلوا المشركين حيث
وجدتموهم باذن الذكر ولا تتخذوا من هو كان من المشركين وليا
لانفسكم لان الله قد شاء لهم بكفرهم ضلالتهم ومن يضلل الله
فما له من ولي وما قدر الله له في ام الكتاب نصيبا يا اهل الذكر اتقوا الله
من يوم قد قام الذكر بالتكبير في بحبوحة الحرب عند التقاء الجمعين

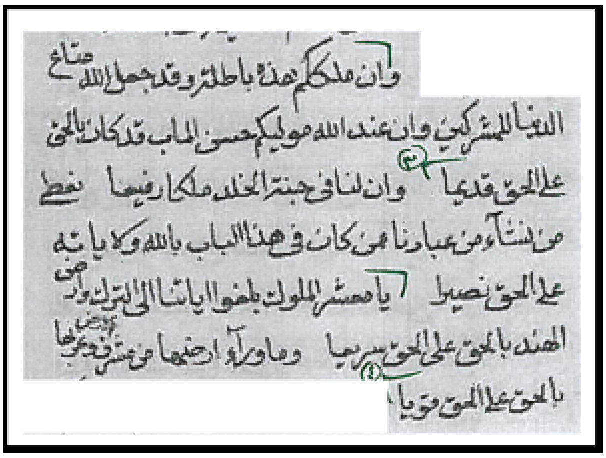
مورد دهم :

خطاب امام زمان ع به وزیر پادشاه ظاهر آقاسی که :"از خدا بترس و از این مقام استعفا بده زیرا ما زمین را به ارث خواهیم برد.و در این راستا از بیانات و فرامین ذکر(باب) اطاعت کنید".(باب و سیاست) تفسیر سوره یوسف ۲=۳


يا وزير الملك خف من الله الذي لا اله الا هو الحق
العادل واعزل نفسك عن الملك فانا نحن قد نرث الارض
ومن عليها باذن الله الحكيم وانه قد كان بالحق عليك وعلى الملك
شهيدا

مورد یازدهم :

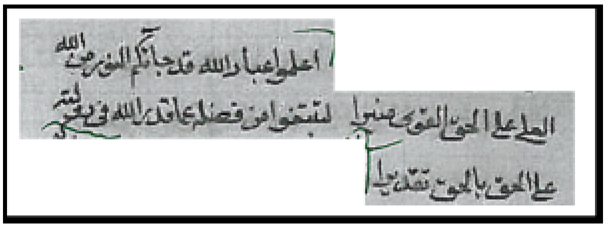
اظهار و نص باب بر باطل بودن و غیر مشروع بودن حکومت محمد شاه قاجار.(باب و سیاست) ۳=۳



وان ملککم هذه باطلة وقد جعل الله متاع
الدنیا للمشرکین وان عند الله مولیکم حسن المآب قد کان بالحق
علی الحق قدیما وان لنا فی جنة الخلد ملکا رفیعا نعطی
من نشاء من عبادنا من کان فی هذا الباب بالله وکلا یاته
علی الحق نصیرا یا معشر الملوک بلغوا آیاتنا الی الترک و ارض
الهند بالحق علی الحق سریعا وما وراء ارضهما من شرقها و غربها
بالحق علی الحق قویا

مورد دوازدهم :

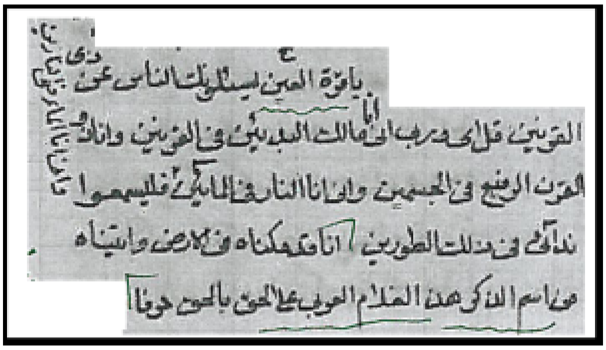
هدف از حرکت باب رسیدن به قدرت و دولت بوده است.(باب و سیاست) تفسیر سوره یوسف ۵۸=۲



اعلموا عباد الله قد جاءکم الفضل من الله
العلی علی الحق الفضی حنیفا لتبتغوا من فضله عما قدر الله فی بعض الکتب
علی الحق بالحق تقدیرا

مورد سیزدهم :

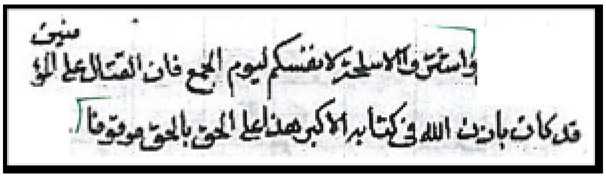
ما قدرت می بخشیم بر روی زمین این باب را که غلام عربی است :"انا قد مکناه فی الارض و اتیناه من اسم الذکر هذه الغلام العربی علی الحق بالحق حرفا". تفسیر سوره یوسف ۲۷۸=۳



یا قرة العین یسئلونک الناس عن ذی القرنین قل یا محمد ربی انی انا مالک الذبحین فی القرنین وانا القرن الرفیع فی الحسنین وانا النار فی المائین فلیسمعوا ندائی من ذلک الطورین انا قد مکناه فی الارض واتیناه من اسم الذکر هذا الغلام العربی علی الحق بالحق مرقوما

۸) دستور به مسلح شدن برای اقدامات مقتضی

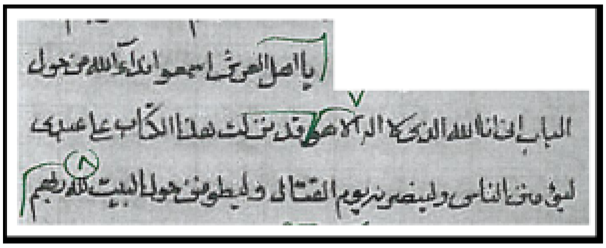
فرمان باب به خرید اسلحه:"ای بابیون هنگامی که نوشته باب به شما رسید شروع کنید به خرید اسلحه برای خودتان برای روز قتال". تفسیر سوره یوسف ۳۷۱=۱



واشتروا الاسلحة لانفسکم لیوم الجمع فان القتال علی المؤمنین قد کان باذن الله فی کتاب الاکبر هذا علی الحق بالحق موقوفا

۹) هدف از نزول این کتاب مهیای کشتار شدن است

یکی از اهداف نزول این کتاب ایمان مردم به آن و مهیای جنگ و قتال شدن می باشد. تفسیر سوره یوسف ۱۷۶=۸



یا اهل الارض اسمعوا نداء الله من حول الباب انه انا الله الذی لا اله الا هو قد نزلنا هذا الکتاب علی عبده لیؤمن الناس ولینصرن یوم القتال ولیطوفن حول البیت لله ربهم

منبع: https://www.hassanershad.com/11141

ویژگیهای علماء در نصوص الهی

چند سال پیش هنگامی که نوری زاد در حرکتی ناپخته پای کودک یکی از مجرمین بهایی را بوسید سیلی از مقالات در پی آن علیه شیعیان و علماء جریان پیدا کرد. در سایت ایشان مقاله ای در هتک حرمت علماء منتشر شد که این جانب در همان سایت مقاله زیر را ارسال کردم و منتشر شد که خدمت شما عزیزان تقدیم می کنم :

لینک مقاله :

http://nurizad.info/?p=22562#comment-125268

ضرب المثلی است که می گوید باید نیمه پر لیوان را دید. من هم به روحانیونی که این مقاله سروش گرامی را می خوانند توصیه می کنم نیمه پر این نقد را بنگرند .

در این مختصر یک سخن با سروش عزیز دارم و یک سخن با ملبسین به لباس مقدس تبلیغ .

سروش گرامی هر صاحب حرفه ای هنگامی که وارد محیط کار خویش می شود طبیعتا لباس و لوازم خاص خویش را مورد استفاده قرار می دهد و از آنجا که ملبسین به این لباس مقدس تمام عرصه های جامعه را محل تبلیغ می دانند و زندگی خویش را قاعدتا وقف خدمت به آیین و دیانت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله می دانند باید در عرصه اجتماع به گونه ای ظاهر شوند تا از ظاهر ایشان بتوان فهمید که وی عالم به علوم مشیت الهی است و از مشکلات اعتقادی تا مسائل احکام می توان به وی رجوع کرد .

سروش گرامی مثال ساده اینکه شما چنانچه در خیابان نیاز به پلیس داشته باشید از چه نشانه ای پی به صاحب این مهارت می بری ؟ بله از لباس وی پی به مهارت او خواهی برد .

حال اگر عده ای از لباس پلیس سوء استفاده کردند یعنی باید درب این نهاد ضروری برای امنیت جامعه را بست ؟

و اما سخنی با روحانیون و کسانی که در این کسوت مقدس در جامعه ظاهر می شوند :

کسی که لباس روحانیت را بر تن می کند و در جامعه ظاهر می شود یعنی اعلام می کند که من محل امنی برای اعتماد کسانی هستم که نظاره گر من هستند آیا واقعا شما این چنین هستید ؟

اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی یعنی کسی که قول و عملش در راستای هم قرار دارد چنانچه مدام در زیارت مولای خود می خوانید اشهد انک الامام المهدی قولا و فعلا

یعنی شهادت به ولایت تو مولا می دهم هم در قول و هم در عمل .

آیا واقعا شما این چنین هستید ؟

اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی درست است که باید ارزیابی حاملان یک اندیشه را از خود اندیشه جدا کرد و سپس مورد قضاوت قرار داد اما گرامی مخاطب عموم شما که با این کسوت در برابر او ظاهر می شوی معمولا توان دقتهای علمی مذکور را ندارد لذا اگر خود را اهل عمل می دانی در این کسوت ظاهر شو .

روحانی گرامی یادتان هست که بالای منبر می فرمودید :

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ع يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ لِي إِلَيْكُمْ حَاجَةٌ اقْضُوهَا لِي قَالُوا قُضِيَتْ حَاجَتُكَ يَا رُوحَ اللَّهِ فَقَامَ فَغَسَلَ أَقْدَامَهُمْ «۱» فَقَالُوا كُنَّا نَحْنُ أَحَقَّ بِهَذَا يَا رُوحَ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْخِدْمَةِ الْعَالِمُ إِنَّمَا تَوَاضَعْتُ هَكَذَا لِكَيْمَا تَتَوَاضَعُوا بَعْدِي فِي النَّاسِ كَتَوَاضُعِي لَكُمْ ثُمَّ قَالَ عِيسَى ع بِالتَّوَاضُعِ تُعْمَرُ الْحِكْمَةُ لَا بِالتَّكَبُّرِ وَ كَذَلِكَ فِي السَّهْلِ يَنْبُتُ الزَّرْعُ لَا فِي الْجَبَلِ. الكافي (ط – الإسلامية)، ج۱، ص: ۳۷

عیسی بن مریم فرمود: ای گروه حواریین، مرا به شما حاجتی است آن را برآورید، گفتند: حاجتت رواست یا روح الله، برخاست و پای آنها را شست، گفتند: ما خود سزاوارتر بودیم که پای بشوئیم ای روح الله، فرمود: سزاوارتر مردم به خدمت کردن عالم است، همانا من تا این اندازه فروتنی کردم تا شما هم پس از من فروتنی کنید نسبت به مردم مانند فروتنی من برای شما، سپس عیسی (ع) فرمود:

بوسیله تواضع حکمت آبادان میشود نه بوسیله تکبر.

و همچنان روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟

اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست که بالای منبر می فرمودید :

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ يَا طَالِبَ الْعِلْمِ إِنَّ لِلْعَالِمِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ الْعِلْمَ وَ الْحِلْمَ وَ الصَّمْتَ وَ لِلْمُتَكَلِّفِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ يُنَازِعُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ وَ يَظْلِمُ مَنْ دُونَهُ بِالْغَلَبَةِ وَ يُظَاهِرُ «۲» الظَّلَمَةَ. الكافي (ط – الإسلامية)، ج۱، ص: ۳۳

امیر مؤمنان (ع) می فرمود: ای طالب علم، به راستی عالم سه نشانه دارد: علم و حلم و خموشی. و عالم نما هم سه علامت دارد: نسبت به بالادست نافرمان است و به زیردست ستم کند بوسیله غلبه بر او و پشتیبانی از ستمکاران نماید.

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟

اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست که بالای منبر فرمودید :

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعُلَمَاءُ أُمَنَاءُ وَ الْأَتْقِيَاءُ حُصُونٌ وَ الْأَوْصِيَاءُ سَادَةٌ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى الْعُلَمَاءُ مَنَارٌ وَ الْأَتْقِيَاءُ حُصُونٌ وَ الْأَوْصِيَاءُ سَادَةٌ.

امام صادق (ع) فرمود: علماء امانتدارانند و مردم متقی دژهای مذهبند و اوصیاء ساداتند و سروران مذهب.

و در روایت دیگر علماء چراغ هستند و اتقیاء دژ و اوصیاء سادات و سروران.

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟

اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ تَزَيَّنُوا مَعَهُ بِالْحِلْمِ وَ الْوَقَارِ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ الْعِلْمَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ وَ لَا تَكُونُوا عُلَمَاءَ جَبَّارِينَ فَيَذْهَبَ بَاطِلُكُمْ بِحَقِّكُمْ. الكافی (ط – الإسلامیه)، ج۱، ص: ۳۶

معاویه بن وهب گوید: شنیدم امام صادق (ع) می فرمود: طلب علم کنید و با حلم و وقار خود را بیارائید و نسبت به شاگردان خود تواضع کنید و نسبت به استاد خود هم تواضع کنید، دانشمندان جبار و قلدر نباشید تا شیوه باطل شما حق علم شما را از میان ببرد.

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟

اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّصْرِيِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- إِنَّما يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ «۱» قَالَ يَعْنِي بِالْعُلَمَاءِ مَنْ صَدَّقَ فِعْلُهُ قَوْلَهُ وَ مَنْ لَمْ يُصَدِّقْ فِعْلُهُ قَوْلَهُ فَلَيْسَ بِعَالِمٍ.

امام صادق (ع) در تفسیر گفته خدای عز و جل (۲۸ سوره ۳۵): «همانا میترسند از خدا بندگان دانشمندش» فرمود:

مقصود او از علماء کسانی است که کردارشان گفتارشان را تصدیق کند و هر که کردارش مصدق گفتهاش نباشد عالم نیست.

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟

اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَ لَا أُخْبِرُكُمْ بِالْفَقِيهِ حَقِّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يُقَنِّطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَ لَمْ يُرَخِّصْ لَهُمْ فِي مَعَاصِي اللَّهِ وَ لَمْ يَتْرُكِ الْقُرْآنَ رَغْبَةً عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُّمٌ أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَفَكُّرٌ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُّمٌ أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَا فِقْهَ فِيهَا أَلَا لَا خَيْرَ فِي نُسُكٍ لَا وَرَعَ فِيهِ. الكافی (ط – الإسلامیه)، ج۱، ص: ۳۷

امیر مؤمنان (ع) فرمود: از فقیه بحق به شما خبر ندهم؟

کسی است که مردم را از رحمت خدا نومید نسازد و از عذابش آسوده خاطر نکند و به مردم رخصت گناه ندهد و قرآن را به خاطر میل به چیز دیگر از دست ندهد، هلا دانشی که فهم با آن نیست خیری ندارد، هلا خواندن بىتدبر

خیری ندارد، هلا عبادت بتفکر خیری ندارد.
در روایت دیگر فرمود: هلا علم بفهم خیر ندارد، هلا خواندن بی تدبر خیر ندارد، هلا تدین بی ورع خیر ندارد.

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟
اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :

أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَا يَكُونُ السَّفَهُ وَ الْغِرَّةُ فِي قَلْبِ الْعَالِمِ
امیر مؤمنان (ع) فرمود: سفاهت و فریب در دل عالم نیست.

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟
اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :
النبی «ص»: نعوذ باللّه من علم لا ینفع، و هو العلم الذی یضادّ العمل بالاخلاص. و اعلم! أنّ قلیل العلم یحتاج الی کثیر العمل، لأنّ علم ساعه یلزم صاحبه استعماله طول عمره الحیاه / ترجمه احمد آرام، ج۲، ص: ۴۳۸
پیامبر «ص»: پناه مىبریم به خدا از علمى كه سودى ندارد، و آن علمى است كه توأم با عمل خالصانه نيست. و بدان كه علم اندك نيازمند عمل فراوان است، چه علم يک ساعت، دارنده آن را ملزم مى سازد كه در سراسر عمر به آن عمل كند.

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟
اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :

مرحوم سید محمد مهدی بحرالعلوم (ره) در ایام طفولیتش در مجلسی نشسته بود. ناگهان گریه کنان مجلس را ترک گفت. علتش را پرسیدند ؟ فرمود : چگونه در مجلسی حاضر شوم که معصیت خدا در آن می شود. معلوم شد در آن مجلس غیبت افراد می شده است .

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟
اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :

مرحوم شیخ حسن اصفهانی (ره) یکی از شاگردان مرحوم میرزای بزرگ شیرازی قصد اقامت در خراسان کرده. این شهر را وطن خودش قرار داد . ایشان مردی بزرگوار و دارای ختومات و ادعیه بود .نقل می کنند آن مرحوم که یک مرتبه از کوفه به نجف اشرف می رفت در راه جمعی از دزدان دورش را گرفته او را وادار نمودند تمام لباس هایش را از تن بیرون آورد. مرحوم شیخ هم تمام لباس هایش به جز ساتر را بیرون آورده لباس ها را به دزدان داده فرمود : من این لباس ها را به شما بخشیدم تا شما گرفتار معصیت خدا نشوید ، زیرا اگر آنها را نبخشم غصب است و مال غصبی حرام است.

موقعی که دزدها این چنین بزرگواری را از آن مرحوم دیدند لباس ها را به او برگردانده و به دست او توبه نمودند و گفتند : سزاوار نیست که ما نافرمانی خدا کنیم ، بالاخص پس از اینکه شما را با این همه مهربانی یافتیم .

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟

اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :

عضد الدوله و یکی از وعاظ :

(ابن الجوزی در ضمن وقایع سال ۳۶۷ از قول شکر عضدی (یکی از خادمان عضد الدوله) گوید که هنگام ورود عضد الدوله به بغداد ، فتنه و فساد و آتش سوزی و گرسنگی به واسطه نزاع های مداوم در میان شیعه و سنی ، شهر بغداد را به تباهی کشانیده بود. عضد الدوله گفت که این امور ، از فتنه انگیزی قصه خوانان است ، که مردم را در برابر همدیگر تحریک می کنند و آنان را به خونریزی و غارتگری تشویق می نمایند .دستور داد در شهر ندا در دادند که هیچ کس در مسجد جامع و کنار کوچه ها ، به قصه خوانی نپردازد ، و هر که از این دستور سرپیچی کند ، خونش هدر است .بعد از این دستور به او خبر دادند که ابوالحسین بن سمعون واعظ در روز جمعه در جامع منصور ، به کرسی خود نشسته و برای مردم سخن گفته است .عضد الدوله ، به من (شکر عضدی) فرمان داد بفرستم تا واعظ را حاضر سازند. وی را آوردند ، مردی با هیئت و چهره ای نورانی و من با دیدن او ، بی اختیار از جا جستم ، و او را پهلوی خود نشانیدم ، واعظ بدون وحشت ، بی آنکه باکی داشته باشد ، نشست ، من از آن بیم داشتم که مبادا امری پیش آید که من باعث آزار او بشوم و بدست من آسیبی به او وارد آید. گفتم ای شیخ ، عضدالدوله پادشاهی مقتدر و بزرگ است و من به هیچ وجه نمی توانم از امر او سرپیچی بکنم ، اکنون تو را نزد وی می برم ، همین که چشمت به او افتاد ، به خاک بیفت و زمین را ببوس و در جواب به سخنان او ملاطفت و ملایمت کن و از خدا یاری بجوی باشد که تو را از او رهایی بخشد. ابن سمعون در پاسخ گفت که امور مردمان

و همه کارها در قدرت خداوند است . سپس با یکدیگر به طرف حجره ای که عضد الدوله ، تنها در آن نشسته بود به راه افتادیم . علت تنها نشستن او این بود که مبادا ابن سمعون ، سخن درشتی بگوید و دیگران بشنوند و همه جا پخش شود. چون به حجره نزدیک شدیم به او گفتم در همین جا درنگ کن و از جای خود حرکت مکن تا من بروم و برگردم ، و مواظب باش که با خضوع سلام بکنی ، من داخل شدم تا برای ورود او اجازه بگیرم ، ناگهان متوجه شدم که ابن سمعون پهلوی من ایستاده است . وی روی خود را به طرف خانه عضد الدوله کرد و این آیه را تلاوت نمود : بسم الله الرحمن الرحیم و کذلک اخذ ربک اذ اخذ القری و هی ظالمه ان اخذه الیم شدید ،
آن گاه روی خود را به طرف عضد الدوله برگردانید و این آیه را خواند : بسم الله الرحمن الرحیم ثم جعلناکم خلائف فی الارض من بعدهم لننظر کیف تعلمون ،
بعد از آن با طرزی شگفت آور شروع به وعظ نمود ، اشک از دیدگان عضد الدوله جاری شد و من هرگز چنین چیزی ندیده بودم ، ابن سمعون به محل اول (بیرون حجره) بازگشت عضد الدوله به من گفت سه هزار درهم از بیت المال و ده جامه از خزانه لباس بردار و همه را به او بده ، اگر از پذیرفتن امتناع کرد به او بگو ، میان اصحاب فقیرت قسمت کن ، در صورتی که قبول کرد ، سرش را برای من بیاور .من ترسم افزون شد و از این بیم داشتم که شیخ به دست من کشته شود ، نزد او آمدم و گفتم : مولای من سلام میرساند و می گوید این پول کمک خرجت باشد و این لباسها را بپوش ، ابن سمعون گفت این لباسی که اکنون در بردارم ، پدرم چهل سال پیش برایم بریده است ، چون از منزل بیرون می آیم آن را می پوشم و وقتی بر می گردم ، آن را می پیچم و کنار می گذارم ، خرجم هم از مال الاجاره خانه ای است که از پدرم به ارث برده ام ، دیگر چه احتیاجی به این چیزها دارم ، گفتم به دستور پادشاه ، آنها را صرف اصحاب فقیرت بکن ، گفت در میان اصحاب من فقیر وجود ندارد. من بازگشتم و جریان امر را به عضد الدوله اطلاع دادم ، گفت سپاس خدای را که او را از ما و ما را از او سالم نگاه داشت .)

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟
اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :

فتحعلی شاه دختری داشت ، دلش میخواست همسر فرزند میرزای قمی گردد. این علاقه از اینجا شروع شد که : روزی فتحعلی شاه به قم آمد و وارد بر میرزای قمی شد با هم در اطاقی نشسته بودند فتحعلی شاه دید ، جوانی بسیار با ادب و با جمال چای و ... میاورد و از آنها پذیرائی میکند ، از میرزا پرسید :

این جوان چه نسبتی با شما دارد ؟ میرزا گفت : پسر من است.
فتحعلی شاه که شیفته جمال و کمال جوان شده بود به میرزا گفت : دختری دارم دوست دارم که همسر پسر شما شود .میرزا فرمود : ارتباط من با شما درست نیست ، از این تقاضا بگذر ، فتحعلی شاه اصرار کرد و گفت باید حتما این کار عملی شود ، میرزا ناچار فرمود : پس یک شب به ما مهلت بده تا فکر کنیم ، فتحعلی شاه یک شب مهلت داد .
نیمه های آن شب میرزا برای نماز شب برخاست ، در آغاز تمام عرض کرد : خدایا من میدانم که این وصلت باعث می شود که محبت من به تو کم گردد ، اگر این وصلت ضرر دارد ، مرگ فرزندم را برسان .مشغول رکعت دوم نماز شب بود که همسرش آمد و گفت : پسرت دل درد گرفته است ، در رکعت چهارم بود که همسرش آمد و گفت پسرت حالش خیلی خراب است ، سرانجام در قنوت رکعت یازدهم (نماز وتر) به او خبر دادند که پسرت از دنیا رفت.
میرزای قمی پس از نماز به سجده افتاد و شکر خدا را بجا آورد که از این بن بست ، خلاص شده و نجات یافته است و در نتیجه مشکل وصلت و ارتباط با شاه به میان نیامد

جالبتر اینکه ، میرزای قمی (اعلی الله مقامه الشریف)
نامه ای به فتحعلی شاه نگاشت و در ضمن آن نوشت : من مختصر محبت و ارتباطی هم که با تو داشتم آنرا هم بریدم ، من از تو متنفرم و پنجشنبه از دنیا خواهم رفت .
نامه را مهر کرد و برای فتحعلی شاه فرستاد ، از قضا نامه زودتر از پنجشنبه بدست فتحعلی شاه رسید ، فتحعلی شاه فورا دستور داد کالسکه خود را آوردند ، سوار بر آن شد تا از تهران زودتر خود را به قم برساند ، بلکه با میرزا دیدار کند به علی آباد قم که رسید ، خبر رحلت میرزای قمی را شنید دستور داد جنازه را دفن نکنند تا به قم برسید ، خود را به قم کنار جنازه میرزای قمی رساند و گریه و زاری کرد و گفت : ای میرزا تو مرا رد کردی ، ولی من تو را دوست دارم . آری این است – پرهیزکاری و پاکی یک عالم ربانی و خدا ترس که این چنین مراقب است تا مبادا با ظالمان ارتباط برقرار کند .
روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟
اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :
حاجی نوری اعلی الله مقامه در ورق آخر از رساله فیض القدسی فی احوال المجلسره) که در آخر جلد اول بحار چاپ امین الضرب طبع شده و هم در دار السلام خود مینویسد یکی از سادات از اهل منبر روضه خوان گفت در خواب دیدم کانه قیامت قیام کرده و تمام مردم در وحشت و دهشت بودند و ملائکه مردم را میکشیدند و میبردندبرای حساب .ناگاه دیدم منبر بلندی که پله های بسیار داشت گذارده و در عرشه آن منبر پیغمبر خدا سید

انبیاء تشریف دارد و یک پله پائین تر حضرت امیر المومنین نشسته و مشغول است بحساب مردم و همه در مقابل آن حضرت صف کشیده اند. پس آن حضرت به من خطاب کرد از روی عتاب که چرا ذلت فرزند عزیز من حسین را ذکر کردی و نسبت ذلت به او دادی من متحیر شدم چه جواب بدهم چاره ندیدم جز آن که انکار بکنم ناگاه کسی بازوی مرا فشار داد گویا میخی در بازوی من فرو رفت ملتفت شدم مردی طوماری بدست من داد باز کردم دیدم صورت و تفصیل مجالسی که در مجالس روضه میخواندم. دیدم همان مطلبی که انکار کرده بودم در آن نوشته حیله ای بنظرم آمد گفتم مجلسی بگیر و بیاور دیدم طرف دست راست آن منبری که پیغمبر (ص) بالای آن نشسته صفهای بسیار طولانی از علماء و فضلاء و هر عالمی کتابها و مولفات خود را مقابل خود گذارده و مجلسی در صف اول تمام علماء بود جلد عاشر بحار را از او گرفت و آورد بدست من داد متحیر شدم چه کنم میدانستم که دروغ گفته ام بنا کردم آن کتاب را ورق ورق کردن پس حیله دیگر بنظرم آمد گفتم در کتاب حاج ملا صالح برغانی دیدم فرمود آن کتاب را از حاج ملا صالح بگیرید و بیاورید گرفتند و آوردند بدست من دادند باز بنا کردم آن کتاب را ورق زدن و مضطرب و پریشان احوال بودم که دیگر چاره ندارم ناگاه ملکی از جانب خداوند رحیم آمد بسوی نبی کریم که اگر علی بخواهد به این کیفیت حساب خلق را بکند احدی نجات نمی یابد پس آنحضرت با من اظهار ملاطفت و مهربانی فرمود پس خوف و خجالت من برطرف شد پس بیدار شده و ترک روضه خواندن را کرد و حال آنکه در هر سال مبالغی از روضه خوانی عاید او میشد.

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟
اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :

در زمانی که شیخ بهائی وزیر شاه عباس بود ، بعضی از مغرضین به شاه گفتند : شیخ بهائی با مردم عادی در معرکه ها حاضر میشود ، و با اوباش به تماشا میپردازد ، و این بر خلاف شان یک نفریست که وزیر مملکت است .شاه عباس برای اینکه این مطلب را تذکر بدهد ، روزی از شیخ وضع تحصیلی طلبه ها را جویا شد ، شیخ در جواب گفت : همه جور طلبه داریم : خوش استعداد ، کم استعداد ، نجیب ، غیر نجیب ، درس خوان ، درس نخوان ، البته ما هم طلبه های خوب را مورد تشویق قرار میدهیم ، و احیانا دسته ی دیگر را تنبیه میکنیم .شاه گفت : از نظر تربیت هم خوب است رسیدگی بیشتری به انها بشود چون که شنیده ام در معرکه های نقالان برای تماشا حاضر میشوند. شیخ گفت قربان خلاف خدمتتان عرض شده ، چون خود من نوعا آنجاها به منظور تماشا میروم و حتی یک طلبه هم تاکنون به چشم نخورده است. شاه بعنوان تعجب گفت : مگر شما هم آنجاها میروید ؟ مگر وزیر هم به میان اوباش میرود ؟ شیخ گفت : قربان جای تعجب نیست ، چون که چند قرن پیش شیخ اجل سعدی فرموده : به چشم عجب و تکبر نظر بخلق مکن که دوستان خدا ممکن است در اوباش شاه عباس گفت : اگر شیخ این شعر را گفته خواجه هم اینطور میگوید : گناه کردن پنهان به از عبادت فاش اگر خدای پرستی هوی پرست مباش شیخ گفت : قربان رفتن میان مردم و کسب اطلاع از حال زیردستان گناه حساب نمیشود ، خصوصا شخص خداپرست نباید پیروی از هوای نفس کند ، و به خیال اینکه من وزیر هستم به کسی اعتنا نکند و از مردم فاصله بگیرد.

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟
اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :

یکی از علمای وارسته که معاصر شیخ بهائی و علامه مجلسی بود ، علامه عزالدین مولی عبد الله بن حسین شوشتری است که در محرم سال ۱۰۲۱ هجری قمری از دنیا رفت ، و مرقد شریفش در کربلا است ، از وارستگی های او اینکه : روزی برای دیدار شیخ بهاء الدین عاملی معروف به شیخ بهائی ، که در اصفهان سکونت داشت ، به خانه او رفت ، ساعتی در حضور شیخ بهائی نشست ، تا اینکه صدای اذان ظهر را شنیدند. شیخ بهائی به مولی عبدالله گفت : شما همین جا نماز را به جماعت بخوانید و ما اقتدا کنیم و به فیض جماعت برسیم . مولی عبد الله لحظه ای تامل کرد و سپس برخاست و خداحافظی نمود و به خانه اش بازگشت. بعضی از دوستان از او پرسیدند : " با اینکه شما اهمیت بسیار به نماز اول وقت می دهید ، چرا پاسخ مثبت به شیخ بهائی ندادی ؟ " در پاسخ گفت : به نفس خود مراجعه کردم ، دریافتم در صورتی که امام جماعتی شوم و شیخ بهائی (با آن مقام ارجمند) به من اقتدا کند ، مطمئن نیستم که نفسم ، تغییر پیدا نکند (و از آرامش به تباهی ، هر چند کم ، کشانده نشود) از این رو راضی نشدم که نماز جماعت را در منزل شیخ بهائی بخوانم . نکته عجیب دیگر در مورد این عالم بزرگ و وارسته اینکه : پس از آنکه از کربلا به اصفهان آمد ، همه طلبه های اصفهان بیش از پنجاه نفر نبودند ، ولی با اینکه ایشان بیش از چهارده سال در اصفهان نبود ، هنگام مرگ ، بیش از هزار نفر از طلبه های فاضل اصفهان همراه سایر مردم ، جنازه او را تشییع نمودند . و این مرد وارسته و بزرگ نقش اساسی در تربیت شاگرد و افزایش طلاب داشت.

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟
اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :

مرحوم شیخ جعفر شوشتری در زهد و تقوی شهرت به سزائی یافته بود ، ایشان سفری از عراق به ایران نمود ، وقتی وارد تهران شد جمعیت زیادی از جمله سفیر کشور روسیه به ملاقاتش رفتند .مردم از آن مرحوم خواستند آنها را موعظه و نصحیت نماید. ایشان نیز بنا به درخواست مردم ، سرش را بلند کرده فرمود : ای مردم بدانید و آگاه باشید که خدا در همه جا حاضر است و مطلب دیگری نفرمود. لکن این سخن تکان دهنده ، اثر خودش را بخشید ، به طوری که اشک ها جاری گردیده قلب ها در هم تپیده و حالت مردم به شکل عجیبی دگرگون گردید. جریان گذشت و سفیر روسیه در نامه ای به نیکولا قیصر روس این چنین نوشت : تا مادامی که این قشر از روحانیون مذهبی در بین مردم هستند و مردم نیز از آنها پیروی می کنند ، ما نمی توانیم کاری از پیش ببریم ، زیرا وقتی جمله ای چنین انقلاب عجیب روحی بوجود می آورد دیگر دستورات و فتواهای صادره چه خواهد کرد ؟

روحانی گرامی آیا واقعا شما این چنین هستید ؟
اگر هستید در این کسوت ظاهر شوید و الا بی لباسی بهتر است از این پوشش .

روحانی گرامی یادتان هست بالای منبر می فرمودید :

بنابر نقل عبقریه الحسان نهاوندی شبی علامه بحرالعلوم فرمود من فعلا اشتها به غذا ندارم سپس امر داد غذای زیادی در ظرفی ریختند و آنرا برداشته آمد تا در یکی از کوچه های نجف تا رسیدند به درخانه دق الباب کرد صاحب خانه تازه عروسی کرده بود و آن شب شام نداشتند چون در را باز کرد سید فرمود من میل دارم امشب با شما غذا بخورم پس آن غذا را سه قسمت کرد یک قسمت را برای عروس ، بردند و آن دو قسمت را با هم تناول نمودند .

البته دوستان گرامی و خوانندگان عزیز چون از این سخنان من بسیار شنیده ام اگر مجالی بود قسمت شنیده های پای منبر در موضوع علماء رادر فرصتی دیگر ادامه خواهم داد.

منبع: https://www.hassanershad.com/1311

یهودیان آنوسی در کسوت بهائیان (محفل روحانی بهائیان یهودی تهران)

مطلب اول :

قدرتگیری صهیونیسم و بهائیت در دوران سردار سپه

کانونهای استعماری در ایران همچون صهیونیست و بهائیت در تثبیت قدرت رضاخان نقش بسزایی داشتند و این مسئله منجر به موقعیت مطلوبی برای آنان شد. چنانکه روی کار آمدن دولت کودتا این اجازه را به صهیونیستها داد تا در فروردین ۱۳۰۰ش، برای اولین بار در ایران اعلام موجودیت نمایند. در این سال تشکیلات صهیونیست ایران با ارسال نظامنامه ای به وزارت امورخارجه موجودیت خود را اعلام و تقاضای تشکیل مجامع و شعب ۱ در این بین بهائیان نیز با افزایش نفوذ خود در این تشکیلات را در سراسر ایران نمود. دستگاههای دولتی به گسترش تشکیلات خود در ایران دست زدند و »محفل ملی روحانی« ۲ را در ۱۳۰۰ش، راه اندازی کردند.

۱محمدرضا آشتیانی زاده، »سوابق رضاخان و کودتای سوم حوت ۱۲۹۹«، به اهتمام سهلعلی مددی، تاریخ معاصر ایران، کتاب سوم، زمستان ۱۳۷۰، ص۷۱

۲ محفل ملی روحانی ایران از افرادی همانند محب السلطان علی اکبرخان روحانی میلانی، باقراف، میرزا احمد یزدانی، میرزا آقاخان قائم مقام، اسحق خان حقیقی کرمانشاهی، آیتی، میرزا رحیمخان ارجمند، ملا بهرام، بدیع الله خان مصباح،یونس خان، عزتا الله خان علائی، میرزا عبدالحسین نعیمی، میرزا غالم مداچی، میرزا عبدالصمد طراز، مسیح مسافر، دبیر مؤید اسحق، میرزا ولی الله ورقا، شعاع الله علائی و سید علی اکبر آوارگان تشکیل شده بود. اسدالله فاضل مازندرانی، ظهورالحق، بیجا، مؤسسه ملی مطبوعات امری، بیتا، ج۹، ص۸.

منبع :

موقعیت بهاییها در ارکان دولت رضاخان از کودتای ۱۲۹۹ تا شهریور ۱۳۲۰)

مطلب دوم :

محمدرضا آشـتیانی از وکالی مجلس شـورای ملی که از نزدیک شاهد ارتباط حبیب الله عین الملک با اردشیر ریپورتر بود از دست داشتن عین الملک در معرفی رضاخان پرده برمیدارد:

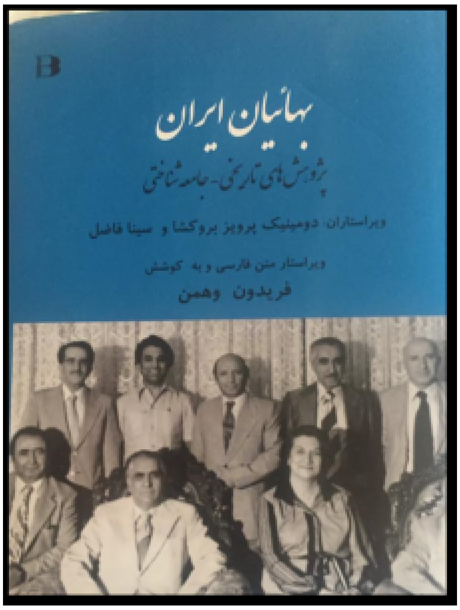
روز دیگر که باز به منزل عین الملک رفتم آن مرد زرتشتی هندی]اردشیر ریپورتر[حضوریافت...]به عین الملک[گفت: از شما خواهشمندم که با محفل بهائیان به مشورت بنشینید و از آنها بخواهید تا صاحب منصبی بلندقامت و خوش قیافه پیدا کنند و به شما معرفی نمایند و شما آن صاحب منصب را با من آشناکنید. اما به دو شرط: اول نباید صاحب منصب ژاندارم باشد و حتما باید صاحب منصب قزاق باشد. ثانیًا شیعه اثنی عشی خالص نباضد ... پس از آن ملاقات، عین الملک رضاخان را با ارباب اردشیرجی)ریپورتر(آشناکرد و اردشیر وسیله آشنایی رضاخان با فریزر میشود و فریزر او را به دیگر انگلیسیهای دست اندرکار کودتا، چون هاوارد، اسمایس، و گاردنر معرفی مینماید.

محمدرضا آشتیانی زاده، »سوابق رضاخان و کودتای سوم حوت ۱۲۹۹«، به اهتمام سهلعلی مددی، تاریخ معاصر ایران، کتاب سوم، زمستان ۱۳۷۰، ص.۱۰۶-۱۰۷

مطلب سوم :

دلائل بسیاری مبنی بر حضور گسترده یهودیان در تشکیلات بهایی از ابتدا وجود دارد تو گوئی این نوکیشان به ظاهر بهایی فقط خانه را عوض کرده اند و یا لباس را جای لباس دیگر پوشیده اند و الا اصل ماهیت باوری ایشان تغییری نکرده است یکی از اسناد مهم دال بر این ادعا اعتراف مورخین بهایی که دست بر قضا بهائی یهودی تبار نیز هستند اعتراف می کنند یهودیان حتی پس از به ظاهر بهایی شدن آنقدر توجه نداشتند که بهایی شده اند و **نام محفل روحانی بهائیان یهودی تهران را برای خود انتخاب کرده بودند**

در پایان ملاحظه می کنید آش آنچنان شور می شود که عبد البهاء هم تذکر می دهد که این مقدار قصه را تابلو ننمایید



بهائیان ایران

پژوهش‌های تاریخی - جامعه‌شناختی

ویراستاران: دومینیک پرویز بروکشا و سینا فاضل

ویراستار متن فارسی و به کوشش

فریدون وهمن

نشر باران ۱۳۹۰ [۲۰۱۱]

نویسندگان

افشاری، رضا - دانشگاه پیس

امانت، عباس - دانشگاه ییل

امانت، مهرداد - پژوهشگر مستقل

بروکشا، دومینیک پرویز - دانشگاه منچستر

توکلی طرقی، محمد - دانشگاه تورنتو

ساناساریان، الیز - دانشگاه کالیفرنیای جنوبی

شهابی، هوشنگ اسفندیار - دانشگاه بُستن

صادق‌زاده میلانی، کاویان - پژوهشگر مستقل

فاضل، سینا - دانشگاه آکسفورد

فؤادی، مینو - دانشگاه لندن

مؤمن، موژان - پژوهشگر مستقل

وهمن، فریدون - دانشگاه کپنهاگ

مترجمان

عرفان ثابتی

حوری رحمانی

۱

مهرداد امانت

انتظار ظهور موعود و تحوّل هویّت:
گروش یهودیان ایرانی به آیین بهائی

برخلاف مسلمانان، بهائیان حدّاقل در ابتدا با هویّت‌های دینی که یک پا در دین قدیم و پای دیگر در دین جدید داشت مدارا می‌کردند. گزینش هویّت بهائی مستلزم قطع پیوندهای اجتماعی ریشه‌داری از قبیل روابط تجاری، خویشاوندی و زناشویی نبود. اکثر نودینان یهودی همچنان در مراسم سبت حاضر می‌شدند و شعایر یوم کیپور را به جا می‌آوردند. بنا به یکی از گزارش‌ها، شماری از نودینان، به ویژه آنهایی که جزو روحانیون یهودی بودند، همراه با "پیروان" متعددشان هویّت یهودی خود را باز پس گرفتند (Amanat 2006: 214-15). ازدواج بین خانواده‌های بهائی یهودی‌تبار و مسلمان‌تبار تا حدود سال ۱۹۲۹ در کاشان رایج نبود، گرچه به تدریج به امری عادی بدل شد.[۲۵] برای مدّت کوتاهی، به منظور تأمین هزینه‌ی مدرسه‌ی تازه تأسیس بهائی در کاشان، بهائیان یهودی‌تبار حتّی قصابی "کاشر"ی را در رقابت با قصابی حلال [کاشر] متعلق به خاخام‌ها اداره می‌کردند (امانت ۱۹۸۸: ۸-۳۶).

در تهران، بهائیان یهودی‌تبار تا چند سال محافل روحانی بهائی مخصوص به خود را داشتند تا این که عبدالبهاء خواستار شد با تشکیل محفل مختلط به این امر

پایان دهند. در سال ۱۹۰۳، "محفل روحانی یهودیان تهران" در نامه‌ای خطاب به «بهائیان مسیحی تبار شیکاگو» با نقل آیاتی از کتاب مقدّس به عنوان دلیل و برهان بر درستی اعتقاد دینی جدید خود، همبستگی خویش را با بهائیان آمریکایی ابراز داشت.[۲۶]

مدارای بهائیان با هویّت‌های دوگانه امکان حضور طیف گسترده‌ای از مؤمنین و هواداران را فراهم می‌ساخت. در میان اینان از یک سو مبلّغین پُرشور و رهبران فعّال جامعه دیده می‌شدند و از سوی دیگر آنهایی که، طبق رسم شیعی تقیه و حفظ هویّت باطنی، ایمان خود را مخفی می‌کردند و فقط از دور با جامعه‌ی بهائی ارتباط داشتند.

برخلاف مسلمانان، بهائیان حداقل در ابتدا با هویت های دینی که یک پا در دین قدیم و پای دیگر در دین جدید داشت مدارا میکردند گزینش هویت بهائی مستلزم قطع پیوندهای اجتماعی ریشه داری از قبیل روابط تجاری، خویشاوندی و زناشویی نبود اکثر نودینان یهودی همچنان در مراسم سبت حاضر می شدند و شعایر یوم کیپور را به جا می آوردند. بنا به یکی از گزارش ها، شماری از نودینان، به ویژه آنهایی که جزو روحانیون یهودی بودند، همراه با پیروان متعددشان هویت

یهودی) خود را باز پس گرفتند ۱۵-۱۴ ۲۰۰۶ Amanat) ازدواج بین خانواده های بهائی یهودی تبار و مسلمان تبار تا حدود سال ۱۹۲۹ در کاشان رایج نبود گرچه به تدریج به امری عادی بدل شد. برای مدت کوتاهی به منظور تأمین هزینه ی مدرسه ی تازه تأسیس بهائی در کاشان بهائیان یهودی تبار حتی قصابی کاشری را در رقابت با قصابی حلال کاشر] متعلق به خاخامها اداره میکردند امانت ۱۹۸۸: ۸- ۳۶) در تهران بهائیان یهودی تبار تا چند سال محافل روحانی بهائی مخصوص به خود را داشتند تا این که عبدالبهاء خواستار شد با تشکیل محفل مختلط به این امر پایان دهند در سال ۱۹۰۳ ، محفل روحانی یهودیان تهران در نامه ای خطاب به بهائیان مسیحی تبار شیکاگو با نقل آیاتی از کتاب مقدس به عنوان دلیل و برهان بر درستی اعتقاد دینی جدید خود همبستگی خویش را با بهائیان امریکایی ابزار داشت. ۲۶ مدارای بهائیان با هویتهای دوگانه امکان حضور طیف گسترده ای از مؤمنین و هواداران را فراهم میساخت در میان اینان از یک سو مبلغین پرشور و رهبران فعال جامعه دیده می شدند و از سوی دیگر آنهایی که طبق رسم شیعی تقیه و حفظ هویت باطنی، ایمان خود را مخفی میکردند و فقط از دور با جامعهی بهائی ارتباط داشتند. ۳۹

متن و لینک منبع انگلیسی :

/https://bahai.works/Bahá’í_World/Volume_2
Translation_of_a_Letter_from_the_Israelitish_Assembly_of_Bahá’ís_of_Ṭihrán,_Persia

TRANSLATION OF A LETTER FROM ISRAELITISH ASSEMBLY OF BAHÁ’ÍS OF ṬIHRÁN, PERSIA

.To the House of Spirituality of Bahá’ís, Chicago, dated Ṭihrán, Persia, May 9, 1904

!He Is The Most Glorious

PRAISE and thanks belong to the One who is the God of all nations, and who has manifested Himself at this time, as before, for the great purpose of illumining the world with the Light of Unity. Already has He united the hearts of His peoples in the Name of .Light and Glory! In the Name of Bahá’u’lláh will the world learn of harmony and of love Although many peoples are yet slumbering, and see the Truth but dimly and as in a dream, yet, through the strength of the Word of God and the efforts of the chosen few, the world at large will perceive that vision and hasten to the Light of God, manifest in His Son (i. e., ‘Abdu’l-Bahá), the promised One, the Center of His Covenant and the Servant

of His Command. May all souls perceive the Word of God and the expression of Unity !manifest today, and partake of the joy therein

:Dear and Spiritual Friends

Your brilliant and welcome letter was duly received. Its contents expressed the spirit of love as taught by Bahá'u'lláh. We cannot tell you in words of our feelings and of our joy at hearing from you. So we will endeavor to express this appreciation in service and ,action. It is indeed a great privilege for the Bahá'ís to serve, according to their strength the Cause of God. It is a joy for them to listen to the Words of God and to feel the gentle zephyrs of His Love; but it is their duty to render such service as is directed by the Master .and to abide in His Command ,(i. e., 'Abdu'l-Bahá)

Regarding the subject of true brotherhood, your comments were good and consistent with the teaching in the 20th chapter of John: "Go to my brethren, and say unto them, I ascend ",unto my Father, and your Father, and to my God, and your God." He says: "Your Father and from this we can understand that believers in God bear the relation of children to Him and of brothers to one another. Also, in the 8th chapter of the Epistle of Paul to the Romans: "For as many as are led by the Spirit of God, they are the sons of God." It is further written: "The Spirit itself beareth witness with our spirit, that we are the children of God: And if children, then heirs." All these indicate the degree of real brotherhood .which we hope to attain in the Name of Bahá'u'lláh

-This subject of brotherhood brings to our notice a blessed Epistle of our Master, 'Abdu'l Bahá, from which we quote the following: "Each one of you must serve the Cause of Love, and endeavor to increase unity and harmony among yourselves; so that one shall serve another, and prefer the comfort of another to his own. Each should consider the other as his master, and every soul his friend and helper in attaining to the Supreme Friend." These are the instructions given for our welfare. Therefore we consider it an attainment and privilege to be your servants. We are unable to express our love for you, or to describe you to our friends. Yea! It was said of old, "The believer is he who is ".indescribable

[Page 276]



As to the prophecies of the Bible: In the 33rd ch. of Deuteronomy in the 2nd v. God declares: “The Lord came from Sinai, and rose up from Seir unto them; he shined forth from Mount Paran, and he came with ten thousands of saints: from His right hand went a fiery law for them.” This refers to four great Manifestations, Moses, Jesus, Muḥammad and Bahá’u’lláh. This is a sufficient prophecy, with its fulfillment, to convince any student of the Bible. Abraham has also prophesied that the eventful Return will occur in the fourth cycle. Genesis 15th ch. 16th v. contains references to the four cycles (i. e., four ,generations or ages after Abraham), first to that of Moses; second, Jesus; third Muḥammad; and fourth to the cycle of Bahá’u’lláh, which fulfills the prophecies of all .nations

In Hosea, 6th ch. 2nd v. it is said: “In the third day he will raise us up, and we shall live in his sight. Then shall we know, if we follow on to know the Lord: his going forth is prepared as the morning.” Here, because the Manifestation of Moses had already taken place, only three days are mentioned. Again, the six days of creation, as mentioned in Genesis, refer to the Manifestations of Adam, Noah, Abraham, Moses, Jesus and Muḥammad, and the seventh day when it is said that God rested, is this Day in which God’s work attains completion. The same thing is written in the Qur’án, as follows : “God created the heavens and the earth in six days, and then He established Himself upon the throne.” These prophecies confirm each other in a remarkable manner, and are fulfilled

truly. Moreover, the seventh day, when “God will then manifest Himself,” as stated in the
Qur’án, is the time of the end, the appointed Day. Muḥammad has even referred to the
place where the Manifestation of God would declare Himself. This place is: “The House
dád). In the Sura of Jonas the following verse is given: “And God willghof Peace” (Ba
invite the peoples to (Dar-el-Salam) the House of Peace, and will guide whomsoever He
”.willeth to the right path

We beg of God to prepare the peoples of the world for His Message, and to help us to
teach His Commands to the nations. We must pray God to keep us protected from the
many tests that we encounter in life, and to guard us from such attachments in this earthly
kingdom, which is mortal, as may hinder us from the Kingdom which is immortal. The
things of this world should be considered as means to an end, but not the end. The more
one earns in this world the greater becomes his care, the less he thinks of the Kingdom to
!come. May we be children of that Kingdom

The purpose of the Prophets in the past was to prepare men for this especial time. The
purport of all their writings was concerning this Day. To illustrate: Daniel the prophet, at
the close of his book (ch. 12th) gives three historical prophecies regarding this
dispensation. One is concerning the Báb and His time, under the name of Michael. He
mentions another as “time, times (the dual, two times) and a half” “Time” is the
expression of a thousand, and “two times” of two hundred, and “a half” of fifty, the total
of which is 1250 years. (Another reckoning of the “times” is according to the Metonic
”cycle of 360 years, viz: One “time” equals 360; two “times” equals 720, and “half a time
(.equals 180. Together they equal 1260 years

This time fills the interval between the appearance of Muḥammad, the Prophet, and the
day of the public declaration of Bahá’u’lláh. It is an exact prophecy and its fulfillment is
to the moment. The third date given by Daniel concerns the spread of this blessed
Message and the time wherein the Spirit of the Word shall encompass the world, even as
our Master, ‘Abdu’l-Bahá—May we be His devoted servants!—emphasized the truth that
.the fragrances of Life shall reach all parts of the globe

,Among other beautiful utterances, which have come from the Master regarding this point we cite the following: “Praise be to God! That His Cause in this Bahá’í Dispensation is [Page 277] one of absolute



,Love, of pure Spirituality. It is not of this kingdom, the earth, for it is not war and distress nor the oppression of one people by another. Its army is the Love of God, its victory is the ecstasy of the knowledge of God, its battle is that of truth—the exposition of the Word, its warfare is against selfishness, its patience is its ‘reserve,’ its entire meekness is its conquering power, and its love for all is a glory forevermore. In a word: It is Spirit and it is Love. Be not harsh to the ant, far less to a man; tread not upon the serpent, how much less upon a man. Be ever ready to give life, joy, rest, health and comfort to all, be they friends or foes. Consider not the purity of the pearl to compare it with the impurity of a ”.man, but look to the boundless Mercy of the Great Creator

Jesus Christ in referring to His second coming points to the prophecy of Daniel concerning the “١٢٩٠” in connection with the “Abomination of desolation.” The reader is .referred to the 24th ch. of Matthew

Again we have the prophecies of John in the Revelation ch. 11, “And I will give power unto my two witnesses, and they shall prophesy a thousand, two hundred and threescore ,days, clothed in sack-cloth.” This refers to the prophet Muḥammad and His successor Alí, whose manifestations were analogous to Moses and Aaron, and whose prophetic day‘

endured until the appearance of the Rib (the First Point). It also refers to the power which was exerted by Muḥammad as a witness preceding the Báb who fulfilled this prophecy to .the date

Another prophecy occurs at the beginning of this same chapter (Revelation 11). “And the holy city shall they tread under foot forty and two months.” Forty-two months equal 1260 days, each day of which corresponds to one prophetic year. Thus we see that the prophecy regarding the 1260 years is well fulfilled in the appearance of Muḥammad and its .culmination in the appearance of the Báb

Prophecies concerning Zion and its becoming the religious center of the earth are given in ,many places, some of them in our Bible. Among them are the following: Psalm 65 Praise waiteth for Thee, O God, in Zion: and unto Thee shall the vow be performed. O“ Thou that hearest prayer, unto Thee shall all flesh (peoples) come.” In Psalm 87, “The Lord loveth the gates of Zion more than all the dwellings of Jacob. Glorious things are :spoken of thee, O city of God.” Also in Psalm 132, v. 13, “For the Lord hath chosen Zion He hath desired it for His habitation.” Psalm 9, v. 11, “Sing praises to the Lord which dwelleth in Zion: declare among the people His doings.” Psalm 76, “In Judah is God -known: His name is great in Israel. In Salem also is His tabernacle, and His dwelling place in Zion. There brake He the arrows of the bow, the shield, and the sword, and the battle.” Psalm 99, “The Lord reigneth; let the people tremble: He sitteth between the cherubims; let the earth be moved. The Lord is great in Zion; and He is high above all the peoples.” Psalm 147, v. 12, “Praise the Lord, O Jerusalem; Praise thy God, O Zion. For ,He hath strengthened the bars of thy gates.” Isaiah 52, v. 8, “They shall see eye to eye when the Lord shall bring again Zion.” Isaiah 60, v. 14, “And they shall call thee, The City of the Lord, The Zion of the Holy One of Israel.” Hosea 2, v. 15, “And I will give her ,her vineyards from thence, and the valley of Achor (‘Akká) for a door of hope.” Psalm 48 v. 12, “Walk about Zion, and go round about her.” (This is an ancient sacred practice.)

The prophecies regarding this wonderful Manifestation are too numerous to be contained .in this letter. We will however mention a few more. Let us first refer to Revelation 11, v And they of the peoples and kindreds and tongues and nations shall see their dead“ ,9 .bodies three days and an half, and shall not suffer their dead bodies to be put in graves

And after three days and an half the Spirit of life from God entered into them, and they ”.stood upon their feet, and great fear fell upon them which saw them

[Page 278] The three days and an half mentioned

are three years and an half, and the three years and an half equal a thousand, two hundred and sixty days, each day of which is accounted as one year, and this also indicates the .coming of the Báb

Again, Revelation 12, v. 6, carries confirmation of this statement, where it is mentioned that the woman was fed in the wilderness for a period of a thousand, two hundred and threescore days. Consider also the 14th verse of that chapter, where “she is nourished for .a time, and times and half a time,” which corresponds with the date first given by Daniel

Another prophecy is in the 13th chapter of Revelation, where the beast is mentioned as having “power given unto him to make war forty and two months.” This refers to the -spirit of warfare which became manifest in Muaviah, who was a descendant of Bani Umayya, who made war after the departure of Muḥammad, and continued it until the .secret declaration of Bahá’u’lláh to His disciples

Also Revelation 11, v. 11, “And after three days and an half the Spirit of life from God entered into them, and they stood upon their feet.” This three days and an half refers to three years and an half, which in turn corresponds to forty and two months, which figures

a thousand, two hundred and sixty days. Each day has one year’s duration. The Spirit of life there mentioned refers to the Báb, whose name is composed of Muḥammad and ‘Alí. Since He brought a return of that Spirit, His name was transposed to ‘Alí Muḥammad.

As to prophecies of this time, made from the Muḥammadan point of view, they are many and long, and we fear we have already taxed your time; so we will content ourselves with one quotation from the Qur’án. This occurs in the Sura of Worship, as follows: “The path will be made plain on earth from Heaven, and He will ascend thereto in the day which shall last a thousand years according to your reckoning.”

It took the religion of Islám two hundred and sixty years to become established, and its condition of spiritual inspiration ceased in a thousand years, at which time He ascended and manifested Himself. So this thousand, two hundred and sixty years confirms also the prophecies of the Christian religion.

A beautiful prophecy is made in the Epistle of Paul to Timothy, ch. 6, v. 14, “Keep this commandment without spot, unrebukable, until the appearing of our Lord Jesus Christ: which in His times He shall show, who is the blessed and only Potentate, the King of kings, and Lord of lords; who only hath immortality, dwelling in the light which no man can approach unto; whom no man hath seen, nor can see; to whom be honor and power everlasting. Amen.” Here, in the first place, we have the time of the Manifestation predicted, especially so when we refer to Daniel, as Jesus directed His disciples to do. Second, the name of the home of Bahá’u’lláh is given, and in the original we have this very well protected from any interpretation, because the word “Light” is so accented as to prevent its being mistaken for the light of the sun or moon. Paul refers to it as a Light which is “far from the near,” thus indicating that it represents the name of a place; because the light of sun and moon shines everywhere. “Far from the near” means that the City of Núr (Light), located in Mázindarán, is far from the Holy Land which was “the near.” Third, he says that no man shall see him. “Him” there refers to the body, that is, no man shall see Him as the Son of Mary, for in that form did they see Him first.

In studying the Bible the student will meet with many symbols and prophecies relative to this time. If a Christian should say: “I am waiting to see my Lord come as was prophesied, and I will not have these prophecies interpreted by the reason,” we say, “Very

well. Have the prophecies made before the time of Jesus, and concerning Him, been literally fulfilled? Or have they been interpreted according to the time and the symbols used?" If they do not accept this second Manifestation, how can they accept the former ?one in Jesus

[Page 279]

Peter has well said in his second Epistle that, "The prophecy came not in old time by the ".will of man: but holy men of God spake as they were moved by the Holy Spirit

,Thomas believed in Jesus because he saw Him. He believed because he heard His words not because of the miraculous works. Yet Jesus said unto him, "Thomas, because thou hast seen Me thou hast believed: blessed are they that have not seen, and yet have believed." (John ch. 20, v. 29.) Therefore, if the seeing of the Manifestation is not the basis for knowledge, how much less is the witnessing of His Signs. Furthermore, if the faith of the people of the Gospel depends upon signs this condition is contrary to that stated by Jesus, Mark ch. 8, v. 12, "Verily I say unto you, there shall no sign be given unto ".this generation

In brief, the only sign and the only proof of the Manifestation is the Living Word that He gives, the power of which lasts forever. It is the Word that gives Life, and it is the .Spiritual Life that man seeks

For the Muḥammadans the Qur'án contains similar statements as to miracles. For instance, in the Sura of Imrán, "Say, verily, if I had what ye seek (miracles), then ye would not endeavor to find for yourselves what God has wished for you to know." It is a .wonderful change that a Prophet effects in a people when He raises their standard of truth It is through His teachings that the people attain to the knowledge of the Fatherhood of God and the brotherhood of man. May all people of the world soon attain this .understanding

You have written regarding the recent martyrs, and expressed your sympathy for the friends. Indeed, this recent calamity softened the hearts of all, even those of stone. The oppressors and destroyers caused the ruin of many homes, but we call them destroyers because in reality they destroyed themselves. Everyone of those martyrs manifested joy when the last moments came, and hastened to the Abode of the Beloved. The Bahá'ís here ,are ever thankful for persecutions, and the martyrs are grateful to those who release them .for thereby they attain to the Highest Station

The Bahá'í friends in Ṭihrán, including our Zoroastrian brothers, Muḥammadan brothers and ourselves the Israelites are in perfect harmony, working for the same purpose. We wish to be remembered to you, and through you to all our American friends. Hoping that you may attain greater light, and that we may serve you in promoting love and peace in ,the world, we are your servants in His Name

.THE ASSEMBLY OF ISRAELITISH BAHÁ'ÍS OF ṬIHRÁN

(.Dated Ṭihrán, Persia, May 9, 1904. Translated at Chicago, November 7, 1904)

یک بار انشاء الله برای همیشه (پیش نیاز عموم مطالب – اعم از سازمانهای صوری – نقشه های بیت العدل – براندازی توسط بهائیان ..)

[vc_row][vc_column css=”.vc_custom_1721237527823{background-color: #ddcaad !important;}”][vc_column_text] فیلم :

فهرست :

١ تقیه اصل مسلم در بهائیت

٢) :: هدف : سلطه بر جهان گرفتن تک تک حکومتها و سپس برپایی حکومت جهانی بهایی

٣) :: آرمانی یا نقشه های دقیق عملیاتی ؟

۴) :: عوامل جمع آوری اطلاعات – طراح و اجراء نقشه :

الف : در سطح جهانی (بین المللی)

دار التبلیغ – سازمان بین المللی توسعه – جامعه جهانی بهایی

ب : در سطح ملی (داخل کشور)

محافل ملی و مخلی – موسسه آموزش ملی – شورای منطقه ای

١) تقیه اصل مسلم در بهائیت لینک اول لینک دوم

٢) :: هدف : سلطه بر جهان گرفتن تک تک حکومتها و سپس برپایی حکومت جهانی بهایی

چکیده مطالب :

بررسی ساختار تشکیلات بهایی و اهداف آن

تشکیلات بهایی از زمان شکل‌گیری خود به‌عنوان یک سازمان مذهبی، سیاسی و اجتماعی، همواره موضوع بحث‌های گسترده‌ای بوده است. این سازمان که در ظاهر به دنبال تبلیغ آموزه‌های بهایی و گسترش صلح جهانی است، در پشت پرده به گونه‌ای عمل می‌کند که سوالات و نگرانی‌های بسیاری درباره اهداف واقعی آن مطرح شده است. در این مقاله، به بررسی دقیق ساختار تشکیلات بهایی، نقش بنیادهای وابسته به آن و اهداف بلندمدت این سازمان خواهیم پرداخت.

اصل تقیه در بهائیت

یکی از اصول کلیدی که در آموزه‌های بهایی و عملکرد تشکیلات بهایی به چشم می‌خورد، اصل تقیه است. تقیه به معنای پنهان کردن حقیقت یا نیت واقعی است که به بهاییان اجازه می‌دهد تا در مواجهه با فشارها یا شرایط خاص، نیت‌های اصلی خود را پنهان کنند. این اصل به‌طور گسترده در رفتار و سیاست‌های تشکیلات بهایی به کار گرفته می‌شود، به طوری که در بسیاری از مواقع، سخنان و مواضع این تشکیلات در ظاهر با آنچه در واقعیت دنبال می‌کنند، تفاوت دارد.

تقیه به بهاییان اجازه می‌دهد تا در برخی موارد سخنان خود را به گونه‌ای بیان کنند که در ظاهر قابل پذیرش و معقول به نظر برسد، در حالی که اهداف اصلی آنان در پس پرده و به‌دور از نگاه عموم پیش برده می‌شود. این رویکرد سبب شده است تا بسیاری از پژوهشگران، بهائیت را به عنوان یک سازمان پیچیده و چندلایه تحلیل کنند.

ساختار تشکیلات بهایی

تشکیلات بهایی به دو سطح بین‌المللی و ملی تقسیم می‌شود. در سطح بین‌المللی، سه نهاد کلیدی فعالیت می‌کنند که هر یک وظایف و مسئولیت‌های خاص خود را دارند:

۱. دارالتبلیغ: این نهاد وظیفه اصلی تبلیغ و گسترش آموزه‌های بهایی را بر عهده دارد و به عنوان یکی از ستون‌های اصلی تشکیلات بهایی شناخته می‌شود. دارالتبلیغ نه تنها در زمینه تبلیغات مذهبی فعال است، بلکه به صورت مخفیانه در جمع‌آوری اطلاعات و نظارت بر تحرکات جوامع مختلف نیز دخالت دارد.

۲. سازمان بین‌المللی توسعه: این سازمان، که در پوشش فعالیت‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی فعالیت می‌کند، به شکل گسترده‌ای در پروژه‌های انسانی مشارکت دارد. با این حال، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که این سازمان در واقع بخشی از تلاش تشکیلات بهایی برای نفوذ در حکومت‌ها و تغییر بافت جمعیتی کشورها به نفع اهداف بلندمدت خود است.

۳. جامعه جهانی بهایی: مستقر در نیویورک و با ارتباطات گسترده با سازمان ملل متحد، جامعه جهانی بهایی به عنوان یکی دیگر از نهادهای بین‌المللی تشکیلات بهایی عمل می‌کند. این نهاد به طور مستقیم در مذاکرات و بحث‌های حقوق بشری و جهانی مشارکت می‌کند و تلاش می‌کند تا از طریق این فضاها به اهداف سیاسی خود نزدیک‌تر شود.

در سطح ملی، نهادهایی همچون محافل ملی و محلی**، **موسسات آموزش ملی و شوراهای منطقه‌ای به‌عنوان بازوهای اجرایی تشکیلات بهایی در هر کشور فعالیت می‌کنند. این نهادها وظیفه دارند تا برنامه‌های تشکیلات بهایی را در سطح محلی و ملی پیاده‌سازی کنند و در تلاش هستند تا با جلب اعتماد مردم، نفوذ خود را در ساختارهای حکومتی و اجتماعی گسترش دهند.

بنیاد مونا و سایر سازمان‌های وابسته

یکی از نهادهای برجسته وابسته به تشکیلات بهایی، بنیاد مونا است. این بنیاد که به ظاهر یک سازمان غیر دولتی (NGO) است، در واقع به عنوان پوششی برای اهداف تشکیلات بهایی عمل می‌کند. بنیاد مونا، در سطح بین‌المللی به جمع‌آوری اطلاعات و نفوذ در جوامع مختلف می‌پردازد و به طور مداوم در حال گسترش شبکه‌های خود است.

سایر سازمان‌های وابسته به تشکیلات بهایی نیز به همین شکل عمل می‌کنند. این سازمان‌ها با استفاده از پوشش فعالیت‌های انسان‌دوستانه و آموزشی، به‌طور مخفیانه در پی پیش‌برد اهداف بهایی هستند. آنها تلاش می‌کنند تا از طریق فعالیت‌های ظاهراً بی‌طرفانه و بشردوستانه، زمینه‌سازی برای نفوذ بیشتر در حکومت‌ها و جوامع بین‌المللی را فراهم کنند.

هدف نهایی: برپایی حکومت جهانی بهایی

یکی از اهداف بلندمدت و اصلی تشکیلات بهایی، تسلط بر حکومت‌های ملی و در نهایت، برپایی یک حکومت جهانی بهایی است. بر اساس مستندات و شواهد موجود، این تشکیلات به‌طور مداوم در تلاش است تا نفوذ خود را در حکومت‌های مختلف افزایش دهد و از این طریق به سوی تشکیل یک حکومت جهانی حرکت کند.

این هدف، برخلاف ظاهر صلحجویانه و آرمانی که بهاییان به نمایش می‌گذارند، یک هدف کاملاً عملیاتی و استراتژیک است. تشکیلات بهایی از طریق نقشه‌های دقیق و برنامه‌ریزی‌های گسترده، در حال حرکت به سوی این هدف است. در این مسیر، از هرگونه فعالیت اطلاعاتی، امنیتی و تبلیغاتی برای دستیابی به این هدف بهره می‌برد.

جمع‌بندی

تشکیلات بهایی، با استفاده از ساختارهای پیچیده و چندلایه، در حال اجرای برنامه‌هایی است که هدف نهایی آن، تسلط بر حکومت‌های ملی و ایجاد یک نظام جهانی بر مبنای آموزه‌های بهایی است. این سازمان از اصولی همچون

تقیه برای پنهان کردن نیت‌های واقعی خود استفاده می‌کند و از طریق نهادهای بین‌المللی و ملی، به‌طور مخفیانه اهداف خود را دنبال می‌کند.

در نهایت، با توجه به اسناد و شواهد موجود، روشن است که تشکیلات بهایی یک سازمان پیچیده و چندوجهی است که به دنبال تحقق اهداف بلندمدت خود از طریق فعالیت‌های امنیتی، اطلاعاتی و تبلیغاتی است. این تشکیلات نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح بین‌المللی نیز تلاش دارد تا نفوذ خود را گسترش دهد و به تدریج به هدف نهایی خود یعنی حکومت جهانی بهایی نزدیک‌تر شود.

مورد اول :

بهاء الله و حکومت بهایی **متن اسناد به همراه فیلم**

مورد دوم :

حکومت بهایی به روایت اسناد جامعه جهانی بهایی یکصدو ده سند ۱۱۰

اسناد برانداز بودن سازمان بیت العدل الف : اسناد بالا دستی : **متن اسناد** **توضیح تصویری اسناد**

مورد سوم :

اهداف نقشه های بیت العدل در راستای اشغال سرزمین ها و برقراری حکومت بهایی – اسنادی قطعی از منابع امری

پیرامون هدف از طراحی نقشه ها رسیدن به حکومت است : **متن اسناد** **توضیحتن در فیلم**

۳) :: آرمانی یا نقشه های دقیق عملیاتی ؟

حاکمیت موازی ۶ حکومت طلبی بیت العدل آرمانی یا عملیاتی ؟ (عهود = اقدامات عملیاتی برای کسب قدرت)   متن

اسناد و فیلم نقد

دو نمونه از نقشه ها :

مورد اول :

نقشه ملکوتی عبد البهاء اولین و مبنای نقشه های براندازی تشکیلات بهایی تا کنون – بررسی اوّلین لوح از الواح نقشهٔ ملکوتی عبد البهاء

متن اسناد و فیلم نقد

مورد دوم :

کودتای سال ۱۳۳۵ اسرائیل (تشکیلات بهایی) در ایران در بستر نقشه ده ساله شوقی و مقابله جانانه مردمی – بر مبنای فرمان شوقی در سال ۱۳۳۲ و فرمان گرفتن حکومت برای سال ۱۳۳۵ آماده برای کودتا بودند

متن اسناد و فیلم نقد

۴) :: عوامل طراح و اجراء نقشه نهاد های امنیتی :

الف : در سطح جهانی (بین المللی)

ب : در سطح ملی (داخل کشور)

=====

الف : در سطح جهانی (بین المللی) مهم ترین

مورد اول : ایادیان امر یا دار التبلیغ



۱ – آخوندهای اطلاعاتی بهایی – صیانت و ترویج – بررسی اسناد دال بر وظیفه اطلاعاتی و جاسوسی این نهاد در سطح جهانی

موسسه فخیمه امر الله (دار التبلیغ – مشاورین قاره ای – هیئت معاونین – مساعدین) با مسئولیت حراست و ترویج

https://www.hassanershad.com/5536

۲ – اسناد اقدامات اطلاعاتی دار التبلیغ و زیر مجموعه اش شامل قرائت منطقه

عالی ترین نهاد اطلاعاتی تشکیلات بهایی برای وصول به بر اندازی و اجرای نقشه ها قرائت منطقه و اقدامات اطلاعاتی و شناسائی انجام می دهند

https://www.hassanershad.com/5553

۳- نـهاد امنیتی بیت العدل مسئول طراح و نظارت بر اجرا و در مواردی مجری نقشه های بر اندازانـه است

https://www.hassanershad.com/5344

۴ – کل تشکیلات بهایی زیر سلطه نـهاد امنیتی دار التبلیغ – مختصات کل تشکیلات امنیتی است

https://www.hassanershad.com/5579

۵ – دار التبلیغ متولی طرد – لازمه آن وجود شبکه امنیتی و جاسوسی در سراسر عالم

https://www.hassanershad.com/5599

۶ – ساختار سازمانی نـهاد امنیتی دار التبلیغ بین المللی

(ایادیان – دار التبلیغ – هیئت مشاورین قاره ای – هیئت معاونین – مساعدین)

https://www.hassanershad.com/5601

۷ – نـهادهای امنیتی موازی دار التبلیغ مانند محاقل ملی شورای منطقه ای و کلاستر ووو

https://www.hassanershad.com/5357

مورد دوم :

سازمان توسعه بین المللی

موسسه بین المللی طرح و توسعه اقتصادی و اجتماعی در اسرائیل

دفتر بین المللی توسعه اقتصادی اجتماعی سابق

مهم ترین و هسته مرکزی عملیات گسترده در سطح بین المللی برای تغییر بافت جمعیتی در سطح جهانی

https://www.hassanershad.com/4890

فیلم و متن :

معرفی سازمان توسعه بین الملل بهایی " دفتر سابق توسعه اجتماعی و اقتصادی " در اسرائیل

https://www.hassanershad.com/7696

مورد سوم :

جامعه جهانی بهایی :

سازمانهای صوری بیت العدل مورد اول جامعه جهانی بهایی (هزاران سازمان در سطح بین المللی – قاره ای – ملی – محلی)

https://www.hassanershad.com/10578

ب : در سطح ملی (داخل کشور)

مورد اول محافل ملی و محلی :

مورد دوم

مؤسسه ملی و منطقه ای آموزش

۱ – موسسه آموزش ملی بهایی – مقدمه – از ارکان تغییر بافت جمعیتی در سطح ملی

فعالیت در سطح ملی و منطقه ای برای تغییر بافت جمعیتی و اشغال سرزمین ((متن اسناد))

https://www.hassanershad.com/4776

فیلم قبلی :

موسسه آموزش ملی و منطقه ای فصل اول : عامل نهادهای اطلاعاتی خارج در کشوردر اسناد بیت العدل ۱۵ جلسه تصویری

https://www.hassanershad.com/7741

۲ – موسسه آموزش ملی بهایی زیر نظر عوامل اطلاعاتی فرا منطقه ای

موسسه آموزش ملی بهایی یکی از زیر مجموعه های تشکیلات بهایی داخل هر کشور می باشد که یکی از وظایفش اطاعت محض از فرامین دار التبلیغ که نهاد امنیتی تشیلات بهایی است در اسناد زیر پیامهایی از بیت العدل را ملاحظه می فرمایید که نماینگر این ادعاست

متن اسناد

https://www.hassanershad.com/4786

فیلم قبلی :

موسسه آموزش ملی و منطقه ای فصل دوم : تغییر بافت جمعیتی جهت اشغال سرزمین (تصرف محدوده های جغرافیایی)

و تجاوز به حقوق کودک

۱۶ جلسه

https://www.hassanershad.com/7745

۳ – موسسه آموزش ملی بهایی و قتل عام فرهنگی

رسالت اولین این موسسه از بین بردن الگو ها و عناصر فرهنگی بومی هر کشور و جایگزین کردن عناصر فرهنگی بهایی است

https://www.hassanershad.com/4797

فیلم قبلی :

موسسه آموزش ملی فصل سوم : – تسجیل – عامل اصلی توسعه منابع انسانی – هدف اصلی این موسسه یارگیری و تسجیل برای حکومت موازی در هر کشور

https://www.hassanershad.com/7751

۴ – موسسه آموزش ملی – تسجیل – عامل اصلی توسعه منابع انسانی – هدف اصلی این موسسه یارگیری و تسجیل برای حکومت موازی در هر کشور

https://www.hassanershad.com/4813

فیلم قبلی :

موسسه آموزش ملی و منطقه ای فصل چهارم : موسسه آموزش ملی بهایی حوزه علمیه مرکزی بهائیان در هر کشور

https://www.hassanershad.com/7754

۵ – موسسه ملی آموزش بهایی – نظام پرسنلی – مالی وو موسسه آموزش ملی بهایی – حوزه علمیه مرکزی بهائیان در هر کشور

نظام سازمانی – پرسنلی و مالی در پیامهای بیت العدل

https://www.hassanershad.com/4823

قیلم قبلی :

موسسه آموزش ملی و منطقه ای فصل پنجم حضور رسمی موسسه آموزش ملی رسما از اسرائیل در ایران – گوشه ای از اسناد خیانت هیئت یاران به ایران

https://www.hassanershad.com/7757

۶ – موسسه آموزش ملی بهایی بدون مجوز در ایران – اعتراف بیت العدل به حضور موسسه فوق در ایران بدون مجوز و زیر زمینی

https://www.hassanershad.com/4831

فیلم قبلی :

موسسه آموزش ملی و منطقه ای فصل ششم : از ارکان نقشه – نقشه های پیوسته موسوم به الهی بیت العدل جهت تحققش در سطح ملی برای رسیدن به حکومت بهایی نیاز به موسسه فوق الذکر دارد

https://www.hassanershad.com/7765

۷ – موسسه آموزشی ملی بهایی از ارکان تحقق نقشه در سطح ملی

نقشه های پیوسته موسوم به الهی بیت العدل جهت تحققش در سطح ملی برای رسیدن به حکومت بهایی نیاز به موسسه فوق الذکر دارد

https://www.hassanershad.com/4836

مورد سوم :

شورای منطقه ای بهایی (۵ نفر)

۱ – شورای منطقه ای بهایی "" هسته مرکزی براندازی "" مقدمه

آشنایی با شورای منطقه از منابه امری

https://www.hassanershad.com/4854

فیلم و متن :

ساختار ارکان حکومت موازی بیت العدل شورای منطقه ای بهایی هسته مرکزی براندازی در سطح ملی ""

۵ جلسه سخنرانی به همراه متن پیامهای بیت العدل

https://www.hassanershad.com/7780

۲ – شورای منطقه ای بهایی "" هسته مرکزی براندازی "" ویژگی ها

نکته اول : ویژگی های شورای منطقه ای

https://www.hassanershad.com/4861

۳ – شورای منطقه ای بهایی و نهادهای اطلاعاتی فرا منطقه ای

نکته دوم = شورای منطقه ای تحت نظر و امر نهاد های امنیتی مشاورین قاره ای عمل می کند فرا

https://www.hassanershad.com/4866

۴ – شورای منطقه ای بهایی رقیب محافل ملی

بی کفایتی محافل ملی عامل نا ننوشته تاسیس شورای منطقه ای

https://www.hassanershad.com/4870

۵ – شورای منطقه ای بهایی و اقدامات ضد امنیت ملی و فعالیتهای امنیتی

بررسی اسنادی که حاکی از اقدامات امنیتی شورای منطقه ای دارد

https://www.hassanershad.com/4878

۶ – شورای منطقه ای بهایی یکی از ارکان مهم اجرای نقشه در سطح ملی

تمام اقدامات براندازانه تحت فرایند تحقق نقشه صورت می گیرد و مدیریت اجرای آن شورای منطقه ای است

https://www.hassanershad.com/4884

[vc_row/][vc_column/][vc_column_text/]
